IMĀM AL-DĪN B. MUḤ. ʿOMAR.

Tiryāq-i istimnā' dar 'ilm-i ṭibb.

n.p., n.d. (c. 1900) (80 pp., figures) ~~Cloth~~ (Lithogr.) —

Storey (II, 2, 291) mentions 1291/1874 edition.

pap. f 14p. —



ماشاء اللہ لا قوۃ الا باللہ

درعلاج حلق و دہن و سینہ و شش از مہر خنی و دیگر عمدہ دست شفابخش امراض انجنا سمی



بسعی تاجران نامی حاجی چراغ الدین سراج الدین تاجران کتب لاہور

مطبع مصطفائی واقع دارالاہور مطبوع شد



ف ترياق بفارسی ترياک نامند و هرچه در شان او باشد که حفظ قوت و صحت مزاج روح بجدی کند که رفع ضرر سم نمايد باين اسم نامند ۱۲ تحفة المومنين ف ۲ خضخضه نقيض بهر دو خارج حلق زدن ۱۲ منتخب ف ۳ خواجه محمد سليمان صاحب تونسوی رح يکے از اوليائے کاملين بوده است و عالمے از فيض و هدايت او بهره وافر گرفته بمراتب عليا فائز شدند و خواجه ممدوح از نور محمد مهاروے که خليفه جناب رشد انتساب حضرت خواجه مولوی فخر الدين دهلوی است اخذ بيعت يافته گمراهان باديه ضلالت را براه هدايت رهنمون گردانيده بتاريخ هفتم ماه صفر شب پنجشنبه سال يکهزار و دو صد و شصت و هفت وصال نموده و در شب آدينه در بنگله شريف مدفون شدند۔ رحمة الله عليه ۱۲

محمد فضيل بوده عفر الله تعالے

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله که ممرضان ممارست خضخضه خناس مايوس العلاج را از مجربات قانون احسان شفائيش کلمه طيبه لا اله الا الله ترياقی است بخواص و فوائد النجاحيت کثيره که هر نامراد و اے که از ممارست عنينه مجلوق کفر و اعوجاج ذکر شرک مايوس از صحبت ازاله ابکار نو عروسی ايمان باشد بمجرد تهاون بلسان بقوت مردانگی عرفان و فرور فرزانگی ايقان مستحکم و منتشر گردد و از غايت برد احسان تجويزات عجيبه کليات هتاليش معجون شريفه محمد رسول الله ترکيبی است عجيب التاثير که هر معلولی بابکار مايوس از مجاوق عصيان و خضخضه وساوس عنت قلبی احتشام بعسا و گناهان گرفتار باشد محض اگر دون آن يکبار بزبان موجب استحکام ايقان لقائے رحمان و وصول جانان شده قادر بر نو عروسی ابکار حوران مے شود صلوا عليه و آله و اصحابه و اتباعه خصوصا بپيران سلسله مقدسه چشتيه بهشتيه که هر يکے قطب الاقطاب بر ولايت محمدی و غوث الاغوات هدايت احمدی زينت بر تخت سليمان تونسوی سره قدست رضوان الله تعالے عليهم و علے من تابعهم اجمعين تا آدميکه خواص ترياق استمنائی بجلوق مخصوص و فوائد مسوحات و ضماوات به خضخضه موصوف منتشر و مشتهر هست باد بحرمة النون و الصاد اما بعد مے گويد راقم اثم عبد المعروف فقير حقير امام الدين بن شيخ پير محمد بن شيخ محمد عمر بن شيخ احمد حکيم پانيپتی عفے الله عنهم و عمن اود که چون بعد از تاليف عطر مجموعه و مخزن الاکسير و ترياق الفرح و ترياق حافظ النشاء و اقفح العقود و تبيه و تکليف و تمديد بعضے احباے طلبائے ابن مذاق ترتيب تصنيف ترياق استمنا هذا مستقل و منفصل بنحويکه احدے از ابناے عم ما نتيد تکنات مواد و صبر نکرده منضمن و منضبط

بر دو مشت و یک ذکر در سنه ۱۲۸۰ از هجرة النبی صلعم سر انجام گردانید امید بفضل تعالی آنکه فوائد عام نفعش

تام بخواص و عوام و پسند خاطر اطبای کرام زبان گرداناد اما **مشت اول** در باب سبب

خضخضه و استمنا و بالید و این بر شش حرکت است **حرکت اول** در استمنای مردان باید دانست

که خضخضه و استمنا و بالید جلق جمله عبارات از مشت زنی است که آن استنزال در غیر قبل و دبر و عام است

در آنکه با دست استمنا میکنند که مراد از آن جلق است یا در بعضی چنانچه خریطه از پشمینه یا حریر یا چرم

یا ساخته بر چیزی مثل تکیه و جز آن نصب ساخته استنزال می نمایند و آن مرضیت بسیار قبیح و کثیر الوقوع و عسر النجاح

که اکثر عادات مردان عزب و جوانان قوی الشهوة است که دستگاهی بر بد خوله ندارند یا از علم و ورع و حیا ل اتقا

ارتکاب بآن می نمایند اگرچه عند الشرع از جهت عدم مباورت بحق نفی دیگرے بحکم روایت ابن عباس

که سُئِلَ عَنِ الخَضْخَضَةِ فَقَالَ هُوَ خَیْرٌ مِنَ الزِّنَا وَ نِکَاحُ الاَمَةِ خَیْرٌ مِنْهُ یعنی سوال کرده شد

از استنزال در غیر فروج پس فرمودند که آن بهتر است از زنا و جماع کنیز بهتر از وست و عند محل مخوفه

وقوع زنا جایز است و معتادین خضخضه را عادتے بهم میرسد که خود را از ان باز داشتن نمے توانند و

با وجود وجود مفعوله ملتفت بآن نمیشوند و وجود محبوبه را بجوئے در شمار نیارند و تقریب او را محض عبث

و رایگان پنداشته و اصلا بآن راغب و متوجه نشده نوبت بملاعبت هم نرسانند چنانچه ظرفای این گروه اشعار

فخریه در وصف خود گفته اند اما بسبب نقصان در رجولیت و انقطاع در تناسل که خاصه اوست حدیث

نَاکِحُ الیَدِ مَلْعُونٌ در باب تهدید ان صادر زیرا که عند الاطبا هیچ اسبابی شدید المضرت و کثیر الاذیت

برای ضعف باه و استرخای قضیب مثل خضخضه نیست بلکه او را از جماع برده اضر و بدتر میگویند چنانچه

گفته اند ؎ گر لعبت مرده را در آغوش کشی + زان به که بدست خویش خود را بکشی + و آن بالخاصیة

والکیفیة مورث حزن و غم است زیرا که بسبب قلت التذاذ مفقود بودن وجود مطلوب منقبض و غمگین میگردد

و ضعیف میشود و انتشار لامحاله بنابر عدم توجه طبیعت بدفع انزال بمدد جر استنزال بصعوبت ممارست

جلق و امساس ضغطی و استرخای میرسد و اعضای تناسل مثل گرده و مثانه و قضیب خاصه باصل آن

اعوجاج الذکر رو نماید و بسا باشد که طبع عادت میگیرد بدفع منی بغیر قوت انتشار و میگذارد انتشار را تا

آنکه عارض شود جریان عسر البرء و ضعف در شهوت و باشد که از شدت جریان و ذوبان تخم گرده و غیره رطوبت

بدنی شده حالتی مانند مدقوق و مایوس العلاج گرداند و غالبا به سبب قلت التذاذ طبیعت بتولید منی نمی پردازد

و بعضی میگویند که هرگاه منی یا شد طبیعت را فایده در خروج منی پس نمے گذارد اهتمام را که دارد در تولید

منی همچنان بسبب اعانت جاذبه رحم و اندک میباشد استفراغ منی لاجرم طبیعت هم در تولید آن اهمال

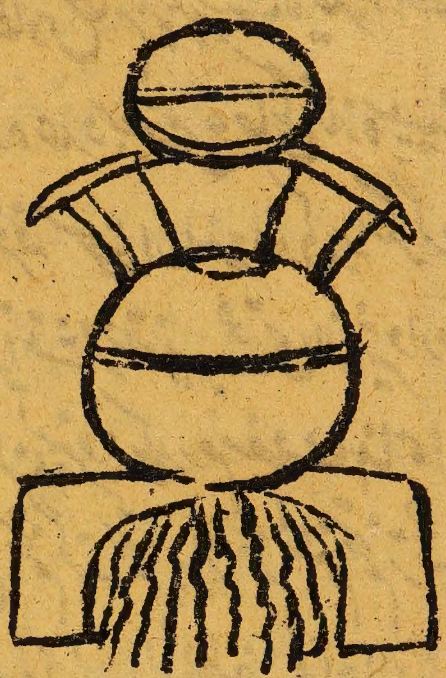
پس لازم میگردد و ضعف و استرخائی در جمیع اعضائی تناسل بتانه مفلوج حتے کہ قائم نمیشود و قضیب بر جماع
بگر که او را عِنّی بکسر عین مهمله و فتح نون مشدده و یای تحتانی میگویند از انست که قضیب صاحب مجلوق
مدام ضعیف الحس و الحرکت بود و روز بروز لاغر و باریک گردد و در بعضی ازین یا در وسط ذکر باریکی رو نماید
و اگر بحیل ملاعبات و ملامسات و قبلات صورت انتشار رو نماید از یکبار جماع بار دیگر متعسر الوصول
باشد کما لا یخفی عند الممارسته و عند شدت ممارست جلق مطلق از جماع می ماند که آخرا مایوس می ماند که
هرگز علاج پذیر نگردد و خاصه کسی که قضیب او از انداختن آب مستقلص نگردد و بفقدان القوة الحاسة فیه
و تدبیرش بجز مسوحات مفروحه و ضمادات مبشره و تکمیدات مسخنه منبت و تقویت رئیسه بعایت علاج
فالج اثر تمام دارد چنانچه تفصیل آن در جائیگاهش مرقوم خواهم نمود اما حرکت دوم قدر خضخضه نسوان
دان بر دو وضع است وضع اول آنکه بزبان عربیه مجرده قوتی الشفیقة عند عدم تیسر جماع و وقاع
مرد و زن باهم جمع شده سر فرجین ملاصق نموده مساحقه می نمایند تا به مدد و جز شدید از لذت مساحقه
مستلذ شده منزل میگردد و این اکثر عادات زنان شوهر نادیده باشد و غالب است که مباشرت این فعل مرض
جریان رحم و اختناق الرحم عارض میشوند و اشتیاق غایت بجماع مردان بهم میرسد زیرا که عند شدت
ثوران و غلیان مواد مقوی و قلت استفراغ و اخراج آن کما ینبغی نمیشود و در مجاری و منافذ عروق در مانده
موجب جریان رطوبت یا اختناق الرحم گرفتار سازد علاج آن بجز مقاربت مرد ممکن نباشد وضع دوم
از آن خضخضه است که بزبان خیانت پیشه و فساد اندیشه کسیر و نجمعی او شان از مجامعت مردان نمیشود
لاجرم عند طغیان شهوت و غلیان خواهش خویش آلتی مصنوعی از چرم یا حریر یا جامه شمع موافق استعداد
و صل خود ساخته بدوال مضبوط میکنند و زنی فاعله یکطرف او را مقابل سر فرج خود گذاشته دو الها
بکمر خویش قایم سازد و بدستور مردان با زن دیگر فراهم می آید تا آنکه فاعله بمباسحقه و مفعوله منصابه مستلذ
شده هر دو منزل می شوند و باز بنوبت مبادله با یکدیگر عمل فعل مے نمایند و عاملات این فعل را بزبان فرس
سغری و الت شان را چبر خنگ مے نامند و زنانے که باین عمل عامله اند از صحبت مردان تنفر دارند بتقریب
مردان را بچیزے نمے شمارند و بتوصیف و ثنائی سلیقه خویش ادا هیمنمایند چنانچه بعضی از مقوله شان بیان
میکنند ے انتظار شوهر بیگانه بردن الهی ست + بار دار و بچه پرور بودن ازبی آگهی ست + دولت
پاینده نعمت از چبر خنگ مدت گو + اختیار خود بضرب زور طول و فربهی ست + بالجمله احوال اختناق رحم
و فرج اینچنین زنها در ضعف و استرخا سے حذر مشابه میشود یا جوال قضیب مجلوق که هرگز از مجامعت
مردان مستلذ و منزل نمیشوند و مردهم از وی استلذاذ نمیگیرد و هرگز حامله نمیشود و بالخاصه تر حامله این فعل در غم

غم والم و فقر و افلاس مبتلا میماند و شرم و حیا و رونق از بشره او بالکلیه میرود و مهما امکن این گروه متفاوت زده را
بتهذیب و تادیب ازان ممانعت باید کرد و مگر زنی که بمرض اختناق الرحم گرفتار باشد و وصول مرد بوی غیر ممکن بود
الا بسبب ضرورت در انجا عملی رود مضایقه ندارد و فتامل و تدبر حرکت سیوم در تشریح قضیب که آنرا ذکر و
احلیل و بفارسی آلت مردی نامند و نزد بعضی احلیل سوراخ قضیب مخصوص و آن عضوی که تکمیل مهمات
انسانیت و ظهور قوت رجولیت منسوب بوست پس آن جسمی ست مرکب از گوشت اندک و عصب و عروق و
شرایین بسیار و غشا و رباطات و عضلات و نی حس کثیر خصوص در سر آن که حشفه و کلاه نامند و اصل آن رباطی ست
که از عظم عانه رسته و جزو اعظم در تحریک عضله همین ست و فایده آن رسانیدن منی ست بمستقر آن که قعر
رحم میباشد و نیز اخراج بول و غیره فائده هر یک اعضائی آنها ضبط حرارت و ریاح منفعله و حس و حرکت و
تغذیه و تنمیه و افاده حیات و اتصال بعظم عانه و تحریک آن بظاهرست و باید دانست که لحم آن غددی ست
نازک و در رباطات آن کثیر التجاویف و عروق آن وسیع جهت آنکه ریح و روح و دم در منافذ آن در آید
و آنرا منبسط و کشیده دارد تا انعوظ حاصل آید و مبدء قوت و روح آن از سه عضو رئیس ست که دل و دماغ و جگر
باشد و تقویت معده را نیز در آن دخل تمام ست و در اختلال هر یک از اینها خللی در آن طاری میگردد و حرارت آن
از روح و قوت قلبی ست و حس و حرکت آن از عصب دماغی نخاعی که از فقرات عجز آمده و اثر نخاع از دماغ ست
و قوت تنمیه و تغذیه آن از کبد بمشارکت گرده و معده و اصل همه قلب ست هر چند صحت آن زیاده و فرح و سرور آن
بیشتر بقوت آن زیاده و فایده کثرت حس حشفه از سایر آن که از اجتماع اعصاب ست در آن این است که احتکاک آن بقعر
رحم باعث التذاذ مجامعت و سبب غلبت بر مباشرت گردد و ملاطفت باین نماید چون روغنی یا ضمادی ادویه قویه
حاده بکیفیت بر قضیب باستعمال آرند اگر بر حشفه نیز طلای او نشود اولا تاثیر در حشفه او نماید بثور یا قروح خواهند برآمد
و باشد که از کثرت حس شدت الم شده موجب غشی یا قلق و اضطراب و غیره عوارضات مخوفه نازل در نماید
لهذا اطبای مجربین بتاکید شدید در استعمال ادویه قویه حاد الکیفیه سوای حشفه امر فرموده اند فاحفظ بدانکه طول
قضیب از شش انگشت مضموم صاحبش تا دوازده انگشت مضموم و عرض و حجم آن نیز مختلف میباشد
در بعضی قوی و در بعضی ضعیف و همچنین احوال طول و عرض رحم ست و جلد زائد بالای سر حشفه که آنرا
قلفه می نامند موجب عدم نظافت تامه از بول ست لهذا در شریعت محمدی صلعم که مدار کلی بر استنجا ست
بر این قدر زائد آن از جمله سنن موکده گردید که ختنه عبارت از وست و ارباب ظرافت می گویند که
قضیب مختون نسبت غیر مختون در لطمه قعر رحم زنان قوی تر و سخت تر می باشد چنانکه گفته اند ٥
چون بگردد زن بکوچ بمسلمان عاشق + قلم قط زده تیز روان می باشد + حرکت چهارم

در تشریح احلیل و مجاری قضیب که درین منی و مذی و ودی بر آید و استرخای قضیب که از
کثرت جریان و قلت منی بهم علاج آن که بعد جلق عارض شود باید دانست که در قضیب سه مجری ست یکی برای
خروج بول بمثانه اتصال دارد دوم برای منی که بانثیین متصل ست سوم برای ودی که بغده بیخ ذکر پیوسته
و این هر سه در بیخ ذکر از هم متمایز اند و در احلیل آمده از یک منفذ و مجری خارج می گردد و خلقت این هر سه
مجری ضرورست و هر یک باید که بنحوی خاص باشد مجری بول مائل بصلابت تا آنکه منفعل و متالم نه گردد
از حدت بول و مجری منی باید که مائل بترقی باشد که تا هنگام عروج منی بسرعت کشاده گردد و منی بدفق
و جهندگی بر آید و بمستقر خویش قرار یابد و چون این دو مجرای متحقق گردید مجرای دیگر میان
آن هر دو برای خروج ودی لازم ست که مجری را نرم و تر و با غدویت دارد زیرا که بول و منی هر دو
حاد و جالی اند مجری را بسبب حدت و جلا گویا میخراشد چنانچه محسوس می گردد و این رطوبت
ودی باعث تعدیل و غدویت و معین اند فاعی هر دو ست و ودی بفتح واو و سکون دال مهمله و یای
و بذال معجمه نیز آمده و آن رطوبتی ست لعابی مانند سپیده بیضه مرغ که بعد از بول و اخراج منی می بر آید و
مذی بفتح میم و سکون ذال معجمه و یا در طوبتی ست که هنگام منعظ بر سر ذکر ظاهر گردد و هر چند مباشرت
بازنان بیشتر بود این بیشتر گردد و کذا عند کثرت جلق بکثرت می بر آید و موضع این غده که در ابتدای مجرای
بول واقع ست بالجمله عند کثرت جلق و استمنا بالید همگی اعصاب و عضلات و عروق قضیب خصوصاً بیخ ذکر مسترخی
و متحدر میشوند و اوعیه منی مسترخی شود بسبب برودت و رطوبت که از کثرت خروج منی لازمه وی ست بدان سبب
ماسکه او ضعیف گردد و حفظ منی نتواند نمود و منی خود بخود بیرون آید که اگر رقت منی ست بغیر انعاظ بر آید اگر
ضعف ماسکه بافراط باشد منی بنحویکه در اوعیه آید بلا تنوگر آید بدون انعاظ اگر ضعف بافراط نبود محتاج بادنی حرکت
می باشد و این نیز بحسب درجات ضعف متفاوت الحال میباشد که بعد اتمام او یا عند مباشرت فاحشه که عبارت
تلاقی فرجین بدون دخول چنانکه در حرکت دوم فرضه دوم مفصلا قوم کردم و هر چونکه باشد درین مرض نشست
نعوظ صورت نمی بندد علاج ازاله اسباب موجبه تدبیر جلق بمسوحات و ضمادات مخصوصه و استعمال ماسکات
بول و منی و مقویات کلیه و مثانه تمام مفید و معجون بلوط و کندر و فوفل و استقاف آنها و نوشیدن شیر
گاو بچه نوزاد که هنوز بچه اش شیر نمکیده نباشد دوشیده هماوقت گرما گرم بنوشند مکذا رفع بعمل آرند جهت
حبس سیلان منی مزمنه مایوس العلاج خاصه که بعد جلق یا از کثرت جماع بهم رسیده باشد از مجربات حفیه است اگر
پستان گاو را در دهن انداخته مکیده شیرش بنوشند افضل ست و کذا شیر موصوفه را در ظرف گلینه
نوآب نادیده دوشیده با پارچه مسعه الدهن نموده زیر سقف معلق نمایند چندانکه رطوبت شیر در آن

تمام خشک گردد بر آورده با بقی اوراکوفته بیخته باہموزن شکر تری آمیخته استفاف نمایند شربتی از دو تولہ
تا پنج تولہ مدام صباح و شام ہمراہ شراب یا شربت خشخاش استعمال آرند و تیز ہندی مقشر و معشر با شکر تری مفید
تام و کذا سفوف از ثمر گوندی خشک و تالمکھانہ و ثمر سپستان خام مجفف با شکر تری مدام مفید تمام در استعمال
پنج بیضہ اعنی یک بیضہ را شکستہ و ہمان قشر شراب و آب پیاز و روغن گاؤ و شہد خالص پر کردہ باہم کردہ نیم گرم
نوشتند و تا اربعین بعمل آرند و این پنج بیضہ باشند و گاہے بجائے شراب عصیر انگور یا آب ادرک مے اندازند
بحسب مزاج فوائد زائد نماید و خوردن بیضہ کبوتر و ماکیان و کنجشک و کبک و طاؤس خام یا نیمبرشت یا حلوا آنھا
مدام در تولید و ممکن نیز مادہ الریح خصوصاً با ادویہ باہیہ سریع العمل ست و ہمرہ دہ عدد بیضہ مرغ خانگی تازہ سپیدہ
کشیدہ بدل آن عسل مصفی بالا لبن انداختہ پر نمایند بعدہ یکنیم ماشہ دار چینی و قرفہ مسحوقہ انداختہ اندکی بر اخگر گرم
نمودہ بخورند تا سہ روزنہ قوت یکماہ محفوظ دارد و کذا در تولید منی و تقویت باہ و انتشار قضیب قوی التاثیر دارد
و پنجعدد زردی بیضہ مرغ در کرچھی انداختہ گرم کنند و یکدرم سحقہ قضیب گاؤ در آن آمیزند و یکدرم سفوف ہذا ہمراہ
کردہ بخورند تا دو ہفتہ بعمل آرند نہایت فوائد نماید ص عاقرقرحا دار چینی تخم گزر تخم پیاز تخم شلغم تخم ترب
تخم اوٹنگن تخم کوپنج یکدرم ششش دام کوفتہ بیختہ سفوف نمودہ یکدرم یکبار برند و کذا برائے لطیف مزاجان لعاب
یا بس مخصوص در تولید منی و بقوت باہ شریف التاثیر و لذیذ ص زرد بیضہ مرغ پنجاہ عدد از پارچہ گذرانیدہ
دہ تولہ گلاب و دو حبہ مشک و نیم ماشہ زعفران در آن آمیختہ و بیک سیر نبات بقوام نرم آوردہ آمیختہ بپاؤ سیر
مسکہ گاؤ تازہ تیار داشتہ دفعہ دفعہ با چمچہ مسکہ را داغ کردہ در پاتیلہ بتدریج ریزیدہ باشند تا تمام مسکہ در آن
صرف شود پس در کاسہ چینی نگاہ دارند بقدر برداشت مزاج در ہفتہ تا کم قبیض مقرر کردہ بخورند نہایت عجیب
التاثیر رو نماید من معمولات حکیم ذکاء اللہ ست و کذا تہ بیر مسکہ ہذا کہ از معمولات خاندان این راقم آثم ست کہ
جہت تولید منی و تقویت باہ شریف التاثیر دارد و نہایت لذیذ و از احسن الاغذیہ خصوص در اثنائے علاج مجلوق
ہمین غذا بعمل آرند صفتہ بگیرند شیر گاؤ یک سیر او در پاتیلہ انداختہ بر آتش بگذارند و با کفچہ گردانیدہ باشند
وقتی کہ غلیظ القوام گردد بیک پاؤ پختہ مسکہ گاؤ تازہ گرم نمودہ بپارچہ صاف کردہ بست عدد زردی بیضہ
مرغ نیمبرشت در آن محلول ساختہ بعدہ سہ پاؤ پختہ نبات کوزہ کوفتہ بیختہ در آن آمیز کردہ خوب
لت سازند و در آن قوام شیر مغلظ شدہ آمیزند و بر آتش نرم داشتہ بر دارند وقتے کہ خوب
باہم شوند فرود آرند یکتولہ دانہ ہیل و ششش ماشہ طباشیر و پاؤ ماشہ دار چینی و دو ماشہ زعفران
بعد سحق بلیغ آمیختہ در میان پیالہائے گلے تو آب دیدہ مقدار پنج پنج تولہ یا کم و بیش
ازان در آن ریختہ محفوظ دارند مانند شیرینی برسنے خواہد شد عند الحاجت

علی الصباح و عصر یا همراه نان مدام باستعمال آرند و یک پیاله یا دو پیاله هر روز جزو ده باشند و در اثنای
استعمال آن تدهین روغن بذر البنج که بعد تر کردن آن در شراب دو آتشه عنب تجفیف شدن یا در شیشه یا در معصره
یا در دیگچه بدستور تصویر ذیل کشیده بر گرده و مثانه و انثیین مالیده باشند بعده یک حبه یا یک ماشه از ان
همراه شربت خشخاش خورانیدن جهت حبس سیلان منی و مذی عجیب التاثیر دارد و صورتش این است



و استعمال کشتجات حضوصا کشته طلق سفید ساده معمولی و کشته
فولاد و کشته قشر البیض و حجر الجراحت و کشته ارزیز و غیر ذلک بدستوری
که در مخزن الاکسیر و عطر مجموعه مفصلا مرقوم نموده ام بعمل آرند عجیب التاثیر
و اقوی الفعل دارند و آنچه سفوفات و عرقیات غیر مخصوص برای جریان
در بهشت دوم مرقوم خواهم نمود بکار برند حرکت نجم و اعوجاج الذکر
بکسر همزه و سکون عین مهمله و کسر واو و فتح جیم و الف و جیم ثانی در اصل
بمعنی کج شدن آمده و ذکر بفتح ذال و کاف و سکون رای مهمله قضیب را
گویند و وجه تسمیه علی ما لا یخفی از لحاظ معنی ترکیبی موضوح می انجامد و آن تمددی ست و میلان بجانبی
که قضیب را عارض گردد و کیفیت حدوث او این ست که خلط لزج و غلیظ بلغمیه بعضله از عضلهای
ذی جیبشه بدان سو منجذب سازد و یا به سببی از اسباب عضله مسطوره متورم شده با عوجاج الذکر انجامد یا عصبی از
اعصاب که بوی رسیده اند به تشنج امتلائی یا یبسی متشنج شوند و مرض مذکور بکجی مذکور صورت پذیر گردد پس
اگر حدوث تشنج در عصبی بود که از خانه به قضیب در آمده اعوجاج ببالا باشد و اگر در آن عصب باشد که از قطن
بذکر رسیده تعوج با سفل بود خصوص بعد ممارست جلوق استرخا یا تشنج از عضله یا عضلات عانه بسیری
یا یبسی یا قطنی صرری یا سببی از خلط غلیظ لزجه بلغمیه یا منویه نازل شده قضیب را به یمین یا یسار یا اسفل یا اعلی
بجانب علت عضله کج گرداند و در انتشار راست نگردد بلکه در تقویت باه و نعوظ قضیب حل کج تر انداز و باشند که در
انتشار ابتعاش کم داند و بر یکی قادر شدن متعسر بود اگر یکبار جماع نماید بار دیگر متعسر الوصول باشد و بالجمله دخول قضیب را
در عمق رحم مانع آید در منی از سبیل استقامت منحرف شده بقعر وی نگراید و انتقال قرار نیابد اگر کجی قضیب
بطرف یمین باشد موجب تولید مذکر و اگر بطرف یسری مولد بر تانیث علاج بعد زوال اسباب موجب تنقیه خلط لزج
بتکرار بعد نضجات و استعمال مسوحات ضمادات و تکمیدات مسخنه ملینه چون روغن یاسمین و روغن نرگس و روغن
زنبق و پیه ماکیان و بط و مغز ساق گاو و تخم و دل دار و زرد و هنگ روغن موم و صابح و مانند آن بعمل آرند و
تغسیل با مطبوخ که در وی بابونه و اکلیل و بنفشه و شبت و گیتجد و مالنگی در مثل آن بعد المقلی هر کدام از ادهان مذکور

آمیخته بنگرم قضیب را شسته باشند بنگرار چند بار تا حصول حرارت نرمی عضلات رو نماید تا راست شود و
آنچه تکمیدات مخصوصه کجی اندمن بعد آن بعمل آرند و اگر از تدابیر مذکوره فایده کم بظهور رسد استعمال ضمادات و
رغنات حاره و مفتح و منشره خصوصاً که دران بیخ عشر یا مغز دنبه یا بلادر باشند یا فقط عمل ستیر عین الادویه مخصوص
که در مثنوی سوم در تجربه دویم مرقوم خواهم نمود بعمل آرند و کذا استعمال علوق بدستوری که در مثنوی دویم در تجربه
اول مذکور شده اند از مجربات لخلخه اسرار عزیز است اما اگر کجی بطرف راست بود و بچپ لو بها لطرف
بچسپانند یعنی از طرفی که مائل بود نه بچسپانند و طرف ثانی را همچنان بگذارند تا خون در انجا آمده گوشت را
پر سازد و کجی را زائل گرداند فاحفظ حرکت ششم در استرخای قضیب که از ضعف دماغ
و دل و جگر و معده یا از ترک جماع و عدم هیج یا سببی از اسباب فالج عارض شود منضغط بر
مخ انحتیت انگشت اول در استرخای قضیب که از ضعف و خلل دماغ و قلب باشد اما اگر
فقط ضعف دل از تعب کثیر یا از مرض طویل یا از جوع مفرط بود ظاهر است که چون قلب ضعیف شود
روح هوائی و ریح ناشره متولد نگردد علامت نرمی و ضعیفی نبض و سستی قضیب و فرو ریخت شدن آن
و کمتر جماع خواستن و نشاط کمتر یافتن و بعد از جماع حالتی به نزدیک بغشی رسیدن و ظهور تشنگی و خفقان و
تواتر نفس لازمه این مرض محرورین ست خاصه صاحب او ست که از شرم و حیا ازین کار باز مانند علاج
بتقویت کوشند هم آنحوشی معجونه جمیله اصل الادویه اسفود و نغمات لبیذه لبوب کبیر و صغیر مجرب النجاحیت ست
اما اگر فقط دماغ ضعیف بود پس ماده قوت نفسانیه حسا منقطع شود از اعضای تناسل و بدان سبب اعضا
مذکوره از حرکت و لذع منی منتبه نگردد و نشان آن تکدر حواس و تغیر و بطوء حرکات و جماع کمتر آرند و کردن خاصه
اگر دماغ را تعب رسیده باشد از سبب بیداری و جز آن و از جماع لذت نیافتن و قضیب سست شدن
و اگر ضعف از برودت بود انتفاع از ضد و ضرر از و مشاهد ست و اگر از حرارت بود بعکس است و اگر از رطوبت
بود رطب و غیره و ارد و دم حمام مرطب قلب رت باید و مجففات نفع دهد و اگر از یبوست بود بعکس است علاج
تقویت دماغ ست با دویه مقویه چون خمیره و مغز بادام خاصه معنوی و لبوبات خصوص لبوب کبیر
که در آن معنوی بیضه است و در حرکت چهارم مسطور است و حسوا و نیمرشت و رؤس حیوانات و بیضهائی
و بخر فنک بعمل آرند باید دانست که اکثر عوارضات نفسانی در بدن انسان اقوی و اسرع است از عوارضات
بدنی چنانچه در حالت غضب و فرح و فزع و خجالت و غم و هم مجرد ورود هر واحد از آن تغیرات مخصوصه
جسم و بشره و غیره عادات رو نماید و عند استمرار تغیر بدن می گردد و این از جمله خواص انسانی ست
کما قال مولانا روم رح بیت گاو در خر فربه شود از ناو نوش + آدمی فربه شود از راه گوش

انزال ست که وقوع مجامعت در عالم رؤیا و وجود انزال در تیقظ که احتلام عبارت از وست دلیل ظاهرست
بر آن بخلاف غیره اضغاث و احلام که هیچ اثر آنها در بیداری هویدا نشد و سبب آن جز این نیست که در نوم
تعطل حواس ظاهری ست از تصرف در اندرون و منصرف شدن حواس باطنی ست بمعونت ارواح در
مصالحت بدن پس بجهت تصرف و تبدیل ارواح بسوی باطن که تسخین بدن لازمه اوست با لضرور سخونتی
و غلیانی در مواد منویه حادث میشود و طبیعت که موکل بر مصالح بدن است جهت اندفاع ان مترود
میگردد پس قوای باطنه که پیوسته مائل شهوات و مشتاق مستلذات هستند بنا بر ادای خدمت خویش
صور مشتهیات از خزینه خیال متشکل شده باعث استنزال هم میرسانند از انجا که در عالم خواب تصرف تمام قوای
باطنی ست و مدار اکثر قوائی شهوانی هم بر آنهاست لاجرم بسبب غدغه و سخونت که در وریدها عروق مبنی عضلات
آلات تناسل معین بر استفراغ شده موجب انزال می گردد و چون قوی تزکیه انبیا علیهم السلام از لوث
شهوات منزه اند و مورد وحی و تنزل هستند لامحاله وقوع اینچنین اضغاث احلام با ایشان ممکن نیست
چنانچه از حکیم مطلق حکم إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ در شان ایشان و تابعین ایشان از
وارد ست بالجمله که نقصان باه و استرخائی قضیب که از تصرفات نفسانی بود مسمی ست باحتشام و آن در
لغت مهوبت ست و هیبت و حشمت و دیگری قدر اصطلاح اطبا مرضی ست توهمی که با وجود اعتدال و
صحت اعضا متمکن شود در خیال شخصی که بر مباشرت قادر نخواهد شد لاجرم مصروف متوهمه هنگام کار بقدرت
نیاید چنانچه فقیری گفته **بیت** با وجود جمله استعداد خود از وهم خویش + بر بساط قرب با بوسم چو اهل احتشام +
و سبب ان استیلا عوارضی ست از عوارض نفسیه در هنگام مباشرت و استمرار طبیعت بر آن چنانچه گفته اند
بیت بسی نوجوان شیر دل پنجه گیر + بمیدان انکار شد روبه پیر + اکثر جوانان نا آزموده کار را در معامله
ابکار بسبب حرکات مضطربانه و ادا های مستغربانه شان صولتی در دل فراز آید و بدان توهم عقد از
روزگار بکشاید یا متیقن می گردد در خیال که کسی مرا سحر کرده و رجولیت مرا بسته پس بدان تصور اسپ در میدان
تواختن نتواند و یا آنکه در حین مباشرت در محل خطور رسیدن خطوری بخاطر موجب تعطیل گردد پس
طبیعت بواهمه خجالت همیشه سر در گریبان تذلیل ماند یا در صحبت معشوقه جدیده از مستولی شدن حیا
بمیدان نهادن نتواند یا از غایت فرحت محبوبه یا محبوبه غالبه بسبب تحریک و تسخین ارواح بظاهر و نزود
بباطن و وقوع بی اختیاری باعث بیکاری گردد یا طبیعت از کراهت مفعوله متغیر شده انتشار را فرو گذارد
و خیال با این علت استقرار گیرد بالجمله بهر حال وقوع این احوال اگر نخستین نوعروسی که هنوز بتجربه زنان
نرسیده باشند عارض شود نهایت اشد و دشوار ست و باشد که بر جماع حدی از زنان اقتداری نماید بسبب

استحکام توہم و عدم مہارت ایشان در باب زنان بخلاف بتجربہ کاران کہ البتہ چندان مایوس از کار نمیشوند
و اکثر است کہ باوجود عدم بر زن محتشمہ بر زنان مالوفہ مسبوقہ جماع کردن میتوانند بعدم التوہم منہا و کذا ایشوند
و اکثر معتادین لواطت را کہ بغیر غلمان بر جماع زن قدرت ندارند و اگر احیاناً واقع شود بمجرد دخول ذکر
باسترخا رسیدہ منزل میشود بعدم الاعتیاد بہا و شک نیست کہ جسم قضیب بسبب برودت محل غلمان
معتاد متکاسف میگردد بالضرور و حرارت فرج بسبب انفتاح مسام آن موجب استرخا میگردد و طبیعت بسبب
ملاقات خلاف عادت خود مہربان جاذبہ رحم است امساک منی کردن نمیتوانند و ہمچنان میشود گاہی بسبب
اختلاف طبائع فروج در حرارت و برودت بطبیعت مرد کہ در اول دخول موجب انزال و استرخا میشود
و طبیعت بواہمہ مرض خود گرفتار با حتشام می گردد کہ درین جملہ انواع بسرعت تدارک نمودہ شود
و الا نہ اگر چندی تعطلت بگذرد طبیعت در تولید منی باز خواہد ماند و مایوس العلاج خواہد شد
علامت آن تقدم اسباب و خفقان و حزن و خوف از مجامعت و قائم شدن نعوظ گاہ گاہی در تنہائی
و سلب گردیدن این ہنگام قربت و باشد کہ از دیدن زن محتشمہ و شنیدن آواز و بلکہ صفائی نام خیال
صورت آن انقطاع رجولیت میشود علاج آن تبدیل مزاجست تقویت اعضائی رئیسہ خصوصاً دل و
دماغ و تبدیل خیال متکفہ خاصہ رفع خیال بمسکرات قبل از جماع و مفرحات و تقویت آن ہر دو مثقال
و دواء المسک بیک رطل گلاب ہر روز خوردن کمال مفید و از عرقیات مثل عرق مسکر و عرق خوش گیف در حسن(?)
معجون مسکر و معجون زاید الفکر و مفرح جوانی عجیب الاثر دارند ہر گاہ مرگین موشیران یک تولہ یا تولہ
[illegible] سحق بلیغ نمودہ در شیشہ بدارند و بعد یکدو حبہ ازان ہمراہ شیر گاو ہنار بنوشانند و چند روز
بعمل آرند جہت رفع احتشام کہ ہرگز بر زنی قادر شدن نتوانند قادر گردانند و کذا بخور نمودن از
گوشت [illegible] در پیش نگاہ ناہفتہ جہت کشودن مرد کہ بستہ کہ رجولیت او بافسون یا طلسمی و مثل آن
بستہ [illegible] است و چون محتشم بضعف بستہ خاستہ بر چہار راہ برہنہ شدہ بر تابہ تافتہ بول بکند
جہت رفع بستگی رجولیت مردی کہ از افسون یا طلسمی و مانند آن باشد از خواص عجائب و از اسرار بانیہ(?)
است و اما از جملہ اعمال مخصوصہ و معمولہ مشایخان و خاندان راقم اثم عفی عنہ کہ کرارہ بتجربہ در آمدہ عمل
ثلاثہ ہذا است کہ جہت جمیع اقسام احتشام انواع ضعف باہ علی التمام موثر و مفید خاص و عام ست
لیکن بغیر جلیلہ عمل نیارد کہ موجب نقصان عامل و معمول خواہد شد باید کہ بعد از نماز صباح ہر روز
یکے ازین نقوش ہمائے ثلثہ بر کاغذ پارچہ بمشک و زعفران و گلاب نوشتہ تا سہ روز مریض [illegible] علی
الطریق بخور انند و بعد الثلث [illegible] ہم بادہ شود قربت نماید انشاء اللہ تعالیٰ [illegible] خواہد شد روز اول

بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم صلی الله علی محمد و آله اجمعین الٰهی بحرمت محمد و علی و
فاطمة والحسن والحسین ان تعافینی من العنینة وتقدرنی علی الجماع الحلیلة وصلی الله علی
محمد و آله اجمعین روز دوم حم عسق یا صمد یا فرد یا ذا الجلال والاکرام لا اله الا انت سبحنک
انی کنت من الظلمین ان تعافینی من العنینة وتقدرنی علی الجماع الحلیلة وصلی الله علی محمد
و آله اجمعین روز سیوم کهیعص یا حی یا قیوم یا احد یا صمد یا فرد ان تعافینی من
العنینة وتقدرنی علی الجماع وصلی الله علی محمد و آله اجمعین **انگشت دوم** در استرخای قضیب
ضعف باه که از ضعف معده و جگر شود و بدان سبب خون صالح که تولید منی را شاید متولد نشود نشان
وی قلت منی و قلت اشتها و ضعف هضم است **علاج** بتقویت اعضای رئیسه خصوص معده
و جگر را بادویهای مناسب خاصه نوشدارو که در آن زر ورق بغیه بدخولست بسیار مفید و شریف التاثیر و اجع
معجون فلاسفه مقوی و ساده نیز مفید و کشته فولاد خصوصا کشته آن که در آن سیماب بتدبیر در تکلیس
انداخته تیار کرده میشود ترکیبش در مخزن الاکسیر مفصلا رقم نموده ام غیر ازان مدام در مسکه یا قیمان بخورانند
فوائد عجائب ببینند و دیگر کشتجات مقوی و مبهی که شرح آنها در عطر مجموعه و مخزن الاکسیر تحریر نموده ام
بحسب مزاج و طبیعت در عمل آرند فوائد شدید رونمایند فانظر الیه فلنحفظ **انگشت سیوم**
در استرخای قضیب که از ترک جماع عارض شود بدانکه چون ترک شود زمانی طویل از جماع طبیعت
از تولید باز ماند نشانش ترک جماع و عدم احتلام و عدم خوشی از جماع **علاج** هرچه منبه شهوت و باعث
آن بود اختیار کردن چون معاجین باهیه مثل معجون بیضه و معجون مبهی و معجون مرغ سقنقور
ولبوب کبیر و صغیر و غیر ذلک در بحار مرقوم اند بعمل آرند **انگشت چهارم** در استرخای قضیب که
از عدم ریح شود نشانش سلامتی اعضا و قوت بدن و عدم نفخ و قراقر با غذیه نفاخه و عند النفخ منتفخ و
منتشر شدن و منی بسیار برآید و این جنس را انتشار بالکل باطل نمیشود بلکه اندکی با ضعف قائم باشد گاه
باشد که عدم تولد نفخ از قلت حرارت و نقصان رطوبت بود و قوی شدن انتشار پس از اکل و شرب
خاصه که ماکول رطوبی نافخ بود دلیل قلت الحرارت میباشد نشان او است و گاه باشد که عدم حرارت مانع تولد
نفخ باشد و این بسیار باشد و قوی شدن انتشار هنگام جوع و خلاء معده و عند حرکات سخته
و استعمال اغذیه و ادویه حارات نشان وی است **علاج** آنچه از فقدان رطوبت بود بجهت
ترطیب استحمام بآب شیر نیم گرم و مانند آن بکار برند و از اغذیه چون شلغم و نخود و شیر تازه باندکی و از حلیبی
و جوز بوا و زنجبیل خورند و از ادویه باهیه هرچه بسیار گرم باشد اختیار فرمایند و شدید الجواف

زنهار نخورند لان الحرارة تحلل الالح وشدید الحرارة خشکی می آرد و همچنین ضد تولد نفخ است و آنچه از
عدم حرارت بود جهت تسخین معاجین گرم و دادن حاره و جز آن هرچه مناسب مزاج دارند بکار برند **نکتهٔ**
پنجم در استرخای قضیب که جنس فالج بالضاب نضایا بلغمی در اعصاب آن در آید و یا بواسطهٔ استادن
در آب سرد زمانی یا نشستن در برف و مانند آن و ظاهرست که چون بسببی ازین اسباب مزاج اعصاب فاسد شود
و تقویت محرکه و حاسه متحرک منقطع نگردد در آن عضو نشانش رفت و قلت منی ست و سهولت خروج
آن بغیر انتشار و قضیب ضعیف الحس و الحرکة بودن و روز بروز لاغر و متقلص شدن و برسیدن
آب سرد متقلص و فسرده نگشتن یا کمتر متقلص شدن بحسب بطلان و نقصان حس و چون مرض مذکور قوی تر
باشد و مزمن و هر ال و ضعف بسیار راه یافته باشد توقع علاج کم باشد و این نوع را عنینه گویند و صاحبش را
عنین خوانند که نامرد اما آنچه حدیث العهد بود و سبب قوی نبود و برسیدن آب سرد متقلص گردد و
نهایت باریک و لاغر نباشد علاج پذیرست علاجش آنچه در فالج و لقوه و رعشه و تقویت باه و
کجی قضیب و سستی آن مذکورست بعمل آرند **نکتهٔ دوم** در علاج جلق و استمنا بالید و خضخضه و
آن ربستهٔ مجربست از **تجربهٔ اول** در علاج مجلوق با رسال علوق که از اسرار مجربات و بمنزلهٔ
آبحیات کنوز خفیه و از جمله اکسیر سریع التاثیر چون تریاق کبیر لانظیر ست و آن مجرب بعد التشم بهشت
قسم است از آنجمله که جهت جلق زده و کج شده و از کار رفته و لاغر و مهزول القضیب را زود و در فربهی
آرد و از مجربات کامله است **ص** بگیرند زلو سته عدد یا پنج عدد و یا نه عدد حسب تجویز و رای طبیب
بر ذکر طرفین بچسپاند چون هم سیر شوند انها را دور نموده بعد ذلک ذکر را که خون منقطع شود غسل نمایند و بعد
و خون خروس جوان که انوقت ذبح نموده گرم گرم گرفته باشند مکدمالبوه باهم آمیخته بر آن طلا نمایند و از
تحریک و مستی تا سه روز پرهیز دارند و هر روز طلای مذکوره ملوث کرده باشند در هفته جمله سستی قضیب و
کجی آن برطرف گردد و بر ازالهٔ بکارت قادر شود و از آنجمله که جهت اعوجاج الذکر خصوص که از جلق بهم رسیده
باشد بغایت مفید سریع التاثیر دارد **ص** نه عدد زلو برین وسط ذکر چسپانند و خون فاسد
بچکانند آنگاه فرار بخنقال و مغز ساق غنم بکیدر باهم مانند مرهم سازند و بر آن ضماد کرده بارگ تنبول بندند
هفته سه روز بعمل آرند از آنجمله که جهت خضخضه و استمنا بالید بمنزلهٔ تریاق فاروق چنانچه شخصی از علت مذ
بالکل بر زن قادر شدن نمیتوانست اگر صد حیله و دو شدادی تمام یکباره بر مرده حال و بسال مینمود بار دیگر
هرگز برداشت نشدی بدین تدبیر در اندک روز بر قصارت بکارت گردید فاحفظ فانه من اسرار المجربة حکیم اگر
علوق بخیده باشد یا نه ختنه گند ته حوالی بچسپانند تا خون فاسد بکند بوم صباح ند عروق آید و بعد بستن اجزاء بعم کمیرد

یا قدری عروق الصفر باریک نموده همراه شهد آمیخته بر آن ضماد سازند و بالائے آن برگ تنبول یا برگ ارنڈ جمع
نموده پارچه بالائیش داده خوب مستحکم به بندند و بآرام تمام روز نشسته باشند و هر روز همین ضماد
کرده باشند و غذا و وقت از خبیصه صنط و سحیقه ثمر مغیلان خام همراه شکر تری و روغن گاو بسیار مرغن
کرده خورده باشند یا حلوائی از زردی بیضه مرغ هر دو وقت خورند و اگر یکوقت خبیصه موصوف و دیگر
وقت حلوائے بیضه مذکوره بخورانند نهایت مفید آمده و بعضے استفاف از ثمر مغیلان نا پخته همراه
شکر تری مدام در اثنائے آن بعمل مے آرند انفع ست خصوص برائ آنکه همراه حلق جریان منی باشد
نهایت مناسبست از انجمله برائ استمنا بالید نهایت مفید جهت سستی اعصاب و کجی ان عجیب التاثیر
دارد ص بگیرند زلو نه عدد و سه بر بن حوالی آن بچسپانند و سه در میان آن که باریک و لاغر شده باشد
گرد اگرد چسپانند و سه حوالی حشفه گذاشته بدستور چسپانند خون فاسد بمکانند و قتیکه نیم سیر شوند
فرو فرود آورده سحیقه ادویه. هذا مرسلون دبیخ طرخون و بنجنک همراه عسل مصفا آمیخته بر آن بمالند و برگ
پان و یا بید انجیر و یا توز به بندند و تمام روز بآرام نشسته باشند بگذا روز بعمل آرند ضماد مذکوره را
بلا ارسال علق اما بعد عشره باز بدستور ارسال علوق بدستور موصوف بمع ضماد مذکوره بعمل آورده باشند
انشاء الله تعالے صحت کلی حاصل خواهد گردید اگرچه عنی باشد بفضله تعالے از انجمله جهت خضخضه و مجلوق
و اعوجاج الذکر خصوص شخصے که از یکبار وقاع بار دیگر کردن نتواند اگر بعمل آرد قادر وقت ازالت بکارت
گرداند و هر روز بر عشرت مباشرت نماید فاحفظه ص بگیرند علوق نه یا یازده عدد و بدستور
بر بن ذکر و حوالی آن حشفه گذاشته بچسپانند و قتیکه نیم سیر شوند فرو فرود آورده سحیقه ادویه ذیله همراه
روغن بالنگی و خون دیک در کمیز حمار جوان که وروی نیز آن باشد بگذا بالسویه دو جزو دود المطر
و مرسلون و بنجنک دبیخ طرخون هریک برابر یکجزو باریک ساخته همراه روغن و کمیز و خون مذکوره آمیخته
بر آن بمالند و به برگ بید انجیر یا توز به بندند و تمام روز بآرام در خانه نشسته باشند بگذا عشره بعمل آرند
لیکن بعده بلا علوق ضماد مذکوره کرده باشند و بعد از عشره بدستور ارسال علق بمع ضمادات موصوف
نموده عمل نمایند اغلب که حاجت بار سیوم نشود و الا سیوم بار اگر بعمل آرند نهایت تقویت اعضا فقضیب
گرداند و در انبرگ خیال قائم الانتشار گرداند از انجمله که جهت خضخضه و استمنا بالید عصیان و نسوان تمام را
مفید آید و اگر بصورت بعمل آرند بطریق فتائل و فرزج بکار برند چنانچه زنے مخصخضه که بالت چرمے که آنرا
جبر جنگ می نامند بسیار عادت یافته خراب شده بود و که هر گز میلی بطرف مرد نکردی بلکه مرد را بسیار اکراه
پنداشتی با این تحریر ذیل بوقاع امرد خوشوقت گردید و باز بالکل راغب جبر جنگ نشود.

فاحفظ ص بگیرند پانزده عدد علوق شش عدد ازان بیرون حوالی فرج چسپانند و پنج عدد
ازان اندرون فرج بچسپانند بنحویکه نصف علوق در اندرون و نصف بیرون باشند یا هر واحد علوق اندرونی
را با ریسمان دوخته ریسمان را بیرون دارند وقت برآوردن ریسمان را گرفته برآرند تا آنکه برآوردن آنها آسان
باشد و بعد از پر شدن برآرند و ادویه ذیله باریک نموده همراه درد بول حمار جوان و شراب دو آتشه
و روغن حرمل و روغن مالکنگنی ملکه یک جزو و عطر دارچینی و عطر قرنفل ملکه نصف جزو با سیحقه
ادویه هذا جوز بوا و بسباسه و دود المطر و زنجبیل بی ریشه و عاقر قرحا و جند بید ستر و جدوار ملکه
بالسویه باهم آمیخته بر آن ضماد نمایند یا همراه فتیله آلوده درون فرج بگذارند و سه چهار روز تا ایام در
خانه نشسته باشند و بلا ضماد و فرزجه مدام بلا علوق تا عشره بکار برند و بعد از ده روز باز بدستور ارسال
علوق بعمل آرند تا سه بار اگر عمل نمایند فواید زواید رو نماید از انجمله که جهت خصخصه مردان و نسوان
خصوصا برای اعوجاج الذکر ترکیبی عجیب و غریب است ص بگیرند علوق پنج یا شش عدد بر بن ذکر در وسط
کجی و درمیان عمق قضیب بچسپانند اگر زلو تا شد چند شرط باریک بر بن و درمیانش زده بالایش
سیحقه زرد چوب یا نخواه ملکه یکدام سرمه سا نموده سه حصه نمایند یکحصه بالای نیشهای زلو یا شرط قضیب
می پاشند و رفاده به بندند تا دور و زدنی زلو و بلا شرط بچسپانند و رفاده به بندند و در اثنای این
عمل تکمید هذا العمل آرند ص اسگند ناگوری و مغز خریجی و تخم تره تیزک ملکه دو دام مالکنگنی یکدام
رحیق دو آتشه چهار دام جمله را جدا جدا کوفته باهم شراب آمیخته چهار عدد صرهای تیار سازند
و یک سیر شیر گاو میش در دیگچه یا قدر گلی انداخته بالای او سرپوش داده بر آن سوراخها مانند
غربال چند عدد نمایند و حوالی سرپوش سوراخ را با آرد و مجمره یا گل بسته نمایند و زیرش آتش افروزند تا
شیر بجوش آید از سوراخهای از و برآورده بر آن هر چهار پوتلیهای بگذارد تا وقتی که گرم شوند
یک صره از آن گرفته حوالی ذکر و کش ران تکماد کنند تا دو ساعت تکمید کرده باشند بکذا هفت
کنند لیکن شراب و شیر هر دو روز تجدید کرده باشند چنانچه تصویرش در حرف الضاد در صره دوم
مذکور خواهد شد من بعده سیماب چهار ماشه و زرنیخ ورقیه و زرنیخ سرخ و کبریت آمله سار و سنگ دهن نفار
سفید و زرد ملکه یکماشه و روغن گاو چهار دام سوائے سیماب همه را اول سرمه سا نموده
باز بر روغن مذکوره مخلوط نموده بر پارچه مالیده فتیله کرده درمیان فتیلهای تار آهنی داده
و از نگون کرده آتش دهند و زیرش ظرف چینی یا کچ بگذارند تا روغن چکیده در ظرف در آید
و مذکوره را درمیان ظرف انداخته باشند تا روغن را که چکیده بود با دسته چوبی بسیار مالند

تا سیماب و روغن یکسان شوند پس قدر یک حبه ازان روغن بالای قضیب طلا نمایند و بران برگ بید انجیر
یا برگ پان بندند بلکه تا دو هفته بعمل آرند انشاء الله تعالی از جلوق و معوج القضیب صحت کلی یابد اگر دن خضخضه
را بعمل آرند همراه فتیله بقرار چهار دوازده روز بکار برند بنهایت مفید آید از انجمله جهت
خضخضه و جلوق و مفلوج الذکر و معوج القضیب از جمله عجیب و غریب است فاحفظن
بگیرند علق یکصد دو دو المطرده عدد و خون مرغ سیاه رنگ که باده جهت نشه باشد و کمتر حمار جوان
که عدد وی تا نشیش آن گرفته باشند زهره زرگاو و شراب دو آتشه و شهد خالص و روغن بهنگنی و روغن
حول و تخم اسد و تخم ورل مکه بالسویه اولا روغنها مع تخوم در کچچی یا کزغاق انداخته بر آتش نهند و دود آن
علق اندازند و فتیکه زلو نیک گداز شود فرود آرند پس عروسک الارض انداخته با چوب نیب بمالند چندانکه
مرهم شود آنگاه باقی مائیات مع سیماب کل آن انداخته خوب بمالند تا جملا یک مرهم شوند من بعده
یازده عدد علوق بر جوانب ذکر و وسط نزدیک حشفه یعنی حشفه را گذاشته بچسپانند و بعد نیم سیر
شدن عروا آرند و مرهم مذکوره تمام قضیب بر نشیهای آن بمالند و برگ ارنڈ یا لوز بسته بندند و بعد از چهار
ساعت بکشایند و باز مرهم مذکوره بران مالیده برگ ارنڈ بندند بلکه تا سه هفته بعمل آرند و در هر هفته تجدید
ارسال علوق ساخته باشند لیکن علوق بعد هر هفته کم کرده باشند چنانچه در هفته اول یازده علوق و
در هفته دوم هفت عدد و در هفته سیوم شش عدد بکار برند فاحفظ فانه من اسرار الخفیة و کنز الصدریة اما

تجربه دوم در علاج خضخضه و استمنا بالید باستعمال شیر عشر

وان از جمله معالجات قویه ذوالخاصیة و الکیفیه برای جمیع امراض بارده رطبه بلغمیه و ریاحیه عصبانیه خصوصا
جهت سستی اعصاب قضیب مجلوق و مفلوج و مجذور و مایوس العلاج را بمنزلة الحیات و از تریاقیات قوی
الی اصیرات قویه است اگرچه تراکیب استعمال آن در عطر مجموعه و مخزن الاکسیر مفصلا تحریر گردانیده ام اما
آنچه معمول و مخصوص بوده نسبتی بوده اند بیک فایده و هفت تراکیب اما فایده باید دانست
که وقت استعمال آن از اول ماه کاتک تا غایت ماه پوه عمده بهترین اوقات او است خاصه
از ماه کاتک تا غایت ششم پوه و در جیت و چیت آن القمر بود و از روزها روز یکشنبه یا سه شنبه احسن
و اولی است و در موسم برسات هرگز استعمال نکنند و درختی کلان بر زمین سخت و قوی بوده ان در
مکانی بیکستان و سپنابه باشد و زیر آن ما و سوراخ موش و غیره باشد و شیر این بدوشند
ازشاخهایش بگیرند و در اثنای این عمل اجتناب از آب و هوای بارد و بن خلوه از غسل و استنجا
و نوشیدن شربت قند و شیر گاو و شیرینی و ترشی و شراب مثلا واجب شناسند بلکه مسکن

باعتدال باشد و غذا نان گندم خشکانک بی نمک بقدری قلیل که سیر شده باشند و در حین استعمال آن استعمال
ادویه دیگر هرگز نکنند و بروز سیوم تجدید شیر بر آن عضو نموده باشند و خمیر گندم و روغن زردچوب نموده
بست تا چرک او دور شود و لینت عضو منتفخه حاصل گردد اما ترکیب اول که معمول و مخصوص
مجلوق القضیب و معوج و مفلوج الذکر است ص بگیرند شیر شتر که به دستور موصوف دوشیده گرفته باشند
بروز یکشنبه یا سه شنبه اول چند شرط باریک برتن ذکر و وسط آن که عمق و کجی داشته باشد زده بر آن شیر
بمالند و برجای نشسته دارند تا سه روز تا آنکه حمی شدید لاحق گردد و عضو ملوف متورم شود و بر قلق و اضطراب
او صابر باشند و بعد روز سیوم تجدید شیر سازند حتی که بثره و متقرحه شده زرد آب یا خوناب از آن روان گردد
چندانکه در منافذ عروق و اعصاب این مواد نازله بلغمیه لزجه محتبس شده باشند جمله از آن ترشح شده بر آید و بجای
آن خون صالح درآید و در اثنای اجرای این عمل او را بآرام نشانده باشند و گاهی گاهی بر آن استعمال روغن
بید انجیر یا گاو طلا کرده شوند تا موجب مسکن آلام و قلق آن نموده تقویت اعصاب کرده رفع یبوست
نماید در دو هفته بالکل صحت و شفا کلی خواهد شد فاحفظ ترکیب دوم آن که جهت سستی
اعصاب قضیب مجلوق و معوج الذکر مخصوص و شدید النفع و سریع الحمل است ص اولاً ذکر را بعد
از غسل با آب گرم و نمک با پارچه خشن مالیده سرخ گردانند و قدری روغن گاو مالیده بر آن یکماهه شیر شتر
بمالند بنحویکه بر سر حشفه و رگ زیرین را از شی بآن برسد پس پارچه بافته با روغن بید انجیر تر کرده بر آن به بندند هکذا
سه روز بعمل آرند اقسام عینه را رفع گرداند ترکیب سیوم آنکه جهت خضخضه و مجلوق مخصوص است
ص در میان کوزه گلی که خام بود شیر شتر رایده وشند و در سایه بخشکانند و قتیکه تمام خشک شود کوزه را
شکسته شیر مجففه را از کار در برآورده نگهدارند و عند الحاجت قدری از آن در مسکه حل کرده خشفه گذاشته
بر پشت ذکر بمالند و بالای آن آب برگ ارنڈ به بندند هکذا سه هفته بعمل آرند و از حرکت و جماع پرهیز دارند
و اگر در موسم سرما بعمل آرند بهایت مناسبت ترکیب چهارم آنکه جهت استمنا و خضخضه مخصوص و
مفلوج الذکر و معوج القضیب را مخصوص است فاحفظ فانه من الاسرار المعمولات و کرر المصدقات ص
در میان قضیب یعنی بالای وسط آن قدری شرط زنند یا بخرقه خشن یا اوبله یا فحم خار زند محمر سازند
مدور بمقدار ناخن خنصر و بر آن قطعه پنبه همان مقدار مقطع نموده پر از شیر شتر ساخته بر آن بنشینند
گذاشته بالائیش رفاده مستحکم به بند بنحویکه اثر شیر بجائی دیگر نرسد و بعد چهار پاس گشاده باز بهمان مقدار
پنبه مقطع با شیر شتر جدید تر کرده بگذارند و به بندند هکذا چهار روز بعمل آرند چندانکه از آنجا متقرحه شده
آب عمیق یا زرد آب یا خوناب آمدن شروع کند آمدن دهند و خود را در خانه بآرام نشانند و حرکت نکنند

بالائیش استعمال روغن رز و یا روغن بیدانجیر مالیده باشند چنانکه جمله مائیات که در عروق و منافذات آورده و مسامات اعصاب مانده باشد بتدریج برآید و بجای آن خون خالص در عروق درآید و رفع سستی اعصاب قضیب و کجی ذکر بخوبی گرداند **ترکیب پنجم** آنکه جهت جلق زده و سست شده را شدید التاثیر و سریع التاثیر است ص شیر عشر و شیر زقوم ملکه یکدام شهد دو دام عسل بلادر سه دام روغن گاو چهار دام چهار پاس صلایه نموده بدارند و عند الحاجت بر ذکر حشفه گذاشته بمالند و برگ ارنڈ یا برگ لعوزه بیندند تا یکهفته بعمل آرند **ترکیب ششم** آنکه جهت استمنا و مجلوق و مفلوج و معوج القضیب و منتشج الذکر را قوی النفع و شدید التاثیر دارد ص شیر عشر یکدام انگبین دو دام روغن بیدانجیر و شیر ملکه یکدام عسل بلادر نصف دام جدوار سه ماشه یکروز صلایه نموده در شیشه بدارند و عند الحاجت قدری ازان بر ذکر مالیده برآن برگ ارنڈ یا پان بربندند تا یکهفته بعمل آرند **ترکیب هفتم** آنکه جهت جلق زده و سست شده قوی النفع و سهل الوصول از ذخایر معمول ص شیر عین الادویه روغن گاو عسل مصفی ملکه بالسویه یکپاس صلایه نموده بدارند قدری بر قضیب مالیده برآن برگ ارنڈ بربندند و بعد چهار پاس تجدید نمایند بکذا هفته بعمل آرند فاحفظ **اما تجربه سیوم در علاج مجلوق و خضخضه و استمنا بالید** باستعمال ادویه مرکبه بحسب المعمول حروف تهجی حروف الالف اما آبزن احمر ست وران که قضیب را دران بگذارند یا بایند تطلیل ذکر با آب مطبوخه ادویه نمایند بتدریج ریخته بشویند تا احمر گردد و در بیجا بره و آبزن الکفاست اما آبزن اول که چون قضیب را یکپاس درین آبزن هر روز بگذارند تا دو هفته جهت رفع جلق و کجی و سستی قضیب را بکمال مفید و سطبری و مطولی بافراط رونماید ص شیره از نبات منقطع که بیخ برگ و بیخ و ثمره و شاخ سبز کشیده باشند یکنیم سیر بخته شیره پوست بیخ کنیر سفید و شیره بیخ اونٹ کتاره و شیره پوست بیخ عشر و شیر بخ بخشنه شراب قندی روغن بالنگشی در روغن جل ملکه یکنیم یا پخته شیر بیش یکسیر بخته جمله را در ظرفی که علیل دران بنشیند و قضیب و انثیین بشویند انداخته مجلوق و خضخضه دران نشانند تا یکپاس هکذا هفته عمل آرند بعد سیوم روز تجدید ادویه سازند و گاهی در کوزه مسی یا گلی لوله‌دار انداخته شیر گرم نموده اولا ذکر را بخرقه حسن مالیده گرم ساخته بر آن لوله آفتابه بتدریج ریخته باشند و زیرش ظرف گذاشته باز همان آب را شیر گرم نموده در همان آفتابه شیر گرم قضیب را آبزن بدستور المطول نمایند تا یکپاس کامل العمل آرند همین ادویه اگر تازه مدام انداخته باشند بهتر والا اگر شیر میش و شراب برآن مدام تجدید نمایند و دیگر ادویه همان باشند تا هم مضایقه ندارد **آبزن دوم** که جهت مجلوق و مفلوج الذکر و معوج القضیب بغایت مفید آید و برای سطبری

ومطولی بی‌نظیر ص شیرهٔ پوست بیخ کنیر سفید شیرهٔ پوست بیخ اوت کتاره شیرهٔ مقطع یعنی کنتائی بهمه بیخ
و ثمر و شاخ و برگ کوفته کشیده باشند و شیرهٔ پوست سهاجنه و روغن گنجد خام و روغن نرگس و روغن مورچه
که در روغن زنبق تیار کرده باشند تخم ورل تخم اسد یکدیگر پاو پخته شراب و آلته یک پا پخته اولاً قضیب را
با خرقهٔ خشن مالیده محمر سازند و جمله مائیات را در ظرفی که قضیب در آن بیخ انثیین تمام در آید انداخته بادست
قدری قدری ملایم مالیده باشند چندانکه تاثیر و اندرون عروق نفوذ نماید تا یکپاس بگذارند آنگاه برآرند
و بر آن برگ بید انجیر یا توزه به بندند تا سه هفته بعد سه پاس بتجدید عمل نموده باشند اطریهٔ بیضیه که جهت
تقویت باه و تولید منی و تغلیظ آن و رفع سستی قضیب و شدت و انتشار نماید ص زردی بیضهٔ مرغ هر قدر که
خواهند با قلیلی زعفران و گلاب سوده بیامیزند و برهم زنند و اگر قدری مشک و عنبر نیز اضافه نمایند
بهتر است شربت نبات با گلاب کرده در ظرف سرگشاده بر آتش ملایم مغلی نمایند و در حین غلیان آن زرد بیضه را
که منافذ گشاده باشند بریزند و بدست بگردانند تا تمام در گذرد آنگاه باقیمانده را باز بدستور عمل نمایند
اگر بر سر آن عند جوش کف پدید آید آب سرد اندازند فرو نشینند و شیرینی از شربت مذکور چندان اندازند
که خوب غلیظ گردد حرف الباء بنادق که آن جمع بندقه است مدور یا مثلث کلان که بدست
گرفته تا آب غیره مائیات سائیده بر قضیب ضماد نمایند در یکجا رسته بنادق کفی است اول ان بنادقی که هرگاه
آنرا با شراب یا آب سائیده بر ذکر ضماد نماید جهت رفع سستی و کجی ذکر که از جلق و استمنا بالید هم رسیده
باشد بنهایت مفید آید و برای شدت انتشار و تقویت باه و امساک فایده بلیغ دارد ص شیر اسپ
ماده وقتی که بچه زاید و هنوز لکیده نباشد دوشیده در آن سحیقه مرسلون و منخک و بیخ طرخون یکد
بالسویه آمیخته بنادق فها سازند و خشک کرده نگهدارند و عند الحاجت با شراب سائیده بر ذکر ضماد سازند
و بالایش برگ پان یا ارنڈ به بندند همچنین چند روز بعمل آرند بنادق دوم جهت شدت انتشار و
تقویت باه و امساک خصوصاً برای استمنا بالید و کجی ذکر را از فوق عجیب التاثیر دارد هم خوردن و ضماداً به
عمل آرند فاحفظ فانه من الاسرار المعمولات المخفیه ص شیر خری که بچه اول بار زائیده باشد و هنوز شیرش بچه
نخورده باشد دوشیده سحیقه بیخ طرخون کوهی هر قدر که در شیر مذکور آمیخته شود آمیزند و خوب سائیده بنادق فها
سازند و در سایه خشک کنند و عند الحاجت قدری از ان بلعاب دهن یا آب یا شراب سائیده حشفه گذاشته
ضماد نمایند و بالایش برگ ارنڈ به بندند تا هفته بعمل آرند اگر صحیح المزاج برای تماشا یک بار بعد سه ساعتی
مشغول بجماع شود در شدت انتشار و امساک تماشا عجائب دهم التذاذ طرفین گرداند اگر یک درم
از آن همراه شیر یا شراب بخورند تماشا شد بد مینماید بنادق سیوم که جهت خفقه و جلوق

ومفلوج الذکر ومعوج العقنیب را بلیغ النفع و برای سستی اعصاب و شدت انتشار و امساک
تماشا فوق از فوق رو نماید فاحفظ فانه من الاسرار المخفی حص شیر خر ماده بصفت موصوفه بنده
و شیر اسپ ماده نوزاد که هنوز شیر شن بچه نکیده باشد هر دو شیر را در صلایه بیع سحیقه بلیغ طرخون کوهی
و نیخک و مرسلون و دود المطر بکدبالسویه خوب سحق بلیغ نموده بنادق مقدار ساز ند و زیر سایه بخشکانند و
عند الحاجت با شراب یا آب سائیده بر ذکر ضماد سازند و بالائش برگ پان یا ارنډ به بندند بکذا هفته عمل آرند
و اگر یکدرم ازان بلکه بجماشه آن بحسب مزاج همراه شیر گاو وقت عصر بخورانند دقت تیقیب شدت امساک
و انتشار گرداند و در التذاذ عجائب تماشا رو نماید حرف التاء و آن بر چهار تریاق و نه تجمید و سه
تغریق اما تریاق اول آن تریاق استمنا دو ایست که جهت مجلوق و مفلوج الذکر و معوج العقنیب را
فوائد عجائب رو نماید بتر یا و ضماد و کمیت بستعمل حص شیر اتان نوزاده که اول بار بچه بر آید و هنوز شیر بر
بچه نه نکیده باشد و بکذا شیر اسپ یا دیان بصفت موصوفه و شیر کبیر الاشجار و شراب دو آتشه و آب
ادرک و آب پیاز سفید و عسل مصفی مکد نیم پاو بجنه عاقرقرحا دارچینی قرنفل زنجبیل خولنجان جوز بوا
بسباسه تخم حرمل مالکنگنی دود المطر بکد یکتوله جمله را خوب باریک سائیده باهم آمیزند و در صلایه
چندان بسایند که یکذات شوند و در ظرف چینی نگاهدارند و عند الحاجت قدری ازان با شراب
سائیده بر ذکر ضماد سازند بالائش برگ ارنډ یا برگ تنبول به بندند تا هفته بعمل آرند و نیز بقدر یک ماشه
تا یکدرم ازان همراه شیر گاو یا شراب وقت عصر بخورانند بغایت ممسک و مقوی قوی و شدت انتشار
رو نماید دوم آن تریاق مجلوق که جهت خضخضه و استمنا بالید شدید التاثیر دارد و برای کجی ذکر
و مفلوجی قضیب عجیب و شدت انتشار گرداند خاصه برای کسی که از یکبار جماع بار دیگر کردن متعسر الوصول بعجز
و بخایت معیند آید و بعد از فراغ جماع هر بار که بعمل آرند شدت انتشار گرداند مقوی باه و ممسک قوی است
حص شیر اتان بچه نوزاده و آب ادرک و شیره بیخ مقطع و شیره پوست بیخ کنیر و شراب دو آتشه و عسل مصفی
و روغن مالکنگنی و روغن تخم حرمل و روغن سنبل کبار و روغن بیخ نرگس بکد نیم پاو بجنه و دود المطر و خراطین
مجفف معنوله و قشر بیخ عشر و قشر بیخ رهوم و قشر بیخ دفلی و قشر بیخ اونټ کتاره کرمهای که بر سر آب
شناوری می کنند بکدو احد دو توله عاقرقرحا قرنفل الایچی زنجبیل خولنجان جوز بوا بسباسه کرنازج عفص سبز بکد
یکتوله جدوار بند بید ستر بکد شاشه مشک عنبر بکد ماشه جمله را جدا جدا بسایند و باهم آمیخته در صلایه کلان خوب
سحق بلیغ نموده حبوب بنادق سازند یا بحبان در ظرف چینی یا نقره نگهدارند عند الحاجت قدری
ازان با شراب یا آب سائند حشفه گذشته ضماد نمایند و بالائش برگ بید انجیر یا تورنه بیندند بکذا هفته

بعمل آرند و در اثنای عمل این بقدر یکماشه یا یکنیم ماشه همراه شیر گاو یا شراب دو آتشه صباح و عصر مدام
خورانیده باشند تماشای عجایب رو نماید فاحفظ فانه من الاسرار المخترعات و معمولات الراقم الآثم
عفی عنه سیوم آن تریاق تریاق خفضنه و مجلوق که جهت تقویت باه و رفع سستی و کجی
قضیب حکم اعجاز عیسوی دارد فاحفظ فانه من المخترعات و المعمولات الراقم الآثم عفی عنه ص ناخن
فیل و ناخن کچیل یکدو دو توله و دو اطریلیک توله لحم کشف لحم ورل یکدو نیم توله لحم اسد دو توله علق سه عدد
تا خضار انیکوب کرده لحوم مهارا قیمه ساخته در شیشه ناری بدستور معکوس و قنش بر آرند و آنگاه بیجک و
بیخ طرخون کوهی و مرسلون و جوز الطیب برابر یکدسته تا منشک دو حبه باریک ساخته در آن آمیخته در شیشه
نگهدارند و عند الحاجت قدرے ازان بر قضیب بمالند و بر آن برگ ازنده بیندند تا سه هفته بعمل آرند و صورت



تصویر شیشه اینست چهارم آن تریاق عنبر که جهت
تقویت باه و امساک و انتشار و اشتها از معمولات و مخترعات
سید عبد الفتاح حکیم ست و کرات مرات بتجربه راقم آثم
در آمده خصوصاً برای شخص مجلوق که از یکبار یا دوم بزن
قادر نتوانند شد اگر استعمال نماید قادر گرداند فاحفظ ص قسط اصل عنبر چهار توله شقاقل گل داودی
یکدو دو توله بهمن سفید زنجبیل اریفش مطول زنجفیل تخم لیمون خلوق مرسلون زرنباد مقل هریک یکتوله
شربت مفرح القلوب زیره دو چندان عسل مصفی مساوی بقوام آورده بدستور معمول معجون سازند شربتش
از یکنیم ماشه تا دو و نیم ماشه جهت رفع سموم نیز بسیار مفیدست اما تکمید اگرچه مراد تکمید نزد اطباء بر کماد خشک ست
بخلاف ترنج اما درینجا اعم ست ازانکه ادویه ما هینه در صره بسته گرم کرده می کنند یا حلوا ادویه در غنه یا از قیمه
لحوم و تخوم یا ادویه سوخته بدستور معمول بعمل آرند و درینجا برنه تکمید تکمید شود آید تکمید اول آنکه
مجلوق و مفلوج الذکر و اعوجاج قضیب را فوائد عجائب رو نماید ص خردل تخم حرمل مالکنگنی کنجد سیاه
یکدست و نیم ماشه کوفته از جمله سه سه پوتلی نمایند و نیم پا پخته روغن کنجد در کرهی انداخته گرم کرده دونا
پوتلیها بگذارند و بر آتش گرم کنند و قتیکه گرم شوند بر قضیب بر بن ران و زهار و عانه تکمید ساخته باشند
تا سه هفته بعمل آرند تکمید دوم آنکه جهت جلق زده و سست شده بغایت مفید آید ص جوز
زنداق قرنفل چهار ماشه مالکنگنی شش ماشه کنجد سیاه و تخم عشق پیچ پنج ماشه شیر برش بقدر حاجت جمله ادویه را کوفته
در صرها بسته بدارند و شیر بلبس را در ظرف گرم نمایند و صرها را در آن بگذارند و قتیکه گرم شوند بر قضیب
و عانه و زهار تکمید سازند یکماه دو هفته بقاعت سه هفته بعمل آرند تکمید سوم آنکه جهت سستی قضیب مجلوق

و کجی را تمام مفید باید ص آب پیاز آب ادرک آب لتانی مکدیلید ام شیر تیش ہم پاؤ جملہ ادویہ را او شیر تبش
انداختہ در کڑھی گرم نمایند انگاہ دو دام برادہ عاج آب تا دیدہ انداختہ در پارچہ لوٹلی بستہ در کڑھی
گرم نہادہ دارند و بر قضیب و عانہ و بن ران تکمید کردہ باشند ہمین طور تا سہ ہفتہ بعمل آرند و بالائش بینہ
گرم کردہ بہ بندند یا برگ بید انجیر بہ بندند تکمید چہارم کہ جہت جلق زدہ دست شد را نہایت مفید و دو
یکہفتہ رو بشفا آرد ص برادہ عاج دو تولہ مالکنگنی یکتولہ زرد چوب یکتولہ گنجد سیاہ دو تولہ عاقر قرحا
ہفت ماشہ جر بیجا بستہ شیرہ مقطع یکپاؤ پختہ ہمہ ادویہ را باریک نمودہ بہ شیرہ در کڑھان انداختہ بر آتش
بگذارند چندانکہ مانند حلوا گردد و در دو پارچہ کردہ صرہ سازند و باہستگی تمام بر قضیب و بن ران و عانہ تکمید
سازند تا شش گھڑی انگاہ لنگوٹہ بہ بندند و از استعمال آب مطلق پرہیز کنند تا پنجروز و ہر روز با آب
صابون در شب بشویند من بعدہ استعمال این روغن نمایند ص شیرہ برگ جنبیلی چار تولہ زرنیخ
دو ماشہ سنبل دو ماشہ شیر جر یک تولہ مغز وند یکعدد ہمہ را باریک نمودہ سایندہ بہ روغن در کڑھی انداختہ بر
آتش نرم نہادہ آتش بخشکانند و در شیشہ نگہدارند و عند الحاجۃ استعمال آرند تکمید پنجم کہ جہت
جلق و کجی قضیب تمام مفید ص مالکنگنی عاقر قرحا گھنگچی سفید بیش بد منہ دار چینی یکدا بالسویۃ کوفتہ
سہ پوٹلی سازند و در ظرف آہنی روغن کنجد انداختہ بر آتش نرم بجمیع سہ صرہ مذکورہ گرم نمایند و بر
قضیب عانہ و بن ران تکمید نمایند تا شش گھڑی در روز و شب سہ چہار بار بعمل آرند تا ہفتہ بکار برند
تکمید ششم کہ جہت مجلوق و مفلوج القضیب بسیار مفید آید ص بگیرند قطعہ گوشت بزغالہ کہ
سستہ باشد یک کالبد سازند و بر آن یکتولہ بحیقہ خراطین مجفف و یکتولہ دودلمطر سایندہ در زور سازند
و بر آتش گرم نرم بگذارند چندانکہ آب چکیدن گیرد از آتش فرود آرند و نیمگرم بر قضیب بہ پیچند و بالائش پارچہ
بہ پیچند و درون خانہ تمام روز نشستہ باشند ہکذا ہفتہ بعمل آرند تکمید ہفتم کہ جہت استرخا ولید
و معوج القضیب و مفلوج الذکر را ترکیبی عجیب الفعل ست ص بگیرند گوشت دل بطخ یکتولہ گوشت کنجشک
سہ تولہ خراطین تازہ مغسولہ دو دلمطر یکدو دو تولہ عاقر قرحا دارچینی زنجبیل قسط قرنفل جوزبوا حرمل مالکنگنی
گنجد سیاہ برادہ دندان فیل یکد یکتولہ جدا جدا کوفتہ لحومات را قیمہ کردہ باہم با خوب بکوبند و در کڑھی
انداختہ با سہ تولہ شراب انڈی یا قندی تند دو اکتفہ و پنج تولہ شیر بلیش بر آتش نرم چندان بگذارند
کہ مانند حلوا غلیظ القوام گردد پس در صرہ ما بستہ اول بر عانہ و قضیب و بن ران چہار پنج گھڑی تکمید
نمایند من بعدہ بر قضیب پارچہ مدور کردہ بہ بندند و تمام شب بستہ دارند و صباح بکشایند ہفتہ
یا عشرہ بعمل آرند تکمید ہشتم کہ جہت مجلوق و مفلوج الذکر و معوج القضیب عجیب التاثیر

حص گوشت سلحفاة گوشت ورل خراطین یکدسه توله عرو سک الدین دو توله عاقرقرحا بہمنک
دارچینی بالنگو گنجد سیاه برادہ عاج یکد یکتوله لحومات را قیمه نموده باقی ادویه کوفته باهم نموده بر چوب
موافق سطبری ذکر مانند کباب پیچیده بر آتش نرم گرم نمایند چنانکه پخته گردد و آب چکیدن گیرد بعده آهسته
تمام از چوب برآرند و نیم گرم بر قضیب یعنی مانند حوالی در و لش کشند و باپارچه مستحکم سازند و بعد
چهار پاس تجدید نمایند هکذا هفته عشره بعمل آرند تکمید فهم آنکه جهت مجلوق و مخنخصه قوی التاثیر دارد
و اعوجاج قضیب را مقوی و مستحکم گرداند فاحفظ حص گوشت سلحفاة گوشت ورل خراطین تازه زلوکه سنت بر
ذکر خر چسپانیده صباح گرفته باشند یکدسه توله دو دو مطر دو توله کرهاٹک که در آب بالایش شناور می گنند
یکتوله عاقرقرحا دارچینی قرنفل بلادر گنجد سیاه برادهٔ عاج یکد ششماشه شیر بیش شراب قندی یکد پنجتوله
بدستور لحوم را قیمه کرده و جمله ادویه را کوفته باهم در کرچھی انداخته بر آتش نرم مانند حلوا نمایند اوّلاً
تکمید سازند من بعده باپارچه حوالی قضیب بندند و بعد چهار پاس بکشایند هکذا هفته یا عشره بعمل آرند
اما تغریق که عبارت از غرق کردن قضیب ست دران بر سه تغریق مرقوم میشود تغریق اوّل از آن
آنکه جهت سستی و کجی ذکر ترکیبی عجیب و غریب بلکه بمنزلهٔ تریاق و انجیات حص بگیرند یک قطعه قبضه
بانس بمقداری که دران نیم سیر روغن گنجد بگنجد دران شیره نبات مقطع سبز که مع برگ و شاخ
و ثمر و بیخ کوفته کشیده و شیره خام مصفی یکدیکپاؤ پخته هر دو را باهم نموده درمیان نی بانس مذکوره
اندازند تا آنکه پر شود و قضیب مجلوق و مفلوج شده را دران تغریق سازند و تا چهار پاس قطعه بانس
بدست گرفته راست داشته باشند تا روغن و شیره از آن ریخته نشود اگر بول آید در همان نی بکنند
هکذا هفته به عمل آرند جهت اعاده شباب قضیب و سطبری و مطولی آن از اعجاز عیسویست اگر بعد هر هفته
تجدید این عمل نمایند و سه هفته بعمل آرند بهتر لیکن در اثنای این عمل پرهیز از جماع از جمله ضروریات
انگارند تغریق دوم که جهت جلق زده و سست شده شدید النفع و قوی التاثیر دارد حص
قطعه نی بانس بدستور موصوفه باشد درمیان آن شیره پوست بیخ کنیر سفید و شیره نبات مقطع مع
ثمر و بیخ و برگ شاخ گرفته کشیده باشند و شیره اصل العنبر و شراب قندی تند و روغن گنجد خام
یکد پنجتوله شیر بیش چار توله باهم نموده شیر گرم ساخته درمیان قطعه بانس انداخته و قضیب
دران تغریق سازند و چهار پاس بگذارند و کذا عشره بعمل آرند تغریق سیوم آنکه جهت غلوج لذمه
و مجلوق و معوج القضیب بمنزلهٔ انجیات و خرق عادات ست فاحفظ حص شراب قندی و شیر بیش
و شیره خام و شیره نبات مقطع سبز و شیره پوست بیخ کنیر سفید و شیره پوست بیخ اذنت گیاره

یکدیگچه توله دود المطر و خراطین تازه یکدسه توله علوق که بر ذکر خر چسپانیده باشند ست عدد ابوالاحرمه حیوان را در صلایه خوب سائیده در جمله مائیات مذکوره محلول سازند و در میان قطعه بالبنی که تمام ادویه در آن پرشود انداخته قضیب را در آن تغریق نمایند و تمام روز با دست گرفته راست داشته دارند همچنان یکهفته مدام جدید ساخته بعمل آرند حرف الجیم و آن بر یک نسخه جوارش سقنقور مذا ملتفی ست که جهت تقویت باه و شدت انتشار و نعوظ بی اعیاد خاصه برای کسی که از مجلوقی بر زن قادر نشود و اگر بحیله شود جز یکبار وقاع بار دیگر نتواند کرد باستعمال آن بفضله تعالی قادر گردد ص سره سقنقور قسط شیرین علک رومی یکدو مثقال شقاقل جند قوقا تخم زردک تخم شلغم کرسنه تخم پیاز خصیة الثعلب یکدو مثقال و نیم کنجد فلفل سیاه و سفید دار فلفل زنجبیل زعفران یکدیک مثقال مغز چلغوزه مغز پسته مغز بادام شیر خواره از هر یک پنج مثقال مغز فندق ذکر گاو خشک کرده براده ساخته یکدو مثقال افیون مشوی بنجمثقال مغزیات را جدا جدا کوفته ادویه دیگر علیحده کوفته بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی بقوام آرند و معجون سازند و چهل روز در میان کندوی شعیر بگذارند بعد مدام دو درم از آن همراه شیر میش یا گاو بخورند حرف الحاء المهمله و آن بر سیزده حبوبست حب اول مسهل جهت کسی که از ضعف باه و سستی قضیب مجلوق که بسبب زیادتی بلغم کرخته شده باشد بکار آید ص ایارج فیقرا تربد سفید یکدیکدام حب النیل انیسون یکدیکدرم شحم حنظل غاریقون ثعلب مصری یکدیکدانگ سقمونیای مشوی کتیرا یکدیکدانگ کوفته بیخته بگلاب شسته حبوب سازند و بعمل آرند حب دوم معمول جالینوس ست برای کسی که از مجلوقی مستی اعصاب شده برازاله بکارت قادر نگردد ص مغز پسته نخنجشک که در وقت هیجان گرفته باشند شقاقل تازه تخم پیاز سفید کسن جزر یا تخم گندنا ثعلب یکدیک صنیدا یکدیک ابریشم قند سه اضافه نموده بعد سحق همراه شهد یا آب جرجیر حبوب بمقدار کنیم یا سه بسته بدارند حب سه از آن همراه سه چهار پیاله شراب انگوری یا آب معصوره انگور شیرین یا آب نخود سیاه بخورند حب سوم جهت تقویت باه و امساک شدید التاثیر دارد و برای مجلوق ضعیف القضیب را قادر بر جماع نماید ص خیل افرنجی کوکنار دارچینی سبستان یکدیکیاشه شقاقل یک حبه خار از سه قرنفل یا کارد تراشیده کوفته در میان خربا کلان خسته بر آورده انداخته با آرد شعیر یا ماش ملفوف کرده در اوپله صحرائی افروخته پخته بر آرند که رنگ سرخ بر آید بر آورده کوفته از جمله ششش حبوب سازند یک حبه از آن وقت عصر او را شیر گاو بخورند حب چهارم جهت تقویت باه و امساک و انعاظ قضیب مجلوق بلیغ التاثیر دارد سب حب غرض خواست ص جوز الطیب کتیرا شقاقل تنکار یکد چهار ماشه زعفران دو ماشه کوفته بیخته حبوب بمقدار دانه ماش بسته بدارند یک حبه از آن قبل از طعام با شیر گاو خورند

وعند تشنگی شیر گاؤ بنوشند و طعام بخورند حب پنجم جهت شدت امساک و باه خاصه برای محلوق
ضعیف القضیب را انتشار رو نماید ص مغز ساق ذلوب الارض و جزو یا یکجزو زنجبیل همراه شیره برگ
تا سه روز صلایه نموده حبوب بمقدار دانه ماش بسته بدارند و در اثنای هیچ از نسایه زنان جنب و مسا
مجامعه پرهیز کلی دارند یک حبه ازان همراه شراب یا شیر باده گاؤ وقت عصر مدام بخورانند و اگر قدری شکر تری و
زعفران اضافه کرده با اوراق طلا مطلا کرده بعمل آرند لایق سلاطین ست حب ششم که جهت تقویت
قضیب مجلوق و معوج الذکر بسیار مفید بوده مطولی و سطبری العجیب الاثر اگر کسی شش ماه این حب را
باستعمال آرد درازی ذکر از سابق دو چندان نماید ص بیخ سها بخنه صحرائی که نرم و خورد باشد پاره پاره
کرده در سایه بخشکانند و بسایند و سبوس نانخواه و ماش سیاه یکدبرابر بامیخ مذکور بکوبند و برابر همه
قند سیاه آمیخته بمقدار لیمون خورد حبوب سازند و در هر صباح یک حبه ازان تناول نمایند تا
شش ماه باستعمال آرند حب هفتم هرگاه آنرا بآب سایند و حشفه گذاشته بر قضیب طلا نمایند رفع
عنینت و جلقی نموده و تقویت باه و سطبری و مطولی آن نماید و ممسک شدید ست ص بیخ کنیر سفید
در سایه خشک کرده بسایند بحریره بیزند پس کوکنار غیر مشکوک را در آب تر کرده بدست مالیده با بیخ
سحیقه مذکوره را خمیر نموده حبوب بمقدار کنار خورد سازند یک حبه ازان با شراب یا بآب سایند بر ذکر طلا نمایند
حب هشتم مسمی بحب جدوار ست و نیز باسم شیر مار مشهور ست جهت شدت انتشار و تقویت باه و
امساک خصوصا مجلوق القضیب و معوج الذکر را که بر زنان قادر بدشواری شود باستعمال آن قادر
گرداند بفضله تعالی فاحفظ فانه من الاسرار المجربات الخفیة ص غنچه و شقاقل یکدبالسویه چوب
مالیده و در میان مغز خربزه یا تل تازه سبز که سرش بریده قدری تخم باقی داشته انداخته خمیر آرد
نخود بسطبری چهار انگشت ملفوف کرده و در روغن گاؤ مشوی نمایند چندانکه تمام سرخ رنگ گردد
آنگاه بر آورده از پوست جدا کرده کباب چینی و دارچینی و زنجبیل و عاقرقرحا و دانه هیل و
جدوار خطائی و زعفران و بوزیدان لتغلب یکدجزو برابر وزن هر دو ادویه مذکوره مشک
قدری کوفته بیخته بآب صمغ عربی حبوب بمقدار نخود سازند یک حب ازان تا دو حبه
همراه شراب دوآتشه و یا شیر گاؤ و صباح و عصر بخورانند حب نهم حب جدوار از
ذخائر معمولات حضرت جد امجدم شیخ احمد حکیم مغفور مرحوم ست جهت تقویت باه و انتشار و
امساک شدید التأثیر دارد فاحفظ فانه من الاسرار الخفیة و کنز الصدریة ص شقاقل هفت ماشه
قرنفل سی عدد جدوار هر دو را کوفته باهم نموده در میان بیخ کچل تازه که بقدر یک نیم گز بود کاواک کرده داخل نمایند

و دیگر سر چوب مذکوره در آتش گذارند چندانکه چوب بمقدار چهار پنج انگشت باقیماند و دیگر تمام سوخته
شود بیرون آرند و از آتش سرد سازند و ادویه ازان بر آرند پس جوزبویه و بسباسه جدوار و عاقرقرحا
یکدرم هفت ماشه باریک سائیده بیکدام قند سیاه کوفته حبوب بمقدار نخود سازند یکحبه ازان وقت عشا
همراه شراب یا شیر گاؤ بخورانند حب دوازدهم عنبر که جهت شدت انتشار مجلوق بغایت مفید آید و خوشبوئے
دهان کند و در بعضی طبائع چندان انتشار آرد که حاجت به تسکین شستن بآب سرد و غیره آید ص
عنبر اشهب ثعلب خولنجان یکدرم و مثقال مشک مصطگی قرنفل یکدرم یکمثقال شیره ماهیه شتر اعرابی سه مثقال
کوفته بیخته حبوب بمقدار فندق سازند و مدام یکحبه ازان همراه شراب یا شیر گاؤ یا شیره تره تیزک یا آب
نخود خام بخورانند و این حب را بقدر نیم مثقال بخورند و مرطوب المزاج زیاده ازین نیز بخورند و حب
یازدهم حب ریگ ماهی جهت استحکام قضیب مجلوق لانظیر است خصوصاً مرطوب المزاج را بسیار مفید آید
ص ریگ ماهی خولنجان زعفران کبابه دارچینی عاقرقرحا یکدرم بالسویه کوفته بیخته همراه شهد حبوب بمقدار
کنار کلان یا آمله سازند یکحبه ازان مدام همراه رحیق یا شیر گاؤ بخورانند حب سیزدهم ریگ ماهی
که مسمی بکیمیا عنبر است جهت تقویت باه و امساک و تصلب قضیب مجلوق شریف الاثر وارد
ص ریگ ماهی شنگرف مازو قرنفل یکدرم چهار درم دارشیشعان دارچینی ورق نقره یکدرم هفت درم
گهنگچی ورق طلا یکدرم سه درم زعفران مشک افیون یکدرم یکدرم کوفته بیخته حبوب بمقدار نخود سازند
یکحبه ازان همراه شیر گاؤ یا شراب قبل از دو ساعت جماع بخورانند حب چهاردهم حب زردی بیضه که
جهت تقویت و شدت انتشار نموده بر قصارت بکارت قادر گرداند از مجربات کاملاست
ص زردی بیضه مرغ چهل عدد سحیقه غله کنگنی یکسیر با زردی مذکوره مالیده با ادویه ذیل آمیزند
ص قرنفل جوزبویه دارچینی ازنفش اسود و ابیض و مطول و فلفلمویه موصلین جلال مصطگی یکدرم یکمثقال
بعد سحق بلیغ همراه شهد حبوب بمقدار کنار دشتی به بندند یکحبه ازان با شیر گاؤ یا شراب صباح و عصر
بدهند اگر چهل روز بعمل آرد بر صد بکر اگر تواند شاید اما حرارت محرر برد و حریره حریره اول
که جهت تقویت باه و دماغ که از کثرت جماع و افراط جریان منی مجلوق و نغوظ و انتشار قضیب را
بسیار مفید ص مغز بادام یازده عدد مغز پسته مغز چلغوزه مغز نارجیل یکدرم یکتوله خولنجان دانه هیل
دارچینی زنجبیل یکدرم یکماشه از جمله شیره کشیده همراه شهد و زردی بیضه مرغ دریکجا و شیر میش یا گاؤ و
یک توله نشاسته محلول با سه دام روغن گاؤ در پاتیله انداخته بدستور حریره بر آتش نرم بقوام حریره
آرند و پانچ دام نبات کوزه شیرین کرده شیر گرم جمله بنوشند حریره دوم که جهت تقویت باه

و دماغ و تولید منی و تغلیظ آن و شدت انتشار قضیب مجلوق بسیار مفید آید ص مغز بادام مغز پسته
مغز نارجیل مغز چلغوزه خشخاش سفید نشاسته یک یک توله دارچینی خولنجان عاقرقرحا دانه هیل یک دو ماشه
بیضه گنجشک خانگی ده عدد بیضه مرغ چهار عدد بیضه طاوس دو عدد شیر میش شیر گاو یک یک پاو پخته
روغن زرد شکر تری یا نبات کوزه یک یک نیم پاو پخته ادویه کوفته بیخته اولا جمله ادویه را انداخته باهم خوب
آمیزند تا یکذات شوند آنگاه بر آتش نرم نهاده بقوام حریره نرم آرند و شیر گرم وقت عصر بنوشند و دیگر
غذا وقت شب بخورند اگر تشنگی شود شیر گاو یا شیر میش بنوشند اما حلویات مرتسم بر هفت
حلویت حلوای اول بلادری که جهت رفع امراض بارده رطبه بلغمیه و ریاحیه چون فالج و لقوه
و رعشه و تشنج و استرخای اعصاب خصوصا برای مجلوق بسیار مفید آید ص بلادر بلا کلاه در
بنج سیر شیر گاو و یک سیر روغن زرد و شهد و قند سیاه یک یک سیر و ربع بدستور حلوا تیار نموده فرود
آرند و بعد سرد شدن ادویه هذا مسحوق نموده آمیزند ص زنجبیل فلفل دراز بسباسه یک یک توله
خوراک دو توله مدام صباح و شام بخورند حلوای دوم بلادر که جهت تقویت و امساک و
رفع سستی مجلوق و شدت انتشار بسیار مفید ص بلادر بلا کلاه یک سیر شیر گاو چهار سیر هر دو را در
کرغان انداخته بر آتش نرم چندان بجوشانند که تمام عسل بلادر در شیر فرود آورده با دست خوب بالیده باید
باریک صاف کرده باز در کرغان انداخته سه سیر روغن زرد و یک سیر قند سیاه و بیست عدد زردی بیضه مرغ
انداخته بر آتش نرم بگذارند و با کفچه گردانیده مالیده باشند وقتیکه قوام حلوا شود فرود آرند و بعد سرد
شدن بحیقه دارچینی و خولنجان و زنجبیل و قرنفل و بسباسه و جوزبویه یک یک توله انداخته باز بچوب
خوب مالیده ولت کرده باشند و بدارند و عند الحاجت بقدر یک نیم دام مدام صباح و شام همراه شراب
ماء اللحم یا شیر گاو بخورند حلوای سیوم بلادر که جهت تقویت باه و انتشار از معمولات و مخترعات
صاحب خلاصة التجارب ست ص روغن بلادر یک جزو شیره دو جزو آرد میده آنمقدار که دستور حلوا ست
در آن بپزند و عسل مصفی بقدر کفاف آنگاه زنجبیل و دارفلفل و مرسلون و شار و جوزبویه و مشک یک یک جزو
بعد سحق آمیزند و برهم کنند و مدام ده مثقال این بخورند حلوای چهارم جوز ماثل که جهت تقویت
باه و امساک و رفع سستی اعصاب قضیب مجلوق از مجربات ست ص تخم جوز ماثل سفید نیم سیر جو کوب نموده
در پنج سیر شیر گاو که قدری آب نیز انداخته بر آتش ملایم بجوشانند تا آب برود پس فرود آورده بمالند بپارچه صاف
کرده جاش داده مسکه بر آرند و یکپاو پخته زرده بیضه مرغ خام و نیم سیر عسل مصفی و یک پاو پخته آرد میده
نخود بریان در یکپاو روغن زرد مشوی نمایند بدستور حلوا بپزند و از آتش فرود آرند و بعد سرد شدن

سحیقه دارچینی و جوزبویه و بسباسه و بادیان ملک شش ماشه زعفران یکدرم باآن آمیزند ونگاه دارند
شربتش از نیم مثقال تا یکتوله همراه شیر گاو بخورند حلوای پنجم بیضه جهت تقویت باه و تولید منی و
تغلیظ آن و لغوظ مجلوق تاثیر عجیب دارد ص زردی بیضه مرغ صد عدد و نشاسته و مغز بادام و گندم پنج آثار
خام هر دو را باهم مالیده در نیم سیر روغن گاو مشوی سازند چندانکه سرخ شود با یکسیر نبات بقوام حلوا
آرند و فرود آرند و بعد سرد شدن سحیقه جوزبویه و موچرس و کبابه و قرنفل و زنجبیل و تخم کونج و بسباسه
و تخم گزر و تخم اوتنگن ملک شش ماشه آمیخته خوب حل کرده لت سازند و نگاه دارند و یک توله مدام وقت
عشا همراه شیر گاو بخورانند و بخسپند و بالایش چیزی نخورند تا هفته بعمل آرند حلوای ششم
بیضه معموله اهل فرنگ که جهت تقویت باه بحدیکه اگر چهل روز باستعمال آرند صد عورت را خوش نمود سازد
و منور عین و مطیب دهن و بدن است ص زردی بیضه مرغ صد عدد و آرد برنج و نبات و روغن گاو ملک پنج
سیر موچرس کبابه دارچینی قرنفل جوزبویه بسباسه تخم کونج و تخم گزر و تخم پیاز ثعلب شقاقل براده قضیب گاو
ملک یکدرم کوفته بیخته اولا زردی بیضه و آرد برنج را با کف دست خوب مالیده پس روغن را داغ کنند و آن
آرد و زردی یکجا شده را انداخته بریان کنند و نبات سوده اندازند و بر آتش نرم بقوام حلوا آرد و بعد
سرد شدن سحیقه ادویه مذکوره داخل کرده نگهدارند و بقدر یکنیم توله از آن همراه شیر گاو یا شراب مدام بخورانند
و از ترشی و شیرینی و نمک بسیار پرهیز دارند حلوای هفتم حمص که جهت تقویت باه و امساک و
سستی ذکر و شدت انتشار عدیم المثال از مجربات و مخترعات راقم الاثم عفی الله ص حمص مقشر پنج توله
بعد سحیق در سه توله روغن حب القطن مشوی نمایند و بنجتوله نبات و نیم پاو قیماع انداخته بالفرج دو عدد
کوکنار بقوام حلوا آرند وقت عصر یا شام تناول نمایند و دیگر طعام در آن شب نخورند و عند تشنگی شیر
نوشند تماشای عجیب نماید حرف الخاء المعجمه متضمن یک خبیصه و دو خرلطه و یک خمیره اما خبیصه
اول که هر گاه زنان ثیبه بعمل آرند مثل الکار نماید و لیپا تنگ هموار و سخت گرداند و بر اجریان مجلوق باد و
نهایت مفید و ممسک قویست ص عشا لیج درخت گز در سایه خشک نموده بعد سحیق بلیغ در یکپاو آن
یکپاو آرد میده گندم و روغن گاو و شکر تری بدستور چپکار مالیده صباح و مسا مدام تا چهار روز
بخورانند حقیق فرج چندانکه آورد که تاب مرد نتوان آورد و اگر بجنید در زردی بیضه نیمبرشت نیز در آن
انداخته بجلوق استعمال کنانند رفع سستی نموده لغوظ تمام آرد و قوت باه و امساک بدرجه غایت گرداند
خرلطه اول که چون بقضیب و انثیین بر اوران بگذارند تا یک روز کامل جهت رفع سستی قضیب مجلوق
نیز خاصه برای کسی که خصیتین او صغیر باشند تمام مفید و سریع التاثیر نماید و منعظ

تا تمام ص سحیقه عاقرقرحا را با سحیقه ازو باقلا که رو انهان گویند بسرشته و با شراب خمیر نموده در میان
خریطه آلوده در آن قضیب و انثیین بگذارند و بعد چهار پاس بر آورده با آب گرم بشویند و باز بتجدید عمل نمایند همچنین تا
هفته بعمل آرند خریطه دوم که جهت جلق زده و سست شده و کج گردیده تمام مفید و برای رفع سردی
انثیین و ذکر کمال مؤثر ص عاقرقرحا و هیچ ازو باقلا هر یک توله دو و عطر جوز بوا و جینی قرنفل هر یک ماشه
با شراب تند صلایه کرده با خرقه آلوده همچون خریطه دوخته در میانش ذکر و انثیین را بگذارند و بعد چهار روز
با آب گرم شسته بتجدید نمایند همچنین هفت روز بعمل آرند خمیره بادام سفید که نهایت مقوی دماغ و باه خاصه
برای کسی که از مجلوق جریان بافراط شدت ضعف الدماغ و البدن دیده شده باشند فوائد عجائب بخشد و
و انعوظ شدید گرداند ص مغز بادام مقشر یکپاو پخته مغز پسته چلغوزه خشخاش هر یک نیم پاو با مطبوخ یا
نقوع هذا بشیره بر آرند ص براده صندل سفید گاؤزبان ابریشم خام هر یک دو دام بادنجویه موصلی سپید هر
یک یک دام شب در یکپاؤ شراب و یکپاؤ گلاب و قدرے آب انداخته خیسانیده صباح بجوشانند همچنان نقوع
شیره مغزیات مذکوره بر آرند بعده یکپاو پخته نبات بقوام آرند لیکن اندکی قوام نرم داشته فرود آرند و قدری که
سرد شود ادویه ذیل کوفته بیخته آمیخته بدارند خوراک یک نیم توله همراه شراب یا شیر گاؤ صباح و عصر بخورند
ص تالمکهانه سلیخه کرکس گل دهاوه ثعلب موچرس سنبل قیقهر یعنی رال هر یک شش ماشه مصطگی دار چینی
عاقرقرحا قرنفل خولنجان هر یک ماشه ورق نقره ده عدد ورق طلا پنج عدد بدستور معروف خمیره سازند

حرف الدال المهمله بر دو دلوک و نوزده دوا مشتمل است اما دلوک اول که جهت سستی اعضا قضیب و
کجی مجلوق نهایت مفید آید از مجربات ص علق نه عدد شیر نیم پاؤ تخم کونچ پنبک آبابیل هر یک یک دام مصطگی
گهنگچی سرخ هر یک شش دام روغن در کرغان انداخته بر آتش بگذارند و یک یک ادویه اندازند و از دور جوش را
محفوظ دارند وقتی که علقها پخته و سیاه شوند ادویه دیگر کوفته بیخته آمیزند و عقب آن پنبک ابابیل
اندازند و خوب لت کنند و بدارند و هفته متواتر دلوک سازند دلوک دوم که آنرا شاه لیپ هم گویند جهت
سستی ذکر و کجی مجلوق را بمنزله اکسیر است و خرق عادات بقدرت الهی مشاهده نماید ص از نفیس
شصت عدد و در معده کلان حلا ... و پخته بخشکانند بعده نیم سیر شیر در کرغان انداخته بر آتش نرم مغلی نمایند
و در همین غلیان پنج دام پخته امعاء الارض در آن انداخته چندانکه کرم مذکور سوخته شوند و بعد ... مقشر
انداخته با هم لت ساخته یکجا سازند و در شیشه نگهدارند و بقدر یک ماشه از آن مدام بر ذکر دلک کرده برگ ارند
یا برگ کبیر الاشجار پارچه بر بندند تا چند یوم بعمل آرند دوائے اول که جهت ضعف دماغ و ضعف البدن
خاصه برای ضعف باه که از خلو دماغ و کثرت خروج منی خواه از افراط جماع یا از کثرت جلق یا از فرط جریان

لاحق شدہ باشد و مایوس العلاج بود ترکیبی عجیب و اسلوبی غریب است فاحفظ فانہ من الاسرار الخفیات وکنز الصدریات است ص
بگیرند پارچہ مدور بمقدار بیضہ مقرض نمودہ ہمون قدر کاغذ سفید برکف دست نہادہ زردی بیضہ مرغ تخم کہ از بیضہ مرغ
برآرند کہ اثر سفیدی دران نباشد و صدمہ باو ہم نرسد بحفاظت بر ہمان کاغذ و نمد مدور مقرضہ نہادہ بالایش گوشہ
نگذارند و ہمان طرف گوش مضطجع بخسپند اگر خلو دماغ تمام است زردی بیضہ تمام بالائی صعود در گوش خواہد نمودہ الافلا بعد
صعود او یکساعت بر ہمان طرف گوش تا ایام خفتہ باشند و این دوای ورم برای ضعف باہ و سستی قضیب مجلوق و نغوظ را
بغایت مفید اگر چہل روز بعمل آرند فوائد عجائب و غرائب رونماید ص بیضہ مرغ تازہ پنجعدد یا قدری
سوراخ کردہ سفیدی تمام اخراج نمودہ بجایش عسل مصفی اندازند و در ہر بیضہ یکنیم ماشہ از قرنفل
و عود القرح بعد سحیق بلیغ اندازند و بر اخگر ملایم اندک گرم کردہ تناول نمایند ہکذا اربعین اغلب کہ در
ہفتہ فائدہ بیّن بظہور رسد دوائے سیوم کہ آنرا پنج بیضہ نامند جہت تقویت باہ و
مایوسین و سستی روشنی دیگر را فوائد زوائد دارد ص بیضہ مرغ خام شکستہ زردی و سفیدی از اطراف
اندازند و ہمون قشر آنرا پر از شراب و آب ادرک سفید و آب پیاز از ہر واحد پر کردہ نیم گرم ساختہ بنوشند
ہکذا اربعین مع پرہیز از ترشی و نمک و مرچ سرخ بعمل آرند دوائے چہارم کہ عنی مایوس العلاج
را قادر گرداند ص برادہ قضیب گاؤ مجفف در بیضہ مرغ کہ سفیدی اخراج کردہ باشند انداختہ
بپوست بیضہ دیگر مہر نمایند و بعد مطین ہشت پاس در سرگین آتش بدہند پس ہر چہ از اندرون
قشر بہم رسد صلایہ نمودہ یکدام ازان بخورند ہکذا ہفتہ بعمل آرند دوای پنجم جہت
تقویت باہ و امساک شدید حتی کہ بلا مواضعت منزل نگردد بلکہ در شکم بماند ہر چند جماع نمایند
ضعف و ماندگی نیاید و ہضم کمال نماید فاحفظ فانہ من العجائب الخفیہ وکنز الصدریہ
ص برگ کپاس کہ گل او سیاہ بود دو نیم عدد گرفتہ اولا بخورند بعدہ تا آخر بقدری کہ
برداشت طبع دانند بنوشند در شکم بماند و قوت و امساک و اشتہا بدرجہ غایت رساند
لیکن بعد نوشیدن آن دو نیم عدد برگ کپاس مذکور دیگر بخورند دوای ششم دوائے
غریب کہ صرگاہ در اثنای این عمل خمر را بنوشند در شکم بماند و قوت و امساک و اشتہائے
طعام بدرجہ غایت رساند از اسرار مجربات خفیہ است ص بگیرند قشر از درخت خروع کہ از
شاختش برآوردہ انگشت بند در سایہ نمایند و الیاس را بنوشانند تا وقت انگشت بند
در سایہ باشد الیاس مشروبہ در شکم بماند و چون از انگشت برآرند مارتب گزندہ از راہ بیرون
برآید دوای الغرائب ہفتم کہ چون این عمل نمایند در ہمان وقت فض بکارت
گرداند اگر چہ عنی مجلوق القضیب معوج الذکر و مفلوج الآلت مایوس العلاج شدہ باشد از عجائبات

عود القرح زرد بیضہ ماکو و زرد و خمی کو ۱۲

خفیه و کنوز صدریه است فاحفظ عنقریب در حرف الزاء معجمه در زراقه نائی نوشته آید فانظر الیه

دوائی هشتم هرگاه حل نموده در احلیل بچکانند در الغاظ و نقض بکارت فواید قریب الفوق نماید

ص یکدانگ مشک و یکدرم فرفیون در سه درم روغن یاسمین محلول نموده بدستور زراقه

در احلیل بچکانند در همان شب شدت نعوظ القلب و تقدیب تقویت آن رو نماید دوائی نهم

هرگاه دو هفته بخورند رفع کجی و سستی و تقدیب مجلوق نماید و در سطری و مطولی بجدی فواید

نماید که شرح نتوان کرد از عجائبات خفیه است ص پنج مغز سفید که در هر موسم شهید بقدر

دو سه دام بچته ساییده در دهن مار رو هوا انداخته با آرد میده خمیر پیچیده بالایش از پارچه

ملفوف کرده در روغن گاو مشوی نمایند چندانکه آرد تمام سرخ رنگ گردد بر آورده نگهدارند

و یکماشه ازان همراه شراب بخورند و از ترشی و بادی پرهیز نمایند دوائی دهم هرگاه

زن بخورد چندان هیجان شهوت نماید که از افراط از روی جماع لبسر حد جنون میرساند و

صبر و قرار از ایشان زائل گرداند ص عود هندی وردی روغن کهنه بوزیدان تخم گذر بتانی

تخم بقم تخم نیل تخم ترب تخم شلغم نانخواه کند بالسویه کوفته بیخته باب پیاز عنصل سرشته در صلایه

ساییده اقراص بقدر یکدرم سازند و سه قرص را سه روز در آب حل کرده در ایام حیض بیاشامند

دوائی یازدهم هرگاه زن بعل آرد میلان بسوی مرد بی اختیار سازد ص پیاز عنصل دشتی

بلادر شدت تخم تمام رنگ فولاد سم گوسفند سوخته سوسن تخم خرامی از هر کدام خواهند گرفته بقدر یکدرم

کوفته بیخته بگلاب سرشته حمول نمایند و در هر شش ماه یکمرتبه یا دو مرتبه کفایت دارد که موجب

خارش فرج بدرجه غایت رساند که بی وقاع اطفا نمیشود دوائی دوازدهم جهت تقویت

باه و نعوظ عجائب رو نماید ص اصل النجار را سه بار در شیر بلیق لقیفنه کرده کرده روغن زرده

بیضه مرغ که دران خصیة الدیک هم محلول نموده باشد صلایه کرده نگهدارند و یکدو حبه ازان

درمیان بتاشه انداخته بخورانند و بالایش شیر بیش یا گاو یکسیر بنوشند دوائی سیزدهم

جهت تقویت باه و امساک بسیار مفید ص اصل النجار یکتوله اصل البارد نه ماشه در صلایه

خوب سائیده بکحل سازند و در شیشه نگهدارند بقدر دو حبه ازان در شیر حلکرده شیر گرم نموده بنوشند دوائی

چهاردهم جهت تولید منی و تغلیظ آن فواید زواید نماید و برای مجلوق و مفلوج الذکر را بنهایت مفید آید

ص اسپ دار یکجز و اسمعد دو جز و جوشانیده بگذارند دو مثقال ازان مدام صباح و شام بنوشانند

دوائی پانزدهم هرگاه مجلوق مایوس العلاج را با علم آن بخورانند در شب روز براز اله بکارت

زیبق

قادر گردانند ص موش صحرائی که زرد رنگ و دم دراز داشته باشد گرفته همراه گوشت قیمه کرده با روغن کباب
ساخته نیمه از وی بگیرند و بخورند و نیمه روز دوم و هکذا سه عدد موش را در شش روز بعمل آرند و از جماع در این شش روز
کلی پرهیز دارند عنین را مرد کامل گردانند دوای شانزدهم هم جهت عنین غیر مادرزاد که از خلقی عنین یا از سبب احتشام
مایوس العلاج شده باشد بفضله تعالی عجب الخواص رو نماید ص بگیرند سرگین موش نریان بعدد یک ماشه
یا سه ماشه مینجک سائیده بدارند و بقدر دو حبه از آن همراه شیر گاو ناهار بنوشانند شخصی را که قدرت بر جماع هرگز نباشد
قادر گردانند دوای هفدهم هم هرگاه بر پارچه آلوده بر قضیب بچند استحکام نماید اگرچه مدتی بیکار شده باشد و بلذت
کمال طرفین ست ص بچه اسپ که همانوقت متولد شده باشد دهن وی بکشایند و پارچه از کف دهن او تر نمایند خشک
کرده نگاهدارند عند الحاجت بمقداری که قضیب در آن پیچیده شود گرفته بلعاب دهن خود تر کرده بر ذکر بپیچند
و بعد چند ساعت بکشایند و بجماع مشغول شوند دوای هژدهم هم هرگاه چهل روز بعمل آرند جهت تقویت
باه و شدت انتشار بهتر از سقنقور ست و بجهت عنینان و مساکین بجای تریاق عراق مسیحیه و معاجین
ذو الخاصیت مقویه شدید الانعاظ ست خصوصا برای کسی که از مخلوق بیکار شده باشد اگر استعمال نمایند نهایت
فواید عجائب رو نماید فاحفظ فانه من الاسرار الخفی و کنز الصدریه ست ص بگیرند تخم نیم خام از درخت سید الاشجار اعنی
سرس که هنوز در تخمش و ابهائی خام در غلاف پیدا شوند همانوقت قدری از وی از غلاف بر آورده در صلایه
سحیق بلیغ نموده بر پارچه کتان بقدر یک گز گرفته در جای پاک و سایه دار چهار میخ آهنی از چهار گوشه مضبوط
نموده نیز و بالای او سحیقه مذکوره مالیده بچسپانند و بعد یک شبا روز باز تجدید همانقدر غلاف مع تخمها
سحیق نموده روز بروز خرقه مذکوره بچسپانند و در سایه بخشکانند و همچنین تا چهل روز بعد یک شبا روز همین
عمل کرده باشند تا چهل و یک مادار سحیقه تخمها بر خرقه موصوف مرتب شوند آنگاه خشک کرده نگهدارند
و عند الحاجت صباح یکتوله از آن کرباس مدبره مسطوره قطع کرده و در یک پیمانه شیر گاو جوشانیده بنوشانند
و هکذا تا چهل روز بعمل آرند تماشا عجائب و غرائب رو نماید دوای نوزدهم هم جهت تقویت باه و
شدت امساک و انعاظ و تغلیظ و تولید آن از فوق فوق التاثیر دارد خصوص برای کسی که از خلق و مفلوج
العضو و معوج الذکر شده بیکار بوده باشند و جوانان مثل مایوس العلاج نیز ما و یار باشد بمنزله تریاق عراق و از
مخترعات راقم آثم و کنوز ذخائر ست مخفیه فاحفظ ص بگیرند پارچه کتان مصفی گز در گز بمقام پاک صفا با چهار میخ
بدستور مسطور مرکوز نموده تخم نیم خام از درخت مستغنی الافعال که هنوز در آن تخم درست نشده باشد
بلکه شیر در آن نماید آنوقت تخم مذکوره را شق کرده بر پارچه مذکوره لزوجیت آنرا مالند هر قدر که خواهند هر روز
بر پارچه ملوث کرده باشند تا بحیثیت رختی که بر پارچه بمقدار شدید و انگشت سطر حجم آید اگر تا چهل روز با تمام رسانند و در سایه

بجوشانیده نگهدارند احسن و عند الحاجت بقدر یک درم تا دو درم از آن در یکسیر پخته شیر گاو جوشانیده با نبات سفید شیرین کرده بنوشانند اما غلیظ القوام می گردد و راقم آثم بسیار استعمال کنانیده بغایت منشط و منعظ و ممسک شدید خاصه که بطرفین نوشانیده شود و فواید به نسبت تقیق و تحقیق و تلذیذ و تشویق بدرجه غایت نماید فاحفظ

حرف الراء المهمله

اما روغنهای مجربه بر هشتاد و چهار رتبه غنت

روغن اول روغن خمیر الحمام معمولی که جهت امراض بارده و رطبه بلغمیه در باحیه عصبانیه و استرخاء اعصاب و سستی قضیب مجلوق و معوج الذکر و مفلوج القضیب را ز مجربات کامله است ص رق حمام صحرای یکسیر پخته و از شعیشان نیم پاو ثانی را کوفته هر دو را جدا جدا در آب بخیسانند و بعد سه شبانه روز آب مصفی اول و مطبوخه ثانی با هم در کرنغان هیچ یکپاو پخته روغن حنوع ور هشت و نیم پخته شیر خام انداخته بجوشانند چندانکه روغن بماند صاف کرده در شیشه نگهدارند مدام وقت عشاء تمیروز مالیده برگ ارند بسته باشند و هم بقدر ده ماشه از آن همراه حلوای بیضه مرغ باستعمال آرند تا دو هفته بغایت مفیدست

روغن دوم روغن موم ست که جهت لقوه و مفلوج و مرعوش خصوصاً برای مجلوق و مسترخی القضیب و معوج الذکر از عجائبات و من معمولات فقیرست ص شمع نیم سیر نمک بریان یکسیر ریگ مستور نیم پاو مشک سفید قرار قمقام یکدیگتولهر سه را جزء بعد صلایه با هم در شمع مذاب کرده حبوب کلان بسته در قرع انبیق شیشه یا در قدرین یا در صراحی بوصل بوتل آرند و عند الحاجت قدری از آن مالیده برگ ارنڈ ببندند هکذا دو هفته بعمل آرند و صورت لقصابه ثلاثه مذکوره این ست



روغن سیوم روغن نمل ست که جهت تقویت باه و سستی اعصاب قضیب و تصلیب و نعوظ آن اگرچه مایوس العلاج شده باشد بتشریف التاثیر دارد و از معمولات حکیم علوی خان ست ص مورچه کلان سیاه رنگ که از قبور گرفته باشند یکصد عدد با نیم وقیه روغن زنبق یا روغن مغز بیضه دانه یا کنجد از هر واحد یا مدا در شیشه انداخته هفت روز زیر سایه آفتاب گذارند من بعد

پارچه صاف کرده در شیشه نگهدارند و قدرے ازان بر قضیب مالیده برگ ارنڈ بربندند روغن
چهارم عروسک الارض که جهت سستی اعصاب قضیب و تمددی و لغوظ و کجی و مفلوجی مجلوق
نهایت فوائد عجائب رو نماید ص عروسک الارض سی عدد در ظرف گلی مستعمله انداخته بالای سن
بیشتر جا القدر اندازند که جمله را بپوشانند و مسدود الدهن نموده در زمین تا یکماه مدفون سازند من بعده
برآرند که جمله در آن حل شده باشند برآورده در شیشه نگهدارند و عند الحاجت بر قضیب بمالند بر آن
برگ ارنڈ ببندند تا هفته بعمل آرند و از آب سرد پرهیز دارند و عند شدت لغوظ جماع فرمایند روغن
پنجم در روغن عروسک که جهت امراض عصبانیه خصوصاً برای مفلوج الذکر و معوج القضیب
مجلوق را نهایت مفید و عجائب التاثیر دارد برای مرعوش و سکوت و برسوت و تقویت باه و امساک
شدید التاثیر دارد ص عروسک یکپاؤ خراطین و علق یک نیم پاؤ عین الدیک سفید ۳ توله در
ظرف گلینه مرغنه انداخته با شیر عشر ترکرده یک هفته بگذارند تا وقتی که شیر دران جذب و خشک گردد
پس از زیر ظرف مذکور چند سوراخ باریک مانند غرابیل در حجم مبلغ کلان مدور نمایند و بدستور معکوس یعنی در
پتال جنتر روغنش برآرند و عند الحاجت قدری ازان بر قضیب مالیده بر آن برگ بید انجیر یا برگ توز ببندند
تا هفته بعمل آرند روغن ششم در روغن دود المطر که جهت جمیع امراض عصبانیه خاصه برائے
تصلب قضیب و سطری و فرهجی آن عجیب الخواص دارد و کجی و حلقی ذکر را تمام مفید آید ص دود المطر
پنجپا و خراطین و زنبور حز و که هنوز در لانه خود خام پخته باشند یکدسه توله علق و ارل و عقرب یکدسه
عدد و جوزبویه قرنفل بسباسه دارچینی یکد یکتوله با شیر میش و شیر عشر بالمناصفه در ظرف شیشه یا گلینه مرغنه
ترکرده بدارند وقتیکه هر دو شیر دران جذب و خشک شوند بدستور مسطور برآرند و عند الحاجت قدرے
ازان بر قضیب مالیده برگ ارنڈ ببندند تا هفته بغایت چهار روز بعمل آرند یعنی غیر خلقی را اقاور گرداند روغن
هفتم در روغن کاغنه که جهت جمیع امراض بارده رطبه عصبیه خصوصاً برای مجلوق مع کجی ذکر و سستی و سطری
آن شدید التاثیر دارد ص کاغنه نیم پاؤ پخته خراطین مصفی و مغسول با شیر سه توله علق که بر قضیب حمار عند الشتاء از
چسپانیده بعد پر شدن فرود آورده باشند تا سه عدد و مالکنگنی عین الدیک سفید و سرخ زنبور جوز و جوزبویه
قرنفل بزر بارتنگ جوز ماثل سفید یکدسه توله با شیر گاو و شیر عشر بالمناصفه ترکرده بدارند وقتیکه خشک
شوند بدستور مسطور روغنش برآرند و عند الحاجت بکار برند فاحفظ فانه عجیب و غریب مجربا
روغن هشتم در روغن بیر بهوٹی که جهت جمیع امراض مرقومة الفوق خاصه
برای مجلوق و مفلوج الذکر و معوج القضیب را فوائد عجائب رو نماید ص بیر بهوٹی ده توله

زنبور سیاه کابلی بیست عدد عقرب کلان ده عدد علق که بر ذکر خر عند انتشار می چسپانند پر کرده بر آورده باشند پنج عدد ورل جوان یکعدد جوز بویه بزباز مغز تخم رسلون تخم جوز ماثل سفید مالکنگنی مغز تخم بید انجیر مغز وند بلادر گنجاره یکتوله پشم سفید و سیاه فربیون سفید و زرد مکد سه ماشه اول ورل را قیمه کرده بمعه عروس و جمله حیوانات مذکوره آمیخته کوفته باقی ادویه مسطوره مدقوق نموده آمیزند و خوب بکوبند پس در بوتل داشته ناری بدستور معمول بعد مطین الحکمت روغن بر آرند و عند الحاجت قدری از آن بر قضیب مالیده برگ بید انجیر یا توز بر آن ببندند یکهفته بعمل آرند فاحفظ فانه من الاسرار الخفیة و کنز الاخراعیة

روغن دهم روغن پیچ بهوسلے که جهت سستی قضیب و کجی و جلقی آن از مجربات سیاحین است و گویند اگر بر نحاس یا فضه عند مذاب آنها خلط کنند براز صباغ رساند فاحفظ ص بگیرند پیچ بهوسلے دو توله عروس آله سار زنجفر یکتوله این هر سه بدو قطره شیرج در صلایه سحق نموده در قاروره ناری انداخته مهر سلیمانی نموده در میان دیگچه کهچڑی بخته کشاده دم دهند چنانکه تمام روغن خواهد شد نگهدارند و عند الحاجت بکار برند و صورت معکوس غرابیله مذکوره اینست



روغن دهم روغن ضفدع

که جهت مایوس العلاج اگرچه عنین شده باشد از مجربات کامله است ص ضفدع کلان چاهی و خراطین و علق و ورل از هر واحد دهنها بطریق ذیله بر آرند و قدری از آن بر قضیب مالیده برگ ارنڈ به بندند تا یکهفته بعمل آرند طریق بر آوردن روغن آنرا بمعه پوست در آب جوشانیده مهر نمایند و در ظرف چینی انداخته بگذارند آنچه بر سر آب روغن بر آید بر آرند و خراطین و ورل را مسلوخ نموده گوشت آنها را بدستور غوک در آب جوشانیده از بالا لیق روغنش بگیرند و روغن زلو بدستور معکوس یعنی پتال جنتر بر آرند و جمله روغنها باهم کرده در صلایه بمعه سحیقه مرسلون و بیخ طرخون و مینجک یکدرم با یک تولہ آن روغن باشد هر واحد آمیخته یکپاس سایده در شیشه بدارند و عند الحاجت بکار برند روغن یازدهم در روغن غوک که جهت جلقی و سطری و تقویت قضیب بی نظیر از مجربات است ص غوک کلان سه چهار عدد بگیرند و در ظرف کلان بگذارند و خراطین بقدر یکپاؤ و یا زیاده از آن بیش ضفادع اندازند و هر روز آب نیز در ظرفی پیش غوکان کشاده بنوشانند بچینان تا چهل روز بعمل آرند و محفوظ دارند من بعده بر آورده پارچه پارچه کرده بهر طریقی که خواهند خواه در آب

جوشانیده خواه در پتا بخنتر روغن برآرند و آسان طریق در آب جوشانیده بدستور مذکور از بالا بگیرند
برآورده در شیشه نگهدارند و عند الحاجت بر قضیب مالیده بر آن برگ ارنڈ به بندند روغن
دوازدهم در روغن افعی که جهت تقویت باه و اعادهٔ شدید طلبی و جذام و فرنج جنینه یا بو سیر بخلوق
یابو سیر العلاج را بمنزلهٔ تریاق عراق از مخترعات خلاصة التجاریب است ص دو یا سه عدد مار سیاه کلان زنده
بمعه ادویه ذیله در خم بزرگ انداخته مسدود والدهن در زمین مدفون سازند تا هفت سال کامل که آن اول عمر
سن طفولیت است که درین هنگام اجزای مار و ادویه جمله تحلیل و همراه شده یک صورت مایه گرفته باشند پس آن
آب را بیالایند و پارچه صاف کرده در ظرف چینی نگاه دارند و هر روز اندکی بخورند و بتدریج زیاده کرده باشند
چندانکه موافق مزاج و برداشت طبع دانند بر آن قرار دهند و بعضی تا دوازده سال که مدت بلوغ کودکان
است خم ادویه را مدفون سازند و من بعد پارچه صاف نموده مقدار یک برنج در آن آمیزند تا چهل روز در آن
پرورده نمایند و قوت این را زیاده یابند و دانهای برنج سرخ رنگ باشند و الخفای انار ولایتی اگر بعد بدر
شدن شوند بهتر و الا بگذارند و بعد از تیار شدن آن دانه را بتدریج از یکدانه شروع نمایند و تا چهل دانه
برسانند و پرهیز آن مانند پرهیز چوب چینی یا زنجبیل نمایند و غذا مزعفر تمام بعمل آرند ادویه مذکوره اینست
ص بیخ بهبوک و بیخ کبیر و بیخ فاشرا و بیخ جوز ماثل و بیخ شیطرج سیاه جمله بجها گوفته و بهنگرا سیاه و
چیترا سیاه و بکاوجونی و بیمانی و پودنهٔ کوهی و قثاء الحمار و اسپند و برگ بهلوک و نانخواه و شونیز و
تخم جوز ماثل و انیسون و زیره سیاه و تخم بنگ جمله اجزا برابر بگیرند و بعد جربش در خم مستعمل بمعه مار انداخته
بدستور بعد مدت مذکوره برآورده بعمل آرند و بعضی اولا ادویه مذکوره در خم انداخته بعد شش ماه مار زنده
می اندازند و بعد مدت مسطوره برآورده بکار میبرند روغن سیزدهم در روغن افعی که جهت اعادهٔ
شباب و تقویت باه و لصلابت قضیب و لنعوظ شدید التاثیر دارد و برای مرض جذام و فرنج جنینه حکم تریاق
فاروق دارد و از مخترعات و معمولات راقم اثم عفی عنه است ص مار سیاه دو یا سه عدد کلان که بقدر دو نیم
دست دراز باشد در میان خم بمعه ادویه ذیله در ظرف چینی امرتبان بمعه دو یا سه آثار پخته بحسب اعداد مار
تمر الحفظ و لضعف آن با لنگنی و ثمن آن شونیز و عشر آن زنجبیل و ورقه دگاهی بیزکه هر دو را با شراب انداز
یا قندی تند دو آتشه سه روز ساییده اندازند و بیست و پنج آثار پخته شراب قندی دو آتشه در آن
نیز اندازند و مسدود والدهن نموده یکسال کامل در زمین مدفون سازند من بعد برآورده پارچه صاف
کرده در ظرف چینی اندازند و یک سیر پخته عود سک الارض و یکسیر پخته برنج در ظرف چینی انداخته از
بالای آن ادویه مذکوره اندازند چندانکه چهار انگشت بالا برآید مسدود والدهن نموده تا اربعین در زمین

مدهون سازند آنگاه برآورده هر دو را جدا جدا نگهدارند اگر عود سک الارض مغمی و محلول شده باشند جمله را باهم کرده بسایند و در شیشه بگذارند خوراک از یک برنج بتدریج تا بار بیعین رسانند و آنکه بعد تعفن مصطفی کرده دوشته باشند یکچه از آن همراه برگ پان بخورانند و هم قضیب باید برگ پان بر آن به بندند و اگر برنج با عود سک مدبر باشند یکوقت برنج و یکوقت عود سک خورانیده و پرهیز از ترشی و تلخی و مرچ و غیره ملوحات و بقولات ضرور دارند فواید اعجاز مسیحی نماید روغن چهاردهم در روغن کاب که اثنا عطر کاب نخی نامند از مخترعات معمولات ڈاکٹران انگریزی ست جهت جمیع امراض بارده مثل رعشه و فالج و لقوه و وجع المفاصل وغیره عموماً و جهت ضعف اعصاب خصوصاً بغایت مفید است...

مطلب رباحیه عصبانیه برای سستی اعصاب خصوصاً عضو تناسل و وجع الذکر اگرچه عنی شده باشد از هر قسمی که بود هر خلقی لا علاج است از جمله اسرار خفیه در موضعیه تجربیست احتیاطاً نادر و تنها گوگرد بوزن جبه اشرفیا گلان از خالص کف نوشادر بهیند و فنا شیره بابرنج با آن گندم و کشف و خراطین مشتر دهند و پارچه سفید آلوده بهیند و دیگر فقط ادویه اگر دو اعطریح و کشف بدهد نهایت مناسب ست آنکه این ادویه بعد تجیه آن با نکته از قیمه بالاتش میر بخار دسازند و بر سر بخ آن ادی اجزا دو قیمه برا نگرد ادویه را دهان کباب و شوری با پنبه و سرکی که از آن علیحده برابر در ظرف چینی یا شیشه علیحده نگهداشته دارند یک قطره از آن بر قضیب مالیده بدان برگ از نهایک توزینه اوویه مذکور دست ص کلان از نانخواه مرچ و خراطین دو دو اطر جبه سپید بستر انگوزه و ح بالنگ و تخم و حبینه عقرقرحا و قرنفل بلادر او زبان مگنجی سپید و سر ترکیه بتش سیاه و سپید و دیگر ادویه معروف مجیب تجربه خویش گرفته کوفته اندخته بد بعلت مذکور موصوف بعمل آرند روغن پانزدهم روغن بوزنه که آنرا عطر بوزنه هم می نامند از مخترعات معمولات ڈاکٹران انگریزیست که جهت تقویت باه و انعاظ و امساک و سستی اعصاب خصوصاً بجانب بالاوین العلاج از هر قسمی که باشد فواید اعجاز مسیحائی نماید ص بگیرند سر بوزنه پیر که بس شیخ یعنی سپید باشد قرنفل کلان گلاه یکصد عدد جوز بویه بیلیه سیزده عدد برگ پان تازه یکصد عدد و جمله را ریحق بلیغ نموده در پیش بوزنه انداخته دهن و منخرین او را بدوزند آنگاه مغز پنبه دانه و مغز بیله بحجر بالسویه بقدری که تمام سر بوزنه انبار یعنی بجماد در آید سحق بلیغ نموده سر بوزنه را از آن ضماد سازند و از طرف حلقوم قدری سوراخ دارند بعد یک دیگچه مس کلان مرصص گرفته از وسط آن سوراخ باریک سازند و سوراخ حلقوم بوزنه را مقابل سوراخ دیگچه نهاده دهن

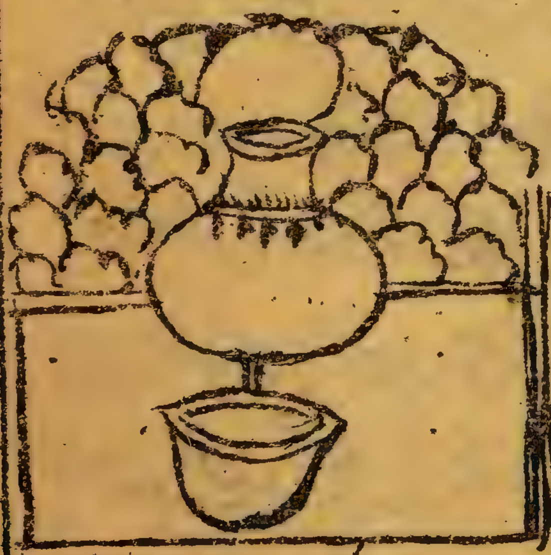


او را مطین ساخته بدستور دیگر روغن برآرند مقدار خوراک ایشان به قضیب مالیده برگ پان بر آن ابالاتش سبختیه تا شفقه بعمل آرند و بدستور فواید رونمایند تصویر آوردن هیئت روغن شانزدهم روغن دل

که جهت سستی قضیب خاصه مجلوق مایوس اگرچه بیست ساله باشد بفضله تعالی مرد کامل گرداند ص بگیرند دول
از صحرائی که جانور سست دم او بریده باشد و عدد ناخن بریده و صول از جمله نباتات سبعه الیتو کبوتره داو
لکاره و نبات لیبل و کیسر سفید و جوز ماثل سفید و سیاه و سخیل که چوبیست سرخ رنگ دالمه سار و از هر یک طول
و کنگچی سفید و پیپلی و عقرقرحا و قرنفل شک و کنجد سیاه و دارچینی و بسباسه و جوز بویه و مغز بادام تخم برز نبره ما
رد هوا زالق معتمر خیل یا کوری خراطین خشک پیه خنزیر یکی چهار درم یا دو درم جمله با هم هر دو دولی ناخن بریده
کوفته هشت پاس در شیر بلیش یا بز یا بسا بگذارند چندانکه ادویه قریب بخشک شدن شود در ظرف مستعمله بدستور
پیاله بجسم روغنش بر آرند و در روغنی که بر آید ایلیاو شیر خام آمیخته در شیشه بگذارند که بجبه با کمال آنان بر ذکر
مالیده برگ ارنڈ به بندند و کیجبه از آن همراه برگ پان سبز بخورند تا هفته بعمل آرند صحت یاوری ونش ایست



روغن هفدهم روغن روث اربعه از مجربات ڈاکتران
انگریزیست جهت سستی اعصاب قضیب از هر قسمی که باشد خصوصاً
بمجلوق القضیب و معوج الذکر اگرچه غنی باشد از عجائبات و غرائب ست لیکن
لاکچای راص سرگین شتر سرگین خوک سرگین خروس سرگین بوزنه از جمله روث
اربعه مذکوره روغن در سبوچه انداخته بطریق ذیله بر آرند و روغن بیضه مرغ
و روغن زیت و عطر گلاب و تخم خنزیر و تخم اسد و پیه شتر و مغز سر گنجشک نر و جند بیدستر خالص یکی یک توله
مشک بلاتی شش ماشه فرفیون پنج ماشه زرنیخ و رقیه شنجرف یکی نه ماشه انگوزه نوزده روغن عنبر و ندیکدرم
عطر دارچینی سه ماشه عاقرقرحا و عسل بلادر یکی دو و نیم ماشه آنچه کوفتنی باشد بکوبند و در تخم خمیر نموده در ظرف چینی
یا شیشه انداخته زیر آفتاب تا دو هفته نگاه دارند پس در شیشه ناری بدستور معکوس آتش داده روغنش بر آرند
و با دیگران روث اربعه مذکوره آمیخته در شیشه نگه دارند و عند الضرورت بر قضیب بمالند و برگ ارنڈ به بندند
تا دو هفته بعمل آرند بقادر بی مرد و بیقین ایست





روغن هژدهم روغن کرم قضیب الحمار
جهت سطولی و سطری اعضای تناسل و
مجلوق از معمولات صاحب خلاصة التجارب ست
ص بگیرند قضیب الحمار جوان پاره پاره کرده
در ظرف مجمع شیر گاو تر کرده انداخته بگذارند تا روغن شود و کرم در آن پیدا شوند و آن کرمها را همه زنش
خراطین کوفته با شیر چندان بر آتش نرم بجوشانند که روغن بماند پس با هم آن روغن بلادر آمیخته نگهدارند و عند الحاجت

قدرے ازان بر قضیب مالیده برگ ارنڈ بر آن به بندند تا دو هفته روغن لونگ دوم روغن کرم کیچے
که جهت سطبری و معظمی فوراً و سبب تمامتر مثل ورم زنبور گرداند از عجائبات است وانگریزیه است فاحفظ فانه من
الاسرار المخفی و کنز الصدری صفت کیچے گرمی ست که بر درخت گز نشیند و کلان بود چهار عدد گرفته در چهار دام
روغن گنجد مستوی نمایند چندانکه شکلش رسیده شود فرود آورده بمالند حتی که بگذارد شود بعد ازین قدری ازان
حشفه گذاشته بر قضیب بمالند فی الفور خارش و ورم ذکر پیدا خواهد شد پس زهره ماکیان بالایش بمالند خارش
همان وقت دفع شود و ورم و سطبری بر قضیب خواهد ماند جماع مشغول شود و تلذذ طرفین خاصه مرغوب النساء اند رجه است
روغن طلسم روغن امعاء الارض که جهت مطول و سطبری قریب الخواص لفوق ست صفت خراطین
هر قدر که خواهند لضعف آن زنابیر خرد که از آشیانه اش یافته شوند ثلث آن در هم باهم سوده بدستور
معکوس روغنش بر آرند و قدری ازان حشفه گذاشته بر قضیب بمالند فی الفور سطبری و معظمی ذکر گرداند روغن
بیست و یکم روغن کنجشک که جهت سستی و سطبری ذکر و کجی مجلوق را تمام میکند و ملذذ طرفین است صفت
کنجشک نر خانگی را بعد ذبح از احشائش پاک و صاف کرده در شکمش قدرے زعفران و بسباسه
و جوزبویه و فوفل و قرنفل انداخته و دوخته با سیخ برداشته در میان خانه زنابیر سیاه یا سرخ بگذارند تا او را بگزند
و بعد یک گهڑی فرود آرند و باز بگذارند همچنین چند بار بتکرار فرود آورده بگذاشته باشند آنگاه در روغن زرد
بریان نمایند و آن روغن را در شیشه نگهدارند و کنجشک را خوب کوفته و بیخته با قند سیاه کهنه حبوب بمقدار
کنار جنگلی بسته دارند یکی ازان مدام بخورانند و روغنش را سوای حشفه بر قضیب طلا کرده باشند
مانند و ممسک کامل است روغن بیست و دوم روغن کنجشک که قریب بمنافع فوق اگر بکف پا بمالند
و جماع کنند فایده شود و انتشار شدید گرداند صفت کنجشک نر خانگی پرهای او دور کرده و همچنان
زنده بر لیسیان بسته پیش زنبور خانه بگذارند تا او را بگزند چندانکه متورم گردد پس در روغن گاو مستوی نمایند
لیکن بعد ذبح همه خون مستوی سازند چندانکه جمله در آن جهرا گردد و باز او را خوب مالیده مخول سازند و
در شیشه نگهدارند و عند الحاجت بکار برند روغن بیست و سیوم روغن مورچه زنابیری که جهت
تقویت باه و رفع سستی قضیب مجلوق میکند تمام و برای سطبری و مطول و شدت انتشار بسیار عجیب اگر بر
کف پا مالیده جماع نمایند فوائد فوق همه امساک و انتشار زیاده نماید صفت مورچه پردار سبز هر قدری که
خواهند بنصف آن زنابیر خام که از آشیانه اش یافته در میان شیشه همه روغن ارزنی یا نرگس انداخته
یک هفته زیر آفتاب بگذارند اگر چهل روز بگذارند احسن و اولی خواهد گردد و بعده صاف کرده در شیشه نگاهدارند و عند
الحاجت بر کفین و قضیب بمالند روغن بیست و چهارم روغن زنابیر کبار سیاه عنبری که جهت

تقویت قضیب و تقلیب آن و رفع کجی را مخصوص و من معمولات مباجین و کرات تجربه راقم آثم عفی عنه
ور انده ص زنبور کالی شصت عدد عقرب کلان هفت عدد علق که بر ذکر خر چسپانیده گرفته باشند یکجا
در شیشه در ظرف آهنی یا مسی احراق نمایند و بعد صلایه آن جوز بویه در قلیب یکدیگر بعد تحقیق بلیغ آمیخته
بدارند و بکار برند روغن بلبیت و پنجم روغن زنابیر عروسکی که جهت سستی قضیب و علتی و کجی آن
از مجربات بلیغی است بنابر تعلم کرده تجربه در استعمال این باشند و دو واسطه کدام شیرج چهار دام و رسمانیه
دوازده پاش سائیده در شیشه بدارند وقت شب بر قضیب بمالید برگ ارند به بندند تا دو هفته عمل آرند
فواید غریب رو نماید روغن بلبیت و ششم روغن مالکنگنی عروسکی جهت تقویت باه و سطبری
و طولی و محاذی را تمام مفید و ملذذ در بین ص مالکنگنی ده تولا عروسک الصفر پنج تولا عروسک
سه تولا بعد تحقیق در شیشه ناری بدستور معکوس روغنش بر آرند و بکار برند روغن بلبیت و هفتم
مالکنگنی عروسکی جهت علتی و کجی و سستی قضیب را از مجربات ص مالکنگنی بیضه مرغ دو عدد عادل دو
ادویه را کوفته ورل را همه کرده با هم کرده در شیشه ناری بدستور پاتالجنتر روغنش بر آرند و
بمالند تا عشره اربعین عمل آرند روغن بلبیت و هشتم روغن علق عروسکی جهت سستی اعصاب
و سطبری و طولی و علتی قضیب را تمام مفید است ص چهار عدد علوق بر لوک حشفه خر بچسپانند چون
خوب پر شوند جدا کرده طرفین دو سر آنها با تار ابریشم مضبوط ببندند و در هشت تولا شیرج هفت
تولا روغن جوز بر آتش نرم برشته نمایند وقتیکه شکم آنها دریده شود فرود آورده چهار تولا
عروسک دران انداخته باز دیگر جوبی خوب مضمحل سازند و عند الحاجت حشفه گذاشته بر قضیب بمالند
و برگ ارند ببندند روغن بلبیت و نهم روغن ورل و مرغ عیسای که جهت سطبری و
طولی و اعوجاجی و ضعف اعضاء حصوصاً که از جلق بهم رسیده باشد عجیب التاثیر دارد ص مرغ عیسی
یکعدد ورل صحرائی که منقی از احشا بود عقرقرحا قرنفل ملکه یکتوله بسباسه توله جوزبویه کلان یک عدد
که بر ذکر خر چسپانیده بعد سیر گرفته باشند همه را کوفته در شکم ورل مذکور انداخته دوخته بدستور



معکوس ذیل روغنش بر آرند و عند الحاجت دو سه قطره بر قضیب چسپانیده
وقت سحر جدا کرده بر آن روغن مذکوره بمالند و بالای آن برگ ارند
ببندند و دو سه توله قطعه اسرب بر قضیب معلق نمایند یکدو لغایت
سه هفته عمل آرند و هر هفته سه زلو چسپانیده طلای مذکوره
کرده باشند از اسرجی بتصویر مذکوره این ست *

روغن سی و دوم روغن دل سلحفائی جهت تقویت قضیب لقضیب آن خاصه محلوق و
مفلوج القضیب و مسترخی الذکر را حکم عجیب دارد من معمولات حضرت عمو صاحب محمد محسن مرحوم و
کرات مرات بتجربه راقم آثم رسانیده که در فواید موصوفه بلا تخلف ست صفت گوشت و دل صحرائی گوشت
سلحفاه دریائی یکمن پخته باحن فیل باحن اسپ شحم اسد یکدو دو توله دود المطر یک تمازلو سه عدد باختها
کوفته لحوم را قیمه کرده باهم آمیخته در شیشه ناری بدستور معکوس مقطر نمایند آنگاه قرنفل پنج داخون مرسلان
جوز النشاط هر یکده ماشه مشک دو حبه بعد سحیق بلیغ بر آن آمیخته خوب محلول سازند و قدری از آن بر
قضیب و زهار و بن ران مدام وقت شام مالیده برگ ارنڈ بسته باشند روغن سی و یکم روغن
دل حمامے جهت کجی ذکر محلوق و سستی آن بغایت مفید صفت دل صحرائی و ذلو کلان که بر روی
خرچیانیده باشند یکصد عدد و حمام صحرائی یکصد در ظرف مستغنی چهار را باهم کرده با این تقطیر برآرند



روغن سی و دوم روغن محلوق که جهت محلوق مخصوص
و برای سستی و کجی و ذکر و تقلص آن و شدت انتشار از عجائبات من مخترعات الراقم الآثم عفی عنه صفت روغن بالنکسی
روغن جوز ماثل روغن مغز پنبه دانه روغن بید انجیر روغن بیضه مرغ
روغن دود المطر روغن گنگچی سپند روغن سرگین بوزنه روغن موئے سر الشان که هر واحد بدستور
معمول کشیده باشند پیه شیر پیه دل یکد یکتوله مغز ساق گاو دو توله روغن ابد ماهیر که در او روغن
گاو یکصد عدد و از ابریان نموده باشند و روغن آنزا سه توله بگیرند و روغن مغز و ... و روغن
بلادر و روغن کنجد یکد تشماشه موم سپید سه ماشه جمله اوزان را در صلایه بعد ادویه قلیل بحق قوت روغن
صلایه نموده در شیشه بدارند و عند الحاجت قدری از آن بر قضیب طلا نموده بران برگ ارنڈ یا برگ تنبول
به بندند تا دو هفته بغایت هفته بعمل آرند ادویه مذکوره بنیت صفت سم الفار سپید زرنیخ درقیه جند بیدستر
جوز بویه قرنفل کبابه دارچینی مغز مین کچل شقاقل یکد یکماشه روغن سی و سیوم روغن حجر اسود
یعنی موئی سر النسان که جهت سستی محلوق و شدت انتشار حکم اعجاز دارد صفت موئے سر النسان جوان
را بعد تغسیل بصابون در قرع انبیق یا در شیشه ناری بدستور معکوس بر آرند و قدرے از آن بر قضیب
بمالند فی الحال نعوظ آرد روغن سی و چهارم روغن زرنیخ مشکی جهت محلوق الذکر و معوج
القضیب شدید التاثیر دارد صفت علم طبقے یعنی زرنیخ ورقی تتبت بیاتی نمک سنگ یکد یا بسویه
جدا جدا سائیده بدارند پس بر پیاله چینی کاشی صفت سخت محکم بسته بر آن اولا زرنیخ تتبت یکی و

بالاىین تنک وبالاى آن بجانب زرنیخ داده پیاله دیگر معکوس بآهستگى بخند و مطین نمایند بحفاظت تا آنکه جنبش نخورده زیر وبالا نشود وآنگاه سرگین اسپ بکعب خمره مدفون سازند انشاء الله تعالى روغن چکیده در پیالهٔ زیرین خواهد افتاد اگر بزودى خواهند بر پیاله مذکوره بالائى پارچه گرد اگرد حلقه آرد خمیره نموده بر آن تابه آهنى نهاده بالایش اخگر بگذارند روغن چکیده در پیاله خواهد افتاد تصویر هر دو طریق اینست

روغن سى و پنجم روغن زرنیخ که جهت



مجلوق و مفلوج الذکر مایوس بمنزلهٔ الحیات است فاحفظ فانه من الاسرار المعمولات المخفیة و ذخائر الصدریة

صـ قطعه تنک در کرچهى آهنى نهاده بر آتش بگذارند و بالایش لتیفه یعنى چوبه از منقوعه لوبیه کهنه که شب کوفته در آب تر کرده داشته باشند یا چوب بپارچه بسته قدرى قدرى لتیفه داده باشند تا وقتى که جمله قطعه تنکى تحلیل شده مانند آب گردد و قدرى آب یعنى بقدر یک توله باقى در کرچهى داشته از آتش فرود آورند و بعد سرد شدن در شیشه نگهدارند و عند الحاجت قدر یک حبه از آن حشفه گذاشته بر ذکر بمالند و برگ ارنڈ به بندند درد و سه روز مبشر و منتفخ خواهد گردد از قلق اضطراب الم آن متنفر شده و صابر باشند که جمله پایه از منافذ عروق و اعصاب بر آمده باشد و بجاى آن خون صالح در آید و تقویت اعصاب و تحکیم آن گردد و تصویر ترکیبش اینست

روغن سى و ششم روغن نهیج زرنیخى



جهت تقویت باه و سستى اعضا تضعیف کجى رجلیه را نام مفید و مجرب استعمال انتشار رو نماید صـ نهیج سفید و زرنیخ ورقیه و عروس الابهار و تنکار هر یک نیم مثقال

بلدر سه مثقال بوره ارمنى سرگین حمام صحرائى قنفر نیم و فلى سفید عقرقرحا النگنى بکدیگر مثقال شیر عشر خشک شده شیر زقوم خشک کرده هر یکى نیم مثقال زردى بیضهٔ مرغ بقدر یک حبه بشکل حلوا کنند آمیخته در شیشه [illegible] حبه از آن حشفه گذاشته بر ذکر بمالند و برگ پان باید بخیر به بندند [illegible] روغن سى و ششم [illegible] روغن شتاب که جهت سستى تعظیب ذکر و مسیح الذکر اگرچه [illegible] شده باشد [illegible] مرد کامل گرداند صـ نمک سفید [illegible] زنجبیل [illegible] قرار جوز بویه [illegible] هر یکى [illegible] روز [illegible]

در شیشه بدارند و عند الحاجت قدری ازان بر قضیب سوای حشفه بمالند و برگ ارند لبسته وا زند
و بعد هفت پاس بکشایند و سه روز فرصت داده باز بعمل آرند در دو سه بار سختی دهند در رفع اعوجاج
تواند گردید از استعمال آب سرد و پرهیز کلی دارند روغن سی و هشتم روغن شنگ جهت تقویت
باه و سستی اعصاب قضیب مجلوق بغایت مفید اگرچه عنین شده باشد مرد کامل گرداند ص شنگ سفید
فرنیخ ورقیه و زرنیخ سرخ و شنگرف و اصل الحجار و اصل البارد و چوک بلینی مدهنه هر هشت ادویه ملند یا سوده
یکدام بگیرند اولاً اصلین را کهلے نمایند پس ادویه دیگر جدا جدا کوفته بیخته باهم کرده دو پاس صلایه سازند
پس پارچه نیم درعه را هفت بار در شیر زقوم خاردار لتبقیه داده زیر سایه خشک نمایند پس قوام بیخته روغن گاو
بران پارچه ضماد کرده بران ادویه مسطوره بچسپانند و فتیله نموده از یکطرف آتش افروزند و زیر ش پیاله چینی
یا کالسی نهند تا روغن چکیده در آن پیاله نگهدارند و برنج ازان همراه برگ پان بخورند و یک حبه ازان بر قضیب



سوای حشفه و انثیین بمالند تا عشره بعمل آرند و طریقش اینست
روغن سی و نهم روغن شنگ جهت سستی اعصاب و
تقویت باه و قضیب مجلوق قوی النفع و شریف التاثیر دارد
ص شنگ سفید آمله سار زرنیخ سرخ زیبق زنجفر هر پنج ادویه برابر یک توله در ۳ آثار خام رحیق دو ۲ آثار
صلایه نموده حبوب سازند و در شیشه آتشی انداخته چهل روز در سرگین اسپ که یک من باشد مدفون
نموده من بعده برآرند اگر بجه شستانه روغن در آن خواهد برآید یا قدری روغن خروع یا گنجد
آمیخته باستعمال آرند روغن چهلم روغن شنگ جهت جلق از اسرار خفیه است ص
شنگ سفید علم طبقی زنجفر آمله سار مغز دند شمع سفید یکدو ماشه روغن گاو ده ماشه دوازده پاس
صلایه نموده بدارند یک حبه ازان بالای قضیب سوای حشفه و انثیین بمالند و برگ ارند به بندند تا سه
روز بغایت هفته بعمل آرند روغن چهل و یکم روغن شنگ جهت تصلب قضیب جلق زده
کمال مفید ص تخم جوز ماثل سفید تخم حرمل تخم مالکنگنی یکدسته ۳ توله شنگ سفید یک توله اولاً
شنگ را در صلایه با شیر کیپا و بیخته یکپاس صلایه نموده جمله ادویه را در آن تر کرده زیر سایه خشک نمایند
و در شیشه ناری بدستور معکوس روغنش برآرند و بر قضیب بمالند و برگ ارند به بندند تا هفته بعمل آرند
روغن چهل و دوم روغن شنگ جهت سستی قضیب مجلوق و کجی ذکر اگرچه عنین شده باشد بفضله
شفا یابد ص شنگ سفید و بلینی سفید کنگچی سفید عاقرقرحا افیون شنگرف پنج کیسر سفید یکدام
مالکنگنی و دارشیشعان یکدو دام روغن گنجد چهار دام تخم جوز ماثل تخم زردک تخم کتان خورد یکدو دام

مصطکی نانخواه بیخ عشر یکدیکدام غوک سوسمار کنگرا ایلیک عدد جمله ادویه را آنچه کوفتنی اند بکوبند
و باهم کرده بطریق معکوس روغنش برآرند و قدر یک حبه ازان بر قضیب بمالند و یکسر حبه ازان در
برگ پان بخورند روغن چهل و سیوم روغن شنک جهت جلقی و سستی و کجی قضیب
از اعمال فرنگیه است هم خوردن و طلاء بکار برند ص شنک سفید و زرد و یکدرم دانه علم علیقی زنجفر
رومی کنکچی سفید زعفران قرنفل یکدرم سه ماشه جوزبوا کلان یکعدد دانه الایچی کلان پنج ماشه زردی بیضه
مرغ خام یکعدد بعد سحق جمله ادویه را در شیشه ناری یا در کوزه گلین بدستور معلوم روغنش برآرند
دو حبه ازان همراه برگ پان بخورانند و قدری بر قضیب مالیده برگ پان ببندند روغن چهل
و چهارم روغن شنک که جهت استسقا مالیده یا بوسه عجیب التاثیر دارد ص شنک سفید یک توله
شنگ نند و ننه بیخ سرخ و زرد یکدکدام شش ماشه بعد صلایه در بیست توله مغز دنبه یکپاس بسایند و در شیشه
ناری بدستور معکوس روغنش برآرند و نگاه دارند و یک برنج ازان همراه شیر گاو و یا در زردی بیضه
مرغ نیمبرشت آمیخته بخورانند مشتهی قوی و نضج مواد بلغمیه سوداویه و دفع فرنجیه خاصه برای کسی که
از آتشک سست شده باشد بهایت مفید آید و یک حبه ازان بالائی ذکر مالیده برگ پان یا ارنده ببندند
تا هفته بعمل آرند فاحفظ فانه من المخترعات الراقم الاثم روغن چهل و پنجم روغن شنک که جهت
قطع ثالیل بواسیر و قروح و بثور نمودن ذکر از جمله عجائبات ثبت است و جلقی و کجی نماید من معمولات
الذخائرات ص شنک سفید را در کچهی آهنی انداخته سه زیر و سه بر سجیه عقاب و لدیه کچی
و حب گشته که یکدکدام باشد داده بر آتش نرم بگذارند و دود برآمدن ندهند و عند خروج بر آن
از ادویه مسطوره فرو کرده باشند تا یکپاس بر آتش بدارند پس بعده ادویه سحوقه زیر و بالا را تمام
بحفاظت دور سازند و قطعه شنک را در ان داشته وارد وا از یکسیر آب مقطر لونه بیجی که از نیم یا پخته ساخته
باشند بدان آن تنقیه بدهند و به دستوری که در طریق سی و هشتم مذکور شد تمام روغن خواهد شد در شیشه
نگهدارند و قدری ازان همراه روغن کنجد آمیخته بر قضیب بمالند اگر تخفا فقط بکار برند فوراً قرحه گرداند و
آب برآورده رو بصحت نماید فاحفظ روغن چهل و ششم روغن شنک جهت مجلوق با وجود
العلاج شدید النفع و جهت قطع ثالیل بواسیر سیف قاطع هرگاه قدری ازان بر بالائی ذکر بمالند فوراً زخم گرداند
و در دو سه روز باجرای منتنه رو بشفا آرد ص شنک سفید سه دام بخته را در کچهی نهاده بر آتش نرم تنقیه
از ادویه مسحوقه مذکوره بدهند ص آهک آب نادیده لونه بیجی عقاب یکسو مثقال شبیانی یکدیم یا پخته مثر
انگوری مقطر یا قطره آب بشراب بشمار در خیسانیده از آن مقطر آن جوبه بدهند چندانکه تمام شنک

متخلخل گردد پس فرو آرند که قدری رطوبت باقی باشد والا در جای نمناک بگذارند که تمام روغن خود جدا گردیده در شیشه بگذارند فاحفظ روغن جمیل و هفتم روغن شنگ که جهت جلق زده دست شده باشد من العلاج رغیب الخواص روغن بیضه مرغ که از زردی دوازده مرغ گرفته باشند دو ماشه شنگ سفید بعد سحق بلیغ در آن آمیخته در شیشه انداخته چهار روز در گندم مدفون سازند بعده برآورده بکار برند لیکن تخصیتین و حشفه نرسد که موجب آماس و درد شدید گردد روغن جمیل و هشتم روغن شنگ که جهت مفلوج الذکر و مسترخی القضیب و معتقد الاعصا را از مجربات نسخه است ص شنگ سفید سه دام تا یک دام قرار و عود دشتی دو دام در صلابه یک ساعت خوب بسایند پس نمک بریان یکسیر و نیم در یک مثقال نیم پاؤ و موم یکسیر در ریغ با هم آمیخته خوب ترتیبه حتی شده خزانه بسته در قرع و انبیق یا در صراحی گلی بوصل نوثل یا در سبوچین به دستور معمول تیزاب روغن برآرند و در شیشه نگاه دارند و عند الحاجت بکار برند و این روغن را روغن موم می‌خوانند که تمام العینا هذا قریب الغرض سنه روغن جمیل و نهم روغن شنگ جهت سستی قضیب و جلق آن از مجربات قویه است و غیره خواهد رفت و امداد ارد ص شنگ سفید یک تولہ پس افگنده حمام یک عدد و شیر عنبر سه دام پخته روغن کنجد دو و نیم دام مسکه گاو صفی نموده سه دام پخته اول شنگ و پس افگنده مذکور را در صلابه باریک ساخته با شیر مذکوره بسایند چندانکه خشک گردد پس روغن کنجد انداخته یک روز دیگر بسایند پس مسکه گاو صافی از بیخ نموده باشند انداخته دو روز خوب بسایند و در ظرف مسین یا برنجی که تنگ دهن باشد انداخته بر دهن ظرف پارچه بسته بر آن آرد خمیره ضماد نمایند و در میان کهچری برنج و دال مونگ در روغن گاو تیار نموده و دم دادن نصف کهچری کشند و در میانش ظرف مذکوره نهاده بر آن نصفهٔ کهچری مسرجه باز انداخته بدستور دم دهند تا وقتیکه بخوبی گرم کرده باهستگی از آن برآرند و کهچری را بخورند و آنچه در ظرف روغن خواهد شد گشیده و در شیشه بدارند و قدری بر قضیب بمالند و برگ ارنڈ به بندند و صباح بآب گرم شوئیده باشند تا یکهفته بعمل آرند روغن پنجاهم روغن شنگ که برای سستی اعصاب قضیب مجرب لاعدیل است ص شنگ سفید و زرد و زرنیخ ورقیه و سرخ مغز و دند فراجوز الفا ستر بادام ستو یکجا جمیل قرنفل یکجا چهار ماشه روغن کنجد شش دام هشت روز در صلابه محض کوفته بسایند و در شیشه نگهدارند و یک حبه از آن بر قضیب بمالند و برگ ارنڈ به بندند و بعد از هشت پاس بکشایند و سه روز یکمرتبه و سه روز ترک کنند و در دو سه تکرار جمیع انواع سستی رفع گردد روغن پنجاه و یکم در روغن شنگ که برای سستی اعصاب قضیب ص سم الفار سفید زرنیخ سرخ بلیس عاقرقرحا فلفل موم قدری بیخته اندند

[illegible]

قرنفل بزرالبنج سفید بهمن مغز تخم حزوع کنگچی سفید فرار مغز نارجیل منجمله سیزده مکد بالسویه باشیره بید
یکپاس سائیده حبوب ساخته در شیشه ناری بدستور معلوم روغنش بچکانند ونگهدارند و بعد از شستشا
باستعمال آرند واگر جهلزوزه مدفون ساخته برآورده بکار برند باهم مؤثر گردد و بر قضیب بالائی رگ
ذکر مانند الف اندکی بکنند وبرگ پان به بندند تا هفت روز بعمل آرند روغن پنجاه و دوم در
روغن شک جهت مجلوق اگرچه عنین شده باشد از مجربات خفیه است ص پنج سفید سه ماشه
مغز فند بیت و چهار ماشه روغن بلیس دو توله در صلایه یا کرغان آهنی با دسته جدید دو سه روز
سحق بلیغ نموده بقدر یک ماشه تا دو ماشه ازان بر قضیب بمالند بحفاظت خفیه وحشفه و الا آبله
می افتد و نزو بکیش آبله صحت گیرد افروخته بدارند بعد یک گهرٔی برگ پان یا بید لرزان یا بید انجیب
به بندند تا یکهفته بعمل آرند اگر سه هفته بکار برند نهایت فوائد رو نماید روغن پنجاه و سیوم
روغن زرنیخ جهت مجلوق ومفلوج الذکر ومعوج القضیب را از مجربات خفیه است ص علم طبقی تمر
الحفظ مغز فند مغز خروع مکد بالسویه هر چهار را با شیر بلیس صلایه کرده با پنجعدد زردی بیضه مرغ یکروز دیگر
صلایه کرده در شیشه ناری بدستور معکوس روغنش برآرند و حشفه گذاشته بر قضیب بمالند و برگ ارند
به بندند تا عشره بعمل آرند باین تصویر فاحفظ روغن
پنجاه و چهارم در روغن زرنیخ آنکه برای
مجلوق را مخصوص و از مجربات خفیه است ص پارچه
کهنه را سه روز در شیر عشر تر داشته بخشکانند زیر سایه
پس زرنیخ ورقیه را باریک سائیده بران بپاشند و فتیله
سازند و با روغن گاو چرب کرده بر سیخ آهنی دوخته افروخته بکار برند زیرش پیاله چینی پر آب بدارند
آنچه بچکد بر بالای آب آید گرفته نگهدارند و بکار برند باین تصویر
روغن پنجاه و پنجم در روغن زرنیخ جهت تقویت
اعصاب مجلوق و مسترخا بالید مخصوص است ص زرنیخ طبقی نارجیل کهنه
دود المطر مکد یکتوله سم الفار شنشماسته زنجفر چهار ماشه تخم بلوبجان اظفار النخیل
براده کرده دم الاخوین مکد دو ماشه چرک گوش انسان یکماشه بول حمار شش توله
ادوائی چهار توله شیر بلیس پنجپاو همه را بعد سحق در شیر مذکور صلایه کرده حبوب بقدر کنار دشتی بسته خشک
نموده در شیشه ناری بدستور معکوس روغنش برآرند و بکار برند روغن پنجاه و ششم در روغن

زرنیخ مصعد که جهت تقویت باه وسستی اعصاب قضیب مجلوق مخصوص ص دیگر برده یک
که زرنیخ مصعد ست عدد قرنفل لب سباسه مغز فندق نارجیل دو درم طباشیر کبیر سفید یکدرم دو ماشه پیغمبر ست درهم
یکهفته صلایه نموده بکار برند روغن پنجاه و هفتم در روغن زرنیخ مصفوی که جهت تقویت
باه وسستی اعصاب که از استمنا بالید شده باشد مخصوص ست رطل ص زرنیخ ورقیه یک توله زردی بیضه مرغ
بست وچهار عدد بعد سحیق بلیغ اول را در ثانی آمیخته در کرچهی آهنی انداخته بدستور بر آتش نهاده
روغنش برآرند و بکار برند روغن پنجاه و هشتم در روغن زرنیخ جهت تقویت باه وسستی قضیب
مخضخضه را مخصوص است ص زردی بیضه مرغ بست وچهار عدد زرنیخ دو توله زنجبیل نیم پاو محروجیا
دو دام بالنگکنی سه دام مغز بید انجیر یک پاو بعد سحیق بدستور معکوس روغنش بچکانند و بکار برند
و بعد ریک حبه از آن همراه روغن کنجد آمیخته بر قضیب بمالند و هم نیم حبه از آن همراه زردی بیضه
نیمبرشت بخورانند تا عشره روغن پنجاه و نهم در روغن زرنیخ سرخ و سمی که
بهندی منجهل نامند جهت تقویت باه وسستی اعصاب قضیب مجلوق و کجی را عجیب الخواص دارد
ص زرنیخ سرخ کبیر سفید تازه یکدرم چهار دام ورق هشت عدد اول قسل را از غلم احتیاط آورده
مصفی نمایند و زیر سایه بخشکانند پس هر سه ادویه کوفته باهم نموده در شیشه ناری بدستور معکوس روغنش
برآرند و بعد یک برنج از آن همراه مسکه گاو بلع فرمایند و یک حبه از آن بر قضیب بمالند تا عشره بعمل آرند
روغن شصتم روغن زرد و سرخ مرکب جهت تقویت باه واستمنا بالید مخصوص برای سستی
قضیب و کجی بکمال مفید ص زرنیخ ورقیه زرنیخ سرخ عود قرنفل جوزبویه دارچینی بیگماهی بهنیر
مایه شتر اعرابی مغز فندق شنجرف دفلی سفید بلادر اوراقی روغن بین کلانی بیه ورل بیه شیر خراطین
عو سک الارض کنگچی سفید بیس سفید بیش هسته سیاه شیر انجیر شیر زقوم شیر عشر یکدام زردی
بیضه چهار عدد قند سیاه کهنه بیست دام جمله را سایده با شیر بیش شانزده پاس سایند و پس قند سیاه
داخل کرده کهرل نمایند چندانکه حبوب ساختن شود حبوب سازند و زیر آفتاب داشته بخشکانند من بعد
در شیشه معکوس روغنش برآرند و قدری از آن بر قضیب بمالند تا عشره بعمل آرند روغن شصت
و یکم روغن زرنیخ و ریچه مرکب جهت تقویت باه وسستی قضیب مجلوق و کجی آن از مجربات
کامله است ص زرنیخ و ریچ سفید و کرم شب تاب و کرم هالک یکدرم ماشه بعد سحیق بلیغ در روغن
برآورده و بله آمیخته بکار برند پیه شیر پیه ورل پیه خنزیر خراطین مغسول دو دو مطلی یکدرم دو دام زردی بیضه مرغ
یازده عدد و بالنگکنی بیخ کبیر سفید یکدرم ۳ دام جوز بوا بکیمه دارچینی قرنفل زفت رومی یکدرم هفت ماشه مغز تخم

روغن تارامیرا عقرقرحا یکدام مغز ارب خالص سه پاو چهار بعد سحیق در صلایه با مغز مذکور بیامیزند و حبوب ساخته
در شیشه ناری بدستور معکوس روغنش بر آورده بعده دو دام چوبه لوبان و ملغه بار زنجبیل یکدام شنا سنه
باشند سحیق سایند نیز آمیخته با هم زرنیخ هر هیچ مذکوره نموده در شیشه انداخته مسدود و لیدن برغله کنند تا عشره
وقت ساز ند بعد بر آورده قدری ازان بر قضیب بمالند و اگر قدری مشک و عنبر برای خوشبو نیز داخل نمایند
احسن و معطر گرداند و مناسب بالطبع گردد روغن شصت و دوم روغن زرنیخ ورقیه
جهت تقویت باه و سستی اعصاب قضیب بکمال مفید ص زرنیخ ورقیه سیاب مغز و تد نارجیل یکدد
چهل ماشه تر نفل لسبیاد ارجمنی یکدو ماشه روغن کنجد سه دام هشت روز صلایه کرده در شیشه بدارند
وقدری ازان بر قضیب بمالند و برگ ارنڈ بر بندند تا عشره بعمل آرند روغن شصت و سیوم
روغن زرنیخ ورقیه جهت تقویت باه و سستی اعصاب قضیب و تمنا بالید اگرچه عنین مادرزاد
بود از کمال مجربات ص زرنیخ ورقیه بلیس مدہنہ کنگچی سفید قنبر یخ دنلی سفید مغز دندعروس یکعدد
اذراقی مقشر روغن بلادر سیر عشر شیر زقوم یکدو یکدام قند سیاه هفت دام اول افراقی را در شیر تر کرده
بدارند بعد یک شبانه روز بر آورده مقشر سازند و در صلایه بعه اجزای مذکوره سوای قند در شیر بیش و
شراب بالمناصفه تا شانزده پلس بسایند پس با قند مذکوره آمیخته حبوب نموده در شیشه ناری بدستور معکوس
روغنش بر آرند و یک حبه ازان با برگ پان یا بید انجیر مالیده بر ذکر به بندند تا عشره بعمل آرند و ازان استنجا
بآب نکنند و پرهیز دارند روغن شصت و چهارم روغن زرنیخ که جهت تقویت باه و جلق
زده از کار رفته بغایت مفید ص زرنیخ ورقیه یک سیر تمامی مغز بید انجیر مقشر دوازده عدد دوازده
این سائیده با نیم عنبر صلایه نموده بدستور معکوس روغنش بر آرند و بقدر یک حبه ازان با برگ پان
مالیده بر ذکر به بندند تا سه روز بغایت مفید بعمل آرند روغن شصت و پنجم روغن زرنیخ که جهت
جلق زده و مخنث مخنث ص ص زرنیخ طبقی مقرد ند مغز چلغوزه یکدد یکتوله مغز حب ... دو توله یکجا پس
کامل سحیق بلیغ نموده بدستور در شیشه ناری روغنش بر آرند و بکار برند روغن شصت و ششم
روغن زرنیخ که جهت جلق زده و مخنث را از مجربات خفیه است ص علم طبقی مقرد ند یکدد بالسویه
چندان صلایه نمایند که مانند حریره گردد و در ظرف سفالی که زیرش سوراخ نموده بدستور بالجملتر روغنش بر آرند و یک
بیخ ازان با برگ پان یا ریحان یا برگ کنار بخورانند و نیز همراه شیرح و ... آمیخته بر قضیب مجلوق و مخنث
بمالند تا چند روز بعمل آرند روغن شصت و هفتم روغن زرنیخ که جهت مجلوق مخصوص کجی و سستی ذکر را
کار سعید آید ص زرنیخ ورقیه سم الفار بلیس مدہنہ بحقاتہ یکدو هر چهار برابر گرفته آمیخته با روغن گاو

چرب نموده قدری سیماب داخل کرده خوب آمیخته بر پارچه بعده روغن دیگر آلوده فتیله ساخته از
یکطرف او افروخته زیرش ظرف چینی نگهدارند بدستوری که در روغن زرنیخ طریق پنجاه و سیوم
مذکور شد برآرند و بکار برند روغن شصت و هفتم روغن بلادر که جهت مجلوق و استمنا بالید مخصوص
و از اسرار خفی و من مخترعات الراقم الاثم عفی عنه ص ثمر الحفظ بیخ طرخون مکه یکتوله بعده سحق بلیغ در شیر تونه
تیغ بیخ جو دو روز کامل صلایه نموده در شیشه نگهدارند و در هر روز سوای حشفه و انثیین بر قضیب مالیده بر آن برگ
ارنڈ به بندند تا بیست و یکروز عمل آرند روغن شصت و هشتم روغن بلادر که جهت مجلوق و استمنا بالید
و معوج الذکر و مسترخی القضیب را از مجربات ص بلادر شکسته عدد را اندکی باسوزن مسلوک نموده در میان
یکنیم پاؤ روغن زرد در کرکهان انداخته بر آتش نرم چندان بگذارند که قریب باحراق رسد پیشتر از آنکه محترق گردد
فرود آورده صاف کرده نگهدارند و عند الحاجت بر قضیب و عانه و بن ران مالیده باشند و نیز
یکتوله از ان همراه زردی بیضه مرغ بخورانند تا عشره عمل آرند و اگر همراه ماء الاصول یکتوله از ان معجون
هر صبح بخورانند در هفته رو بشفا نماید فاحفظ روغن هفتادم در روغن بلادر که جهت مجلوق
زده و سست شده سریع التاثیر دارد ص بلادر قشر بیخ انار قشر بیخ دفلی سعیند هر سه را برابر دو شیر
عیش انداخته بجوشانند پس جامن داده غلو ریده مسکه برآرند و بر آتش نرم مصفی نمایند و هموزن نسخ
گل کتائی حوز در انداخته خوب لبایند و یکذات سازند پس بر ذکر بمالند و برگ ارنڈ ببندند تا عشره عمل آرند
روغن هفتاد و یکم روغن بلادر که جهت خفخفه و استمنا بالید مخصوص ص بلادر مغز بیخ کهل
مرسلون مکه هر چهار برابر خوب سحق بلیغ نموده بانه مثل آن روغن جز وقع در صلایه یکروز لبایند و در شیشه
نگهدارند و عند الحاجت قدری از ان بر قضیب مالیده برگ ارنڈ به بندند روغن هفتاد و دوم روغن
جوزماثل که جهت مجلوق و معوج القضیب و مسترخی الذکر را از مجربات ص تخم جوزماثل مالکنگنی پوست
بیخ کیسر سعیند مکه چهار دام کنگچی سعیند دو دام انگوزه بنگ دو دام و نیم کوفته با روغن تخم حرمل با شیره جهیز
نموده سه شبانروز زیر سایه بگذارند من بعده در شیشه تادی روغنش برآرند و بکار برند و اگر
یکدو قطره از ان همراه برگ پان بخورانند نهایت ممسک و مقوی قوت است روغن هفتاد و سیوم
روغن حرمل که جهت تقویت باه و امساک و سستی مجلوق مخصوص ص تخم حرمل یکسیر در کیسه
بیشتر عشره کرده یکهفته زیر سایه بگذارند من بعده بدستور معکوس روغنش برآرند و بکار برند روغن
هفتاد و سیوم روغن لوبان که جهت تقویت باه و امساک در فع شکنج بشره و براق
و نورانی تمام مفید و برای مجلوق و خفخفه مخصوص و معوج الذکر را مستوی گرداند ص لوبان حرمز

یکسیر جوز بویه بسباسه عاقرقرحا قرنفل کندر دو دام زال سته یا دو ماشک سوخته جمله را سایند و در شیشه نارسی بدستور معکوس روغنش برآرند و بکار برند و برای جمیع زخمها مفید آید اگر بر بشره بمالند جیان روشن کند که پیر صد ساله را دو جوان آرد روغن هفتاد و پنجم روغن قرنفل که جهت استرخا بالید و تشنج عضو مخصوص ص قشر اصل قرنفلی سفید نیم سیر نخینه جوز بویه بسباسه قرنفل دارچینی دار بلید بالنگنی تخم جوز ماثل تخم سرس تنبیحی سفید زعفران ملکه یکدام مغز بادام پنج درم مسکه گاو دو دام جمله را کوفته بخیته با شیر عنبر تر کرده یکهفته بگذارند من بعده در شیشه نارسی بدستور معکوس روغنش برآرند و بقدر یکحبه همراه برگ پان بخورانند و هم طلا کرده باشند روغن هفتاد و ششم روغن پودینه که جهت تقویت باه و امساک و سستی قضیب بمجلوق کمال مفید اگر بر کف پائی بمالند و بقدر یکحبه همراه برگ پان بخورانند بغایت مفید آید ص پودینه کوهی خولنجان تخم جوز ماثل تخم حرمل ملکه برابر با بیست چندان روغن زنبیل یا روغن نرگس مثلی که طریقش در بین مذکور شد در شیشه انداخته تا اربعین زیر آفتاب بگذارند من بعده بکار برند روغن هفتاد و هفتم روغن ابد ماهیر که جهت تقویت باه و شدت انعاظ حاجت جوشیدن حرارت آید اگر یکپاشه از آن همراه برگ پان بخورانند و هم طلا بر قضیب سازند بغایت مفید آید فاحفظ فانه من اسرار المخفی ص ابد ماهیت عدد دریا و آبار روغن گاو بر آتش نرم خوب مشوی سازند چندانکه سرخ رنگ گردد پس روغنش را صاف کرده در شیشه نگهدارند و عند الحاجت بکار برند روغن هفتاد و هشتم روغن ابد ماهیر مرکب که جهت تقویت باه و امساک فوائد زوائد رونماید و بجلوق مخصوص ص روغن ابد ماهیر بدستور مسطور تیار کرده نیم پاؤ قرنفل بسباسه جوز بوا عاقرقرحا دارچینی بلادر تخم جوز ماثل تخم حرمل ملکه یکتوله در ظرف چینی باهم کرده زیر سایه تا عشره بگذارند من بعده روغنش بدستور معکوس برآرند روغن هفتاد و نهم روغن قرمل عروسکی جهت استرخا بالید و خضخضه و تشنج قضیب مخصوص ص قرمل صحرائی یکعدد عروسک الارض قشر بیخ قرنفلی سفید بالنگنی تخم انجره ملکه دو توله جمله ادویه را کوفته با قرمل قیمه نموده باهم کوفته بخیته در شیشه نارسی بدستور معکوس روغنش برآرند و بکار برند روغن هشتادم روغن بیش که جهت تقویت باه و اعصاب و قضیب بمجلوق قوی النفع ص یکدام بیش بعد هنه ما بعد سحیق بلیغ در شش دام شیره برگ یاسمین صافی و مقطر نیم شش دام شیره خام در کرغان انداخته بر آتش نرم چندان بجوشانند که روغن بماند پس فرود آورده روغن مطر ذبیح طرخون کوهی دارچینی بسباسه و جوز بویه

و مغز وند نکنند بحالت خود تا نفل نیم ماشه بعد بمیجن بلیغ در روغن مذکور حل نموده با دسته اخفی تا دوازده ساعت بسایند
و در شیشه نگهدارند بکجبه ازان بسوای حشفه و زیرین بر قضیب بمالند و برگ ارنده بندند و تا عشره عمل آرند
سطبری و عظمی و سختگی گردانند روغن هشتاد و یکم روغن خفاش جهت جلق و کجی قضیب از
مجربات ص روغن کنجد خالص یکسیر در کڑاهی اندازند و بر آتش نهند وقتی که گرم شود بعدد خفاش با پای
و ناخن و بینهای آهنی ابریده و در آن اندازند و بجوشانند چندانکه [illegible] شود پس مصطگی رومی یکتوله باریک کرده
در آن آمیزند و با چوب بمالند تا یکذات شوند پس در شیشه نگهدارند و بقدر یک برنج تا یک سرخ در بیڑه پان بخورانند
هر روز یا نوروز بیڑه بخورانند و در هر یک بیڑه یک برنج دوا آمیزند و اگر دانند که گرمی می کند بیڑه کمتر خورند و هر روز
با پارچه آلوده بر قضیب پیچ بسته باشند تا یکبیت و مکروه نعمل آرند و علی الصباح با آب گرم شویند و باشند
و روزی سه پیچ چسپانیده باشند صباح و نیمروز و شام اگر در هفت روز مقصود کامل شود هفته دیگر بکار برند
روغن هشتاد و دوم روغن جوزماثل که جهت تقویت باه و امساک و صلابت قضیب و رفع سستی
مجلوق از مجربات ص تخم جوزماثل سیاه مالکنگنی حبه سرخ یکده و سیر روغن تلخ نیم سیر شیر بیش دو نیم سیر
عاقرقرحا و سیر شاهی حب بلادر چهار دانه [illegible] اول برآورده همراه جمله ادویه کوفته باهم آمیخته چند روز بگذارند
چندانکه شیر در آن جذب و خشک گردد پس بطریق معکوس روغنش برآرند و بکار برند روغن هشتاد
و سیوم روغن کنگچی سفید که جهت سستی قضیب مجلوق و معوج القضیب و مفلوج الذکر را تمام
مفید ص کنگچے سفید پوست [illegible] نرگس [illegible] عاقرقرحا ملک بالسویه [illegible] تخم حرمل تخم جوزماثل مالکنگنی یکده
نصف جزو در شیر بیش بعدد [illegible] سایه خشک نمایند و بطریق معکوس روغنش برارند و یک حبه ازان بر کیر
پان الیده بر قضیب ببندند تا هفته یا عشره عمل آرند و قدری با برگ پان بخورند روغن هشتاد و چهارم
روغن کنگچے سفید که جهت سستی و کجی و سطبری و طول از عجائبات ص کنگچی سفید [illegible] کیر عاقرقرحا
سرطان خراطین ریگماهی [illegible] کلان [illegible] جوز و [illegible] صحرائی جمله برابر کوفته ابجنه کوفتنی اند [illegible]
دیوان را [illegible] باهم ساخته در شیشه [illegible] بطور معمول روغنش برآرند [illegible] ازان بر قضیب
بمالند و برگ پان به بندند تا چهل روز عمل آرند و عورت نزد خود نشانند تا صحبت نمایند و جماع نسازند
روغن هشتاد و پنجم روغن کنگچے سفید جهت سست شده و جلق زده از مجربات ص کنگچے سفید
زعفران تخم حرمل مالکنگنی جوز بویه عاقرقرحا بلادر دارچینی مغز [illegible] کیر [illegible] بیش سفید بیش سیاه
یکده نصف جزو شیر عشر شیر [illegible] چندانکه جمله ادویه در آن [illegible] شود [illegible] یک هفته در سایه بگذارند بعد
[illegible] بطریق معکوس روغنش برآرند و بکار برند حرف القاف [illegible] الارزاق [illegible]

خفاش بفارسی شب پره و بهندی چمگادڑ گویند ۱۲

کما ینبغی بعمل آرند صاحبش اگرچه عنین مجلوق القضیب و معوج الذکر مایوس العلاج شده باشد در همان شب
بشدت انعاظ قادر بر فض بکارت گرداند کافی الاکسیر ص فرار نک سیاه عروق الصفر مکدیکماشه سلیمانی دو ماشه
تخم تمام پخته باشد سه ماشه دوازده عدد ساده صلایه سحیق بلیغ نموده زیبق را اخراج نمایند پس یک حبه ازان فرار نجو بعمل آرند که بقدر چهار انگشت انبوه
گندم یا شعیر که ظرف در احلیل نهاده ظرف ثانی پس یک حبه ازان فرار موصوفه بقدر رنگ کوزه انداخته انبوبه را ازان ظرف بالا بسوزانند
تا فرار صعود نموده در احلیل بر و پس قضیب بضعف رطل شیر تازه گاو انداخته منفس بالا نشستند تا شیر تمام منجذب در احلیل
گردد و این عمل وقت عصر بعمل آرند که نعوظش تمام شب خواهد ماند فاحفظ فانه من الاسرار الخفی حرف
السین المهملة اما استفاف بر سیزده سفوف ازانجمله سفوفیکه جهت غلیظ منی مجلوق شدید النفع
که بمجون مسکه گرداند و کرات مرات بتجربه راقم آثم درآمده ص ثعلب مصری مصطگی رومی نشاسته بهیلی پالکهاخ
سلیخه رتن بالا یعنی اسگند ناگوری نتر بالا و اگر بهم نرسد شاخ نیلوفر انداز تد دانه بیل الایچی کلان کشته قلعی که
در حب یا در ثمر مغیل تیار شده باشد مکدیکتوله کوفته بیخته همو زنش نبات آمیخته استفاف نمایند یکتوله ازان
همراه شیر گاو مدام صباح و شام بخورند غذا مرغن بخورند و از ترشی و فلفل سرخ پرهیز دارند سفوفیکه جهت
جریان منی مردان و نسوان خصوصا بعد مجلوق که مایوس العلاج شده باشد از مجربات حقیقه است ص سلیخه
تالمکهانه کمرکس موچرس سنبل مصطگی خشخاش مکدیکدام سلیا رافوه موصلی سیاه هیقر مدام صباح و شام به
بعمل آرند سفوفیکه جهت تقویت باه و انعاظ تمام مفید اگرچه عنین باشد در یکهفته مرد کامل گرداند ص
پلچهکنی زنجبیل مکد برابر کوفته بیخته استفاف نمایند و یکتوله ازان همراه شیر گاو مدام بخورانند سفوفیکه
جهت تقویت باه و جریان منی مردان و نسوان خصوصا به مجلوق که بعد ممارست لاحق شده باشد و
مایوس العلاج بود از مجربات حقیقه ص شیر گاو که اول بار بزاید قبل از مکیدن بچه اول شیرش در ظرف
گلین آبنادیده دوشیده در سایه معلق کرده بخشکانند آنگاه ثمر خام از پستان گوندی که هنوز خسته
دران نیفتاده باشد و ثمر خام مغیل و ثمر خام نغزک که مانند نخود باشند جمله بالسویه بضعف وزن شیر
مجففه موصوفه کوفته بیخته استفاف نمایند و با همو زنش شکر تری آمیخته بدارند و بقدر نه ماشه
یا یک توله ازان همراه شیر گاو صباح و شام بعمل آرند سفوفیکه جهت جریان منی و
سرعت انزال و ضعف و استرخای اوعیه منی و قضیب که از مواد بارده باشند خاصه بعد از
جلوق اگر بیست روز بعمل آرند فوائد عجائب رونماید فاحفظ فانه من الاسرار الخفی ص تخم
اسغند را نرم کوفته قشر بالائی دور نمایند و مغزش مانند برنج بیرون آید آنگاه چوب سعد
بلیغ نموده همو زنش ریاد یا جگ دشتی آمیخته استفاف نمایند شربتش از چهار ماشه تا فرفت

ماشه همراه شیر گاو بدهند سفوفیکه برائے جریان منی که بعد جلوق و استمنا بالید لاحق
شده باشد از مجربات ص ثعلب شقاقل موصلیین تخم انجره دارچینی مصطگی صمغ عربی
دانه الائچی کلان تالمکهانه خولنجان بوزیدان اندرجو شیرین موچرس زنجبیل کشته قلعی کشته فولاد مکد دو
ماشه شکر تری برابر آمیخته استفاف نمایند از نه ماشه تا یکتوله همراه شیر گاو باستعمال آن نهد سفوفیکه جهت
جریان منی و مذی و ودی از مجربات حکیم خدابخش صاحب خیرپوری است وکرات بتجربه راقم آثم عفی عنه حضوصاً
بعد استمنا بالید حین استعمال حلوت و کمادات بعمل آورده شود نهایت مفید است ص موصلیین تخم بند
بهنگره سیلخه کمال تیر تالمکهانه کرکس گنجد سیاه خشخاش تخم شک میده لکر کتیرا موچرس سمندر سوکهه
شیرک یعنی دودهک مکد تشماشه سنگهاره ثعلب فوفل سرخ مکد دوازده ماشه حجر لبنی محرق خاصه که در
نبات بهچیل باشد تخم زنبق که تراکیب هر واحد آنها مفصلاً در عطر مجموعه و مخزن الاکسیر نوشته ام یکتوله نبات
پانزده توله جوزاک یکتوله همراه شیر گاو بخورند سفوفیکه جهت تقویت باه عظیم النفع حتی منی مجلوق یاس
العلاج را اعاده باه رونماید از معمولات جد امجدم حکیم شیخ احمد رحمة الله علیه وکرات بتجربه راقم آثم عفی عنه
در آمده ص ثعلب عرق الصفر فوفل سرخ مکد یکتوله نبات چهار توله کوفته بیخته بیست و چهار پوری از جمله
سازند هر صباح یک پوری همراه بیضه مرغ خام که بالایش نوشند متصل آن روغن گاو هموزن معاد
بنوشند و از ترشی و بادی و جماع پرهیزند سفوفیکه جهت تعظیم باه عظیم النفع و مجلوق یاپوس را مرد کار
گرداند ص معطی یعنی بهکهلی بابرنگ مکد برابر کوفته بیخته استفاف نمایند شربتش بقدر یکدرم همراه
شیر گاو مدام تا بیست روز بعمل آرند سفوفیکه هرگاه چهل روز بعمل آرند تا یکسال قوت بماند ص ثعلب
شقاقل مصری بوزیدان سورنجان مکد برابر کوفته بیخته استفاف نمایند یکدرم از آن قبلیکه شیر گاو جوش داده
بیکپاو رسانیده باد و دام نبات شیرین کرده بخورانند سفوفیکه جهت ازدیاد باه و منی مفید تمام ص ثعلب
گوند کجرائی مکد چهار دام آرد سنگهاره بیست دام شکر سفید تخم سفید نشاسته شانزده دام کوفته بیخته یکتوله از آن
همراه شیر مدام بخورانند سفوفیکه بکیمیا المختبرت مسمی جهت تقویت باه و تولید منی و هضم نظیر
لانظیر است ص بهکهلی سه سرخ کابچل شش سرخ قرنفل چهار سرخ دارچینی یکماشه ریگماهی یکماشه
کوفته بیخته از جمله یکجزاک سازند و بالایش یک قدح شیر گاو بنوشند بعد چند گهری بجماع مشغول شوند فواید
عجائب رونماید و قدرے امساک نیز نماید اگر در وقت جماع چیزی سوزش در سینه محسوس شود شیر هر قدر که خواهند
بنوشند و هر بار که جماع سازند و عطش شود شیر نوشیده باشند و تمام شب چهارده بار نیز اگر بنوشند
هضم خواهد گردید و بیدار خواهد ماند و بجماع مشغول ماند سفوفیکه جهت امساک از مجربات ص تخم اسفند

قشر کوکنار یکدیگ یکماشه زعفران نیم ماشه لعاب اسپرزه خشک یکماشه کوفته بیخته از جمله یک خوراک سازند وقت
همراه شیر گاو بخورند و غذای نخورند اگر اشتها شود شیر هر قدر که خواهند بنوشند حرف الشین معجمه و
آن بر دو شربت و شش شیاف ست که مسمی بشربت خبث الحدید جهت سرعت
انزال و جریان منی و مذی از هر قسمی که باشد خصوصاً بعد استمنا بالید جریان یا ذوبان و عند انتشار
یا نزدیک شدن بعورت فوراً انزال گردد و یا آب رقیق شده برآید و موجب استرخای قضیب گردد
باستعمال آن فواید عجائب رو نماید ص خبث الحدید مدبر سه مثقال مازو بغیر اقماع گلسرخ سماق گلنار
کندر سعد کزبره صعتر یکدیگ ده مثقال شب یمانی زعفران یکدیگ سه مثقال کوفته بیخته در خریطه بسته در چهار
رطل آب انگور و یک رطل عفص جوشانده بربع رسانند پس خریطه را با پیچ پیچ بالیده افشرده باشند چند اگر
تمام اثر ادویه در مطبوخ درآید آنگاه با شکر تری دو وزن یا سه وزن بقوام شربت آرند و مدام سه
مثقال ازان با آب آمیخته بنوشانند شربت گندم یعنی رزوک که جهت تقویت باه و تولید منی
کمال بعمل ص گندم مصفی از خشت نموده مقرض نمایند ده من ازان با سه قوام حلبه ده من آب در ظرف
مسدود الدهن کرده بر آتش نرم مهرا نمایند پس بالیده پارچه صاف کرده همون لش عسل مصفی آمیخته
بمعه ادویه ذیل کوفته بیخته در همه گرده در آن انداخته بر آتش نرم بگذارند و بر لحظه مرا بالیده باشند تا قوت
ادویه در آن تمام درآید اگر عوض آن آب انگور شراب انگوری داخل کنند اقوی گردد قوام کرده در شیشه
اندازند ادویه این ست سنبل خولنجان قرنفل دارچینی یکدیگ یکدام زعفران نیم درم سوای زعفران جمله را نیمکوب
نموده در شربت مذکور بسته بعمل آرند شیاف که هر گاه پیش از جماع یک گهری در احلیل گذارند فربهی و تندی
چندان شود که بیقرار گردانند از معمولات حکیم ابوالفتح خان ست ص خراطین که از شکم ماهی نفی می برآید
در آب شسته دو ماشه دارچینی موصلی سفید یکدیگ یکماشه بازهره ماهی درم دار که بزرگ و سرخ رنگ باشد
سحق نموده شیاف ها باریک سازند و عند الحاجت یکعدد ازان در احلیل بگذارند شیاف که چون در احلیل گذارند
شدت امساک و تقویت باه بدرجه غایت نماید و در قوی مزاجان بعمل آرند و قبل از استعمال آن روغن بادام
قدری در احلیل چکانیده بدارند و بعد محسوس شدن سوزش برآرند و سرکه را در روغن بادام دهنات بدارند تا
مضرت نرساند الجماع در طبائع سخت بمنزله انجیات معظمی و تندی ذکر بخوبی آرد که شرح نتوان نمود کما قال
الارزانی ص مغز کنگجی سفید ریگ ماهی افیون مصری کافور بهیم سفید خراطین که بعض برآیده باشد یکدیگ
بالسویه باریک نموده با شیره مقطع سرشته حبوب بمقدار شعیر بسته دارند یک شیره ازان در احلیل گذارند چون
حرارت و سوزش قدری محسوس شود بجماع مشغول شوند و دیر نگذارند تا مضرت نکند شیاف که در فواید

مذکوره با شیر مذکوره ادغام نمایند صفت گنگچی سفید یکماشه راس ذباب پنجاه عدد قرنفل زرنب زنجبیل ... کوفته بیخته
با شراب یا آب فقط بشیاف سازند و در احلیل بگذارند و عند الانتشار بجماع مشغول شوند اگر جماع
میسر نشود و صبر ندارند بشیاف هرگاه در احلیل گذارند تا چهار پاس تندی و انتشار و امساک قایم ماند
از معمولات و مجربات میر صاحب موصوف صفت تخم جوز ماثل سفید هر دو دانه قرنفل سه عدد هر دو سائیده
با رس قند سیاه بشیافها سازند و بدستور در احلیل گذارند و جماع نمایند بشیاف که چون در احلیل
گذارند شدت انتشار و امساک و سطبری و مطولی و تندی اگرچه مجلوق یا پیر شده باشد از مجربات
کامله است صفت زهره ماهی بام خراطین که از دهن و یعنی بر آمده باشد زعفران خالص مکه بالسویه
در شراب دو آتشه قندی صلایه نموده بشیافها سازند با بایت نشود یک شبیره از ان در احلیل
گذارند و بعد گهری بجماع مشغول شوند تماشای عجیب نمایند بشیافیکه چون در احلیل گذارند موجب
شدت انتشار و امساک بدرجه غایت رساند اگر مجلوق سترخی القضیب شده باشد بفضل تعالی
قادر بر جماع بگرداند صفت راس ذباب که در شیر مرده باشند پنجاه عدد عین الدیک سفید سه عدد
بعد سحق بلیغ قرنفل را مثل برنج بکار تراشیده بان آغشته در احلیل بگذارند و اگر از شدت عمل عاجز
شود با آب سرد غسل نمایند و بعد فراغ علی الصباح شیره از زیره سفید و خیارین و بنفشه و شوره قلمی
و نبات کشیده بنوشند و غذا مرغن نمایند عمل یک روز قوت پنجاه دارد حرف الصاد و فی الصره
بر بسته صره صره اول که جهت رفع جلقی و سستی و کجی ذکر و سطبری و مطولی بود نماید صفت
خردل حرمل مالکنگنی گنجد سیاه مکلاسیت پنجماشه کوفته از جامه صره بسته در پنجیاه روغن کهنه که در کچی
انداخته گرم کرده باشند و گرما گرم بر قضیب و عانه و خصیتان تکمید سازند تا یکپاس هر روز بعمل آرند صره
دوم که جهت جلقی و کجی ذکر تمام مفید و برای سطبری و مطولی و تندی انتشار بنهایت مفید قوی التاثیر
دارد صفت ... تخم حرمل مالکنگنی گنجد سیاه یکدرم توله عقرقرحا ... قرنفل یکتوله شراب انگوری
یا قندی تند دو آتشه شیر ملیح یکدرم سه دام روغن خروع دو دام ادویه را کوفته بیخته با هم کرده
صره ها سازند و در میان دیگچه گلی شیر گاو یک آثار انداخته بر آن سر پوش که در آن چند سوراخ مانند
غربال بدور نموده بر آن صره ها بگذارند و حوالی ... را با آرد ماش مسدود سازند و بر آتش نرم



دقیقتیکه صره ها گرم شوند یکیک صره از آن صره های گرفته بر قضیب و عانه و خصیتان
تکمید سازند تا یکپاس کار بعمل آرند صورتش اینست صره سیوم که جهت
مجلوق و فلج الذکر اقوی التاثیر دارد صفت براده عاج دو درم مطر

حب‌الملکنی گنجد سیاه گنگچی سفید پپل دارچینی هر یک ماشه لونگ قرنفل جوزبویه عاقرقرحا کبابه هر یک کوبیش سپند
تخم جوز ماثل سفید هر یک دو ماشه کوفته باهم آمیخته با شراب قندی سه دام شیر میش و دو دام بیامیزند و در هره
دو دام از آن در پارچه باریک بسته بدستور مسطور در دیگ یکدو آثار شیر میش انداخته بر آن بنهاده
همان طور بعمل آرند همین صبح هفته تا هفته بکار برند لیکن شیر میش و شراب جدید انداخته باشند حرف
الصاد متضمن بر هفتده اضمده ضماد اول جهت جلق زده و سست شده بکار آید صبر
اذراقی وغیره برگ یاسمین هر یک دو جزو جوزالقی زرنیخ سرخ هر یک یکجزو روغن گنجد و نیم جزو در صلایه
تا دو نیم پاس سحق بلیغ نموده بر قضیب ضماد سازند و بر آن برگ ارنڈ بستند ضماد دوم جهت تقویت قضیب
و سستی و ضعف آن از مجربات ص دود المطر خراطین عاقرقرحا دارچینی قرنفل هر یک بالسویه یکجزو و شیر میش دو جزو
جزو ع هر یک سه جزو در صلایه سه پاس سحق بلیغ نموده بعمل آرند ضماد سیوم جهت کجی و جلوق و سستی
آن از مجربات ص دود المطر خراطین تنکار دهنه متر حین الدیک سفید شیر عشر هر یک شش دام روغن گنجد نیم دام
یکروز صلایه نموده بعمل آرند ضماد چهارم جهت جلوق و مفلوج الذکر بسیار مفید و شریف التاثیر دارد صبر
پیاز نرگس عاقرقرحا هر یک دو توله سیماب شش ماشه زهره گاو نر جوان شش ماشه شیر میش پانزده توله اول عاقرقرحا را بعد
سحق بلیغ جامه بیز نموده همراه پیاز مذکور صلایه نموده سیماب زهره مذکور انداخته چندان در صلایه بسایند
که شیر در آن جذب گردد پس حبوب کلان بنادقها ساخته بدارند و عند الحاجت یکی از آن گرفته با شراب
دوآتشه یا قندی قدری سائیده بر پارچه ملوث کرده حشفه گذاشته بالای ذکر بپیچانند و برگ به
ریسمان خام بسته بگذارند و بعد از هشت پاس بتجدید عمل نمایند هر روز تا سه روز بلکه عشره بعمل آرند و
هنگام زفاف کشاده به آب گرم شسته دفاع نموده باشند ضماد پنجم جهت جلق و مفلوج القضیب
و معوج الذکر را مخصوص و شدید التاثیر و سریع العمل است از مجربات کامله ص کندش چینی چوک یکدام با شراب
برانڈی یا قندی دوآتشه یکروز صلایه نموده حبوب بنادقی سازند و نگهدارند و عند الحاجت قدرے
با شراب سائیده بر قضیب ضماد سازند و بالایش برگ توز یا ارنڈ بستند هر ۳ روز بعمل آرند و باشد
که متقرح شده زرد آب از آن جاری خواهد شد و در بعضے طبائع زرد آب چندان جاری میشود
که تعجب میگردد و بعد اندمال تندی و سختی قضیب گرداند ضماد ششم جهت جلق و کجی
و سستی ذکر اگرچه عنین غیر مادرزاد بود قوی النفع و سریع العمل است ص کندش یک توله کاپهل پیپل
چهل عاقرقرحا دارچینی قرنفل دود المطر هر یک شش ماشه بیش ملاهنه بیش لبنی هر یک سه ماشه شیر میش شراب
قندی ترکرده بالمناصفه چندانکه دو روز در آن صلایه نموده شود بعد سحق بلیغ حبوب

بنادقه سازند و عند الحاجت قدرے ازان با شراب تند سائیده بر قضیب ضماد سازند و بالائیش
برگ ارنڈ بہ بندند و بعد از چہار پاس بکشایند و بآب گرم بشویند ہکذا ہفتہ بعمل آرند ضماد ہفتم
مجلوق مایوس العلاج را اگر بعمل آرند قابل وقاع گردانند و ملذذ طرفین فی منزل النساء و مبطی الانزال
مرد گردد ص مستی عوک بوزن چار سرخ سمندر پھل بکجاشنہ موصلی سیاه عروس الارض یکد سرخ موصلی سفید
د سرخ تخم چاندنی یکعدد و جدوار ابار یک ساختہ با پوست بیخ کنیر سفید کہ در آب حل کرده باشند با نند
لعاب بہدانہ بکشند و ادویہ مسحوقہ مذکوره در لعاب مذکوره ہر قدر کہ خمیر دران توان ہر شربت
شربتہ حبوب بنادقہ سازند و عند الحاجت قدرے ازان بآب یا شراب سائیده حشفہ گذاشتہ
ضماد نمایند و بالائیش برگ ارنڈ یا پان بہ بندند و بعد چہار گھڑی بیول خود شستہ بجماع مشغول شود
ہکذا چند روز بعمل آرند ضماد ہشتم جہت مجلوق و مسترخی القضیب و بتقویت باه تا شناعد یم المثال
نماید ص قرار جوز النشاط برنار ہنجک تشو شیر اصل طرخون ریوند چینی کباب چینی دارچینی چوب
چینی در وی کنیر حمار تہ نشین غلیظ و معند بود ہر واحد یکتولہ الاسباب سہ تولہ بعد تحیق بلیغ ادویہ
نگہدارند الاسباب و کنیر حمار مذکوره در صلایہ یکپاس سائیده باہم لسبانید چہار گھڑی دیگر پس بر قضیب
ضماد سازند و برگ ارنڈ بروبہ بندند و حرکت نکنند و طریق اخذ در وی کنیر حمار آنست کہ انزا در ظرف
گذاشتہ بعد چندے صاف طافی آنرا بتدریج ریختہ تہ نشین غلیظ القوام را گرفتہ بکار برند ضماد نہم
جہت جلقی و سطری و مطولی ذکر از مجربات ص خر بیل ناگوری قشر بار کشائی سر شف سفید یکد
بالسویہ کوفتہ بیختہ با شراب تند یکروز صلایہ نموده حبوب کلان سازند و عند الحاجت با شراب بر
قضیب ضماد سازند و برگ ارنڈ بہ بندند ضماد دہم جہت جلق زده و سست شده را
از مجربات ص پیاز نرگس بیست عدد دارچینی سیلانی پنجتولہ عقر قرحا شش تولہ میونج ده تولہ ہر دو
بہ بجعد با آب پیاز جنگلی دو روز صلایہ نموده حبوب بنادقی سازند و نگہدارند و عند الحاجت قدرے
با شراب سائیده بر قضیب ضماد سازند و برگ ارنڈ یا کبیر الاشجار بہ بندند تا بیست روز بعمل آرند
ضماد یازدہم جہت جلق زده و سست شده از مجربات ص جیرک گوش گاو میش دو ماشہ قرنفل
تزدو عدد زنجبیل سنوا کرنی ریشہ بوده حبہ در پیالہ کانسی یار و غن گاو یا گنجد یا جزدع یا مالکنگنی خوب
بالیند و قدری سوای حشفہ بر قضیب بمالند و برگ ارنڈ بہ بندند تا ہفتہ بعمل آرند ضماد دوازدہم
جہت سستی و جلقی و کجی مخصوص و برائے تصلب دندی بآن عدیم المثال دار مجربات و کنوز
اسرار صدیہ است ص بیخ زقوم خار دار قشر بیخ عشر قشر بیخ دفلی سفید پوست دفلے

تخم خربزه پوست کبیر الاشجار بیخ تالمکهانه اگر بهر سه بیخ اونٹ کٹاره هر یک یک ام حو کوفته نموده و درشیر گاو
ستّه آثار جوشانیده چیزات به بندند و مسکه برآرند بعد ازین بلبیت وبعده کرم سیاه که بر روی آب ایستاده
می کنند کرم باک تیز ما بندروسی عدد و کرم سرخ در مسکه انداخته صلایه سازند انگاه در ظرف چینی
یا شیشه کرده کالمحکمت نموده بقدر نیم گز عمیق حفره کنند با گزچین همه از سرگین اسپ پر کرده ظرف
بان کوره نهاده باقی حفره را با سرگین پر سازند و هفته بگذارند بعد وقت حاجت بقدر یک حبه
یا کم بیش بر قضیب ضماد سازند و برگ پان به بندند تا بلبیت روز بعمل آرند ضماد سیزدهم جهت تقویت
باه و قضیب مخلوق را تمام مفید ص یک تولہ تخم حنظل او درسه تولہ شیرج در ظرف آهنی بر آتش نرم بسوزانند
و پارچه صاف کرده تخم حنظل بازه دیگر نصف آن بیش بدهند هم آن کرسفلون مثل آن [illegible] ما المعطر ها بعده
وران روغن مذکور انداخته چندان حل کنند که مانند مرهم گردد بر قضیب ضماد سازند و برگ ارنڈ به بندند
ضماد چهاردهم مقوی قضیب منعظ شدید و [illegible] مجلوق عدیم المثال است ص عنبر اشهب
یک ماشه با جیوق دو ماشه محلول نموده دلت تقریب بر ذکر ضماد نمایند و بعد یک پاس زفات سازند و از شدت
نعوظ کثرت وقاع مانده شود ضماد پانزدهم مقوی ذکر و رافع سستی حلق و کجی ذکر تمام مفید ص
دار فلفل قسط اسکندرکه بالسویه با شراب سائیده بر قضیب ضماد سازند و بعضی با شهد مخلوط کرده ضماد نمایند
ضماد شانزدهم جهت سستی و کجی ذکر تمام مفید آید ص حرمل مغز قسط خردل کندش هر یک بالسویه
کوفته بیخته با شراب و روغن یاسمین بکرور صلایه نموده بدارند وقدری بر قضیب ضماد نمایند و برگ
ارنڈ به بندند ضماد هفدهم جهت شدت نعوظ که مانند عمود مدام گرداند اگرچه مجلوق هزمت بود ص
خون کنجشک نر را با [illegible] مدن بنادق ساخته بدارند و عند الحاجت یکی ازان همراه شهد سائیده بر
قضیب ضماد نمایند فاحفظ حرف الطاء و هم مشتمل بر دوازده طلا طلا اول جهت حلق زده
دست شده اگرچه عنی شده باشد کمال موثر و برای [illegible] مطلوب تهذیب عجیب ص فلفل صحرائی [illegible]
کلان بیچ سرطان هر یک یک عدد زلوشش عدد دو دو مغز تخم الارض بلبیت [illegible] کهنگی سفید تخم اسپند تخم خربزه
پوست بیخ کبیر سفید یک شش درم مغز تخم کنجشک مرغابی بلبیت و بعده حیوانات ذبیحه کرده ادویه کوفته
بیخته با هم آمیخته در شیشه [illegible] برآرند طلاء [illegible] چون بلبیت روز
بعمل آرند کجی و سستی و علت [illegible] رفع گرداند از مجربات ص حب سفید قسط [illegible] سفید بیخ سرخس که بهندی
[illegible] نامند [illegible] بالسویه کوفته بیخته با شراب [illegible] نموده [illegible] بدارند
عند الحاجت قدری با شهد سائیده بر قضیب بمالند و برگ ارنڈ به بندند طلای سوم که جهت مجلوق

ومعوج الذکر ومفلوج القضیب را اگرچه عنین شده باشد بفضله تعالی بر گرداند ص زنجفر زرنیخ کنجد سیاه بکند بالبنو
باشراب برانڈی یا قندی تند صلایه کرده بر قضیب بمالند و به برگ رند به بندند طلائی چهارم جهت علاج نعوظ
که بر یک کار قادر نشود به گرداند و مقوی عروق و رافع کجی ذکر ص مالکنگنی نوشده یکپاؤ پخته تخم کتیرا سفید
پنجدام پخته کنگچی سفید اندرجو تلخ غوک سیاه دود المطر که یکدام پخته پیپلی پیپلا مول بلدیه نمک سفید و زرد
بکند پنجدام پخته جوزبوا بسباسه قرنفل هر واحد یکدام پخته شیر شیرین یکپاؤ پخته همه ادویه را سوای جوزبوا و قرنفل
دود المطر دیگ کبیر وقت شام بعد جوش دادن در شیر مذکوره خیسانیده علی الصباح جز مذکوره یعنی جوزبوا و
بسباسه وغیره را خوب باریک سائیده آمیخته در شیشه آتشی انداخته بدستور معکوس روغن بچکاند
و بر قضیب بمالند و تا سه هفته بعمل آرند و در حین استعمال این استعمال سفوف هذا مدام با شیرگاو نمایند
تعلب بسلیخه موچرس بکند برابر کوفته بیخته یکدام با شیرگاو خورانیده باشند و از ترشی و جماع پرهیز دارد
طلای پنجم مجلوق الذکر ومعوج القضیب را از مجربات است ص سنبلتین یعنی زرد و سفید بکند
آنباشه زنجفر فرام علم طبقی زرد و سرخ بکند شانه درمیخ هین الادویه یکپاؤ تر کرده سه شبانه روز صلایه نمایند و
بخشکانند و عندالحاجت قدری یک حصه از آن در مسکه گاؤ آمیخته بر ذکر بمالند و برگ ارند به بندند طلای ششم
جهت کجی ذکر مجلوق شریف التاثیر دارد ص روغن سوسن روغن نرگس بیلطبه بیرج مغز ساق گاؤ مغز
ساق گوزن موم زرد را هیچ باهم آمیخته مالیده برگ ارند یا پان به بندند و تا سه هفته بعمل آرند طلای هفتم
جهت مجلوق مخصوص خاصه برای کسی که از جماع عاجز باشد کمال موثر است ص فرفیون نیم درم مشک
خالص یکدانگ و نیم عقرقرحا یکدرم کوفته بیخته با روغن خیری آشتی نموده بمالند و قدری از آن بر قضیب
بمالند و باشد که از شدت نعوظ حاجت باب سرد شوئیدن آید طلای هشتم مجلوق القضیب خاصه
کسی که از جماع کردن عاجز بود قادر گرداند ص فلفل سیاه جند بیدستر انگوزه بکند یکدام مغز بلیله دانه دودام
مشک خالص دو دانگ کوفته با روغن زنبق یا یاسمین آمیخته بر قضیب بمالند و برگ ارند به بندند
طلای نهم جهت مجلوق الذکر ومعوج القضیب را مفید است ص عقرقرحا چهار ماشه قرنفل چهار ماشه مغز دو عدد
شیر شیرین بکشار که خوب صلایه نموده بدستور استعمال نمایند بسیار مجرب یافته شده ایمروان شود طلای دهم
جهت مجلوق یعنی پایوس را بفضل الهی قادر گرداند ص عقرقرحا زعفران ناک کبیر بکند یکماشه روغن کنجد
چهار دام زرنیخ زرد و سرخ همه را باریک نموده بعده روغن مذکور صلایه تحقیق بلیغ نموده بمالند و بکار برند تا سه
هفته بعمل آرند طلای یازدهم جهت کجی مجلوق و تقویت آن القضیب و شدت نعوظ آرد ص افیون
مصری بکند سه جوزبوا یکمثقال و ربع عقرقرحا یک مثقال و نیم پیاز نرگس دو و نیم مثقال قنبر بیخ دارفلفل سفید نیم مثقال

کوفته بیخته بر حیق مقطر چهار عشر سا بجوشی سایند حبوب سازند وعند الحاجت با آب سایده بر قضیب بمالند و برگ ارنڈ به
بندند طلای دوازدهم جهت حلبقی و باریکی ذکر از مجربات ص جوز بوا بسباسه اشنه یکدرم چهار ماشه چرک
گوش آدمی یکدام چربی خصیهٔ خر نیم پاؤ همه را با شراب دو آتشه چندان بسایند که یکی بخته و در آن شراب بجذب
شود پس بکار برند طلای سیزدهم از مجربات میر ابوالفتح خان جهت تقویت و تغلیظ قضیب عجیب است
ص در میان زهره گاو میش نر سحیقه بیخ طرخون پر کرده زیر سایه بخشکانند و بقدر نخود از آن با آب دهن
سایند بر قضیب طلا کنند و برگ پان بران به بندند تا سه روز لغایت هفته از جماع پرهیز دارند طلای چهاردهم هم
از مجربات میر صاحب موصوف که در تقویت قضیب و سطبری از جمله اسرار خفیه است ص سر خر جوان در
حین لشافه بشمشیر تیز بریده مغزش برآورده با دو چندان روغن یاسمین بر آتش نرم بجوشانند که بکمال
سرخ گردد پس صاف نموده بشبا روزی پانزده بار با چوب ذکر بمالند هرچند که زیاده ازین تکرار نماید بهتر تا
شانزده روز استعمال سازند بعده پرهیز از جماع و ترشی و بادی واکثر اوقات صابر بر تشنگی باشند از شدت انتشار
چاره نسازند با برگ پان پیچیده بتار ریسمان حرکت نمایند حرف عین مهمله مرقسم بر دو معجون و شش
عرق و سه عطور و دو سیماب اما معجون اول یعنی خاگینه که از زردی بیضه میسازند جهت تقویت باه و
شدت انتشار محلوق فوائد کثیر دارد ص زرده بیضه مرغ و تخم کبوتر یکد بیست عدد پیاز [illegible] روغن گاو
و آب گندنه بخته سرخ نمایند بیست عدد خولنجان سه درم نمک سقنقور یکدانگ کوفته بیخته بدستور عمل نمایند
معجون دوم جهت تقویت باه و شدت انتشار قضیب محلوق قوی الاثر ص زردی بیضه مرغ ده عدد
زردی بیضه کنجشک تخم کبوتر هر یک بیست عدد و آرد میده گندم مجموعه را ممزوج بروغن گاو نیم برشت کرده نبات
سفید بیست درم دار چینی سه درم سوده بران بپاشند و بخورند اگر مزاج سرد بود بعوض آن نبات داخل کرده بخورند
اما عرق اول که از اعرق تریاق نیز نامند جهت جمیع امراض عصبانی خصوصا برای ضعف باه
و تقلب قضیب محلوق مجرب است که در سختی حدید گرداند و تقویت باه و امساک بحدی کند که عورت صبر
نتوان کرد و شدت منعوظ نماید فوائد زوائد از تحریر است ص صندل سرخ و سفید تخم خیارین تخم کاسنی
منڈی بوٹی تخم کاهو بادیان مویز منقی مغز بادام یکدیم پاؤ خارخسک یکپاؤ پوست ترنج پوست نارنج
تخم خربوزه بیخ بادیان سعد کوفی اصل السوس الائچی کلان دارچینی قرنفل یکدو دام طباشیر زرنباد تنبول ناغ خشک
یکدیکدام تخم خرفه صعتر گل دهاوه یکدیه دام هلیله بلیله چهار دام گل سداگلاب نیم سیر گل سرخ که کهنه نباشد دو نیم سیر
کشمش عمده دو نیم آثار کشنیز خشک پانزده دام اسارون نیم دام قشر مغیلان برابر جمله ادویه مشک خالص یکماشه عنبر اشهب دو ماشه
زعفران سه ماشه قند سفید بمضغه تشتم چهار از تمام ادویه گوشت حلوان ده نیم سیر گنجشک نر خانگی چهل عدد کبوتر ده عدد

بپزند زعفران نیم دام عود غرقی دو دام از نصف ادویه دو آتشه کشیده و نصف دیگر را دوباره نمایند و ادویه حصه هذا
نمایند زعفران و مشک و عطر بهار در پنجه انداخته عرقش بچکانند و در شیشه انداخته مسدود الدهن تا ششماهه بگذارند
اقلاً چهل روز در زمین مدفون سازند من بعد برآورده نگهدارند هرگاه خواهند که اشتها بسیار آرد زردک و خرما و سنجد
و آب نیلشکر یکدو دوازده آثار در خم اندازند و همراه گوشت مرغ یا کبوتر یا بره یا غیر منا جوزبویه و کبابه و دانه هیل
و مصطگی و عود خام و سعد کوفی و سنبل نیز اضافه نمایند و دو آتشه برآرند در فوائد قوی و اسرع التاثیر
خواهد گردید عرق دوم که آنرا عرق النشاط نیز نامند و ممسک و مقوی جهت سستی اعصاب و قضیب مخلوق
و تقویت باه و امساک و جریان دوام و نسوان خاصه برای کسی که بعد جلق جریان منی او بسیار بود و خشکی
دماغ و رفع احتشام مخصوص است از مخترعات و معمولات حضرت عموی صاحب حکیم محمد بخش مرحوم ست و
کرات و مرات بتجربه راقم آثم عفی عنه در آمده فاحفظ ص هلیله سیاه کشنیز سلیخه سنگهاره تال مکهانه سلیمانا
خارخسک تخم پیاز تخم گندنا یکدیاو آثار چهپلی مغز بنبه دانه روغن گاو پوست مرتعش پوست پیستان یکدنیم سیر
قسط آثار تخم لحیة التیس تخم شلغم تخم ترب زنجبیل خولنجان یکدنیم یاو (درخت پیپل) قند سیاه و شیر میش و شیر گاو یکدو چهار
آثار حلوان چهار پاره یکراس عرقش بدستور بعد تعفین برآرند و ادویه حصه ابینت قرنفل جوزبویه زیره سیاه
قاقلین صندلین دم الاخوین یکدیکتوله دارچینی عقد سیماب که همراه براده فضه نموده باشند یکدو توله
زعفران ششماشه بعد جرش در پارچه باریک صره نموده در بهبکه اندازند و سه آثار بخته عرقش بچکانند شربتش
از دو دام تا سه دام با نبات شیرین کرده وقت عشا و صباح نوشیده باشند عرق سیوم که آنرا عرق
گل سنبل نیز نامند جهت تقویت باه و امساک و رفع سستی اعصاب و قضیب و شدت انتشار کمال مفید
و مشتهی بتمام است ص گل سنبل در سایه خشک کرده با هموزن گلسرخ و هم القدر گل هندی و هموزن گل
چنبیلی با هم کرده مثل گلاب عرقش بچکانند و بکار برند عرق چهارم که آنرا عرق بیخ سنبل نیز می نامند
جهت تقویت باه و امساک فایده شدید دارد حتی که اگر پنجدام ازان دام بنوشانند حمل زن را خوشنود کنند
و برای رفع احتشام و سستی اعصاب و قضیب بلیغ التاثیر دارد ص بیخ درخت سنبل ده آثار گل بید انجیر
تخم کوبج تخم ترب تخم گندنا تخم حلبه تخم کرفس یکدو دام دالان بزرگ و خورد یکدو دو دام جمله را نیمکوب نموده یکشبانه روز
خیسانیده عرقش به آتش نرم مقطر نمایند و در شیشه بدارند و عند الحاجت پنج دام ازان بنوشانند عرق
پنجم که آنرا عرق خوش کیف نیز می نامند از تجویزات و مخترعات عمو صاحب حکیم محمد بخش مرحوم است
و کرات و مرات بتجربه راقم آثم عفی عنه در آمده که در رسکار و امساک جدی دارد و مهیج است که جنه ندارد و برای
تقویت باه و رفع سستی اعصاب و قضیب خاصه برای احتشام عجیب التاثیر دارد فاحفظ ص قند سیاه چهار آثار

درق ابریشم خام یک سیر قشر خشخاش نیم آثار تخم سید الاشجار تخم خرما هیله قرط خشک گلنار مغز بلیله قرنفل هر یک پنچ تولہ تخم
جوز ماثل سفید تخم حرمل بیخ برنج تخم پیاز یک دو توله نخود سیاه یک سیر جمله را در سبوچ انداخته دوازده آثار آب اندازند
و دهن شیشه یعنی کمس سفید یا سرگین گوسفند مدفون سازند تا تعفن گردد و بر سه روز یک شود آنگاه پھیلی و بہنگرا
دمجلوس آکاس عسل الصج کبیر الاشجار بلیله بابله آمله بلیله سیاه کنجد هر یک پنچ تولہ گاوزبان گلسرخ الاچی کلان صندل
سفید دار چینی خولنجان هر یک سه توله بعده جوش انداخته صباح یک آثار گوشت بزغاله دریکپا و روغن گاو بان
منوده [illegible] آثار شیر گاو انداخته بدستور عرق [illegible] واد و به صبر [illegible] بچکه اندازند [illegible] جوز بویه قرنفل بسباسه [illegible] سنبل زعفران
هر یک ماشه در پارچه باریک پوٹلی بسته دران اندازند دو آثار بچنه عرق [illegible] بر آتش نرم بر آرند خوراک سه توله
تا پنچ توله همراه چار توله نبات شیرین کرده بنوشند عرق ششم که از عرقهای اللحم نشاط افزا نامند از
تجویزات و مجربات حضرت قبله گاهی ام میر محمد مرحوم که برای نواب [illegible] نواب بهادر لخان کلان مرحوم تجویز نموده
بودند جهت تقویت باه و امساک و سستی اعصاب و شدت انتشار و سرعت رفع خیالات توحشی خاصیت برای احتشام
کمال مینه و سریع التاثیر دارد [illegible] نبات اسود دوازده آثار قشر مغیلان یک نیم سیر قشر [illegible] قشر پستان یک نیم سیر
آب نخود شش آثار پوست ترپھلا یک نیم سیر کشنیز بلیله سیاه قرنفل پوست انار بلیجه سنگھاره تال مکھانه میلیارا
کمرکچ پاو [illegible] بہنگرا پھیلی مغز بلیله انه تخم سید الاشجار تخم شلغم تخم گندم تخم ترب تخم پیاز زنجبیل خولنجان دار چینی
ستاهره یک نیم پاو تخم گاوزبان کشنیز گیلانی گلسرخ یک نیم پاو تخم قرطم اسطوخودوس تخم بالنگو یک نیم پاو شیر گاو دو آثار
شیر میش چهار آثار روغن زرد یک نیم سیر حلوان سیاه [illegible] بدستور بعد تعفن عرق [illegible] بعد سه آثار بچکه
بچکانند واد و به صبر [illegible] بیکه اندازند [illegible] قرنفل جوز بویه بسباسه صندل [illegible] دار چینی قاقله [illegible] سیاه
یک [illegible] شیاف [illegible] بیجاده [illegible] یک توله زعفران نه ماشه خوراک از سه توله تا پنچ توله همراه
نبات شیرین کرده بنوشانند **ماء عطر اول** که از اعطر دار چینی نامند جهت تقویت باه و رفع سستی
اعصاب و تقنیب [illegible] الذکر و معوج الآلت را شدید التاثیر دارد هم خورند و هم طلا نمایند مجربات
[illegible] دار چینی قلمی [illegible] یک سیر [illegible] قندی [illegible] چهار سیر گلاب قسم اول دو سیر بعد جوش
سه شبانه روز خیسانیده اگر حاجت افتد عرق آب دیگر انداخته بدستور در قرع انبیق شیشه بر آتش نرم
تقطیر نمایند و آن متقطره را در طشت چینی [illegible] فراخ دهن انداخته تمام شب بگذارند و علی الصباح از بالا ایش
با کفدست عطر [illegible] جدا نمایند [illegible] عرق موصوف باشد تمامی با کفدست [illegible]
بر آرند و [illegible] شیشه نگهدارند و عند الحاجت یک [illegible] همراه [illegible] انداخته بخورانند و بقدر یک [illegible]
از آن همراه [illegible] بر تقنیب بمالند و بر آن برگ [illegible] بندند تا چند روز عمل نمایند

عطر دوم که آنرا عطر قرنفل مرکب هم نامند جهت تقویت باه و امساک خصوصاً برای رفع سستی
قضیب مخلوق و معوج الذکر را تمام مفید و جهت انتشار شریف التاثیر دارو ص قرنفل کلان نو عدد
یکسیر جوز بوا دارچینی هر یکپاو بعد جو کوب در چهار سیر رحیق و نیم سیر عرق بیخ اذخر و دو سیر گلاب شبانروز
خیسانیده بعد در قرع انبیق بچکانند و در ظرف مسین مرصص گذاشته شب بگذارند صباح از بالای آن
با کفدست عطر برآرند و در شیشه نگاه دارند و عند الحاجت بقدر یک حبه از آن همراه سه توله رحیق دو آتشه
و سه توله نبات شیرین کرده بنوشند و بقدر یک حبه از آن همراه سه توله رحیق دو آتشه با مسکه آمیخته بر قضیب
بمالند و بالای آن برگ ارند به بندند تا هفته بعمل آرند عطر سیوم که آنرا عطر مرکب نامند جهت تقویت باه
و امساک خصوصاً برای انتشار و سستی قضیب مخلوق مایوس العلاج اعجب الخواص و از مخترعات
محمود راقم آثم عفی عنه ص دارچینی قلمی شش قرنفل نو کلان جوز بوا بسباسه تخم خردل تخم جوز مائل سفید عود قرح
بیخ اذخر تازه بر آورده هر یکپاو پخته مغز پنبه دانه مغز چلغوزه مغز پسته مغز بادام بذر البنج سفید هر یک نیم پاو
بعد جو کوب در آب شبانروز خیسانیده وقت چکانیدن رحیق دو آتشه چهار سیر انداخته بر آتش نرم بچکانند
و در ظرف کلان پهن مرصص دهن انداخته شب بگذارند و صباح با کفدست عطر برآرند و کفدست را
بر کناره خام کاشی یا چینی مصفی کرده باشند و آنگاه از جام مقطر کرده برآرند و هرچه رطوبت عرق زیر آن
باشد جدا سازند و عطر را در شیشه نگه دارند و عند الحاجت بقدر یک حبه از آن همراه سه توله گلاب و عرق
گاوزبان آمیخته با سه توله نبات شیرین کرده بنوشند و یک حبه از آن در میان تیاشه با مسکه آمیخته بر قضیب
بمالند تا هفته بعمل آرند و تصویر قرع انبیق و طشت کلان و شیشه این است

اما عقد اول سیماب که جهت تقویت باه و امساک و رفع سستی مخلوق مایوس شریف التاثیر
دارو ص سیماب پنج توله برادهٔ فضه دو نیم توله بیخ هر یک در هاون یکجا شده با شراب دو آتشه
یکروز کامل سحق بلیغ نموده قلع البسته در شیره نبات جوز مائل سفید در پارچه سفید بسته یک روز مطبوخ نمایند
در نگه دارند و عند الحاجت قدری از آن در روغن بالنگی یا تخم خردل سائیده بر قضیب مالند و بر آن برگ پان
به بندند و نیز آنرا در پارچه بسته در میان یک سیر گاو میش ... نموده ... ساخته یا نبات ...

گرده بنوشند بکذا اربعین یوم و عمل بعمل آرند عقد سیماب دوم که جهت تقویت باه و امساک و انعاظ قوی التاثیر وارد
و برای رفع سستی قضیب مجلوق شدید التاثیر و شریف التاثیر و شدید العمل وارد ص سیماب چهار توله
براده فضه دو توله رام پتری یکتوله جوزبویه قرنفل دارچینی عقرقرحا ملک نشاسته بیست تلیه بیست و بهودیه یکدسته ماشه
چهار ماشه پارچه دو آتشه و یکپاس با عطر قرنفل مرکبه مذکوره سایئده غلوله بسته در پارچه دوخته در میان
شیره جوز ماثل معلق نموده مطبوخ نمایند و بعد دو پاس برآرند و نگهدارند و عند الحاجت قدری از ان همراه
شراب براندی یا قندی تند سایئده بر قضیب بمالند و برگ پان یا ارنڈ به بندند و نیز از او یکسیر شیر
گاو معلق نموده مقلی نمایند تا یکپاس من بعده با نبات شیرین کرده بنوشند بکذا تا اربعین بعمل آرند
فوائد عجائب رو نماید فاحفظ فانه من الاسرار المخترقات والمعمولات الراقم الاثم عفی عنه اگر عقد سیماب
و کشته دیگر خواهند در عطر مجموعه مخزن الاکسیر مفصلاً تحریر نموده ام فانظر الیه حرف الغین معجون مجرب است بر
سه غذا و سه عرق و دو غسول اما غذای اول غذائے دوائے است که جهت تقویت
باه و شدت انتشار و تولید منی و تلذذ آن فوائد عجائب مشاهده نماید فاحفظ فانه من
الاسرار المخفی ص آرد حمص محمص سه توله یا پنجتوله حسب برداشت مزاج مرآب کوکنار منقوعه بقدر
طاقت یکعدد تا سه عدد و روغن زرد پنجتوله و قیماق نیم پاو پخته و نبات پنجتوله کوفته آمیخته شیر گرم نموده
وقت عصر بنوشانند بکذا چند روز بعمل آرند در همان شب تماشا امساک و انتشار و التذاذ طرفین رو نماید غذائے
دوم جهت تقویت باه و امساک و انتشار فوائد فوق وارد ص آرد حمص محمص پنجتوله زردی بیضه مرغ چهار عدد
روغن گاو چهار توله آب منقوعه کوکنار یکعدد تا سه عدد و نبات شش توله شیر میش نیم پاو قیماق پنجتوله باهم کرده در
پتیله مقلی نمایند و با کفچه گردانیده باشند چندانکه مانند حریره گردد فرود آورده بنوشانند تماشا نمایند غذای سیوم
جهت تقویت باه و امساک و شدت انتشار و رفع سستی قضیب مجلوق فوائد دارد ص زردی بیضه مرغ
تخم کبوتر تخم گنجشک بیضه طاؤس یکدسته عدد و قیماق شیر بیش شیر گاو یکدیلیا پاؤ شراب قندی تند سه توله نبات
نیم پاؤ آرد حمص محمص چار توله آب کوکنار منقوعه یکعدد جمله را در پتیله مع یکپاؤ روغن زرد انداخته بر آتش نرم مانند
حریره بپزند و شیر گرم وقت عصر بنوشند و غذا در ان شب نخورند و اگر اشتها شود شیر گاو بنوشند و وقت شب
مشغول بجماع شوند عجائب تماشا نماید فاحفظ فانه من المخترعات والمعمولات الراقم الاثم عفی عنه عرق اول
که جهت مجلوق مخصوص و برائ سطری و مطولی قضیب مفید ص شیره نبات مقطع بمعه بیخ و برگ
و ثمر شیره اصل و فلی مفید روغن مالکنگنی روغن جسرل روغن حرز الحمام معمولی یکدیک پاؤ روغن
حرمع و سیرج یکدینیم پاؤ جمله را باهم کرده در میان نے بالش بدستوری که در عرق مذکور شد

قضیب را دران داشته دارند تا چهار پاس همچنین هفته تعمیل آرند عرق دوم که برای استمنا
بالید و مخصوصه مردان و نسوان از مخترعات و معمولات راقم اثم عفی عنه ص شیره تخم اوتنگن
کتاره و شیره تخم کنیر شیر شتر تخم ها سوختنه شراب قندی شیر میش و تخم مغز پنبه دانه روغن مالکنگنی
یکدیکیا و خراطین دکر هر یک دو دو المطر یکدسه توله جمله حیوانات را در صلایه همراه یکی از نباتات
مذکوره و سحیق بلیغ نموده با جمله مخول سازند و بدستور موصوف در ظرفیکه با نبق انداخته ذکر را دران بیاندازند
اگر برای مخصوصه باشد درمیان ظرفیکه پهن و کلان بود دران انداخته زن را دران نشانند چندانکه
تا ناف دران نباتات عرق شود تا یکپاس نشانده باشند همچنین هفته عشره عرق سوم که جهت مخصوصه
و استمنا بالید مردان و نسوان مخصوص و از جمله مخترعات راقم اثم عفی عنه ص شیر میش شیر گاو روغن حنیخ
روغن خره الحمام معمولی روغن مغز پنبه دانه روغن بادام منفسه روغن جرل یکدیکیا و پخته عطر دارچینی
عطر قرنفل مرکب عطر اذخر یکدشه ماشه دو دو المطر خراطین پنج تولکه بعد ذکر خرچپانیده گرفته باشد کرمهایکه
بر سر آب تناوری می کنند یکدسه توله چیزها را در یکیا و پخته شراب در صلایه مخول و سحیق نموده باهم کرده
بدستور قضیب را تعریق نمایند و اگر زن باشد در ظرف کلان انداخته دران بنشانند چندانکه تا ناف
زن دران عرق شود تا یکپاس دران نشانده باشند همچنین هر روز تعمیل آرند اما غسول اول که رگهای قضیب
مجلوق را بآن بشویند جهت رفع سستی قضیب کجی آن بسیار مفید و سبطری و مطولی گرداند ص تخم
شبت تخم بابونه گل بابونه یکدسه توله بذر البنج جوز بویه قسط نقل دارچین خطر یکدسه ماشه شیر میش شراب
قندی تند یکدیکیا و پخته آب قراح دو سیر پخته ادویها را کوفته بیخته در صره پارچه باریک بسته در دیگچه
کلان بسدود الدهن تا یکپاس بر آتش نرم بجوشانند من بعده صره را بادست بالیده دران
تکرار افشرند چندانکه تمام تاثیر خواص ادویه دران در آید پس نیمپا روغن خروع انداخته شیر گرم نموده
قضیب را بآن غسل نمایند و باهستگی مالیده باشند تا یکپاس ذکر را دران داشته باشند من بعده بصحافت
هوا با برگ ارند بندند و همین آب انگذارند و بعد از هشت پاس باز همین طور تغسیل نمایند همچنین هفته تعمیل
آرند لیکن هر سه روز تجدید ادویه نموده باشند غسول دوم جهت تقویت باه خصوصاً برای رفع سستی
قضیب مجلوق کمال مفید و سریع التاثیر دارد ص تخم اوتنگن پوست تخم کنیر سفید یکدیکیا و پخته عقرقرحا
دارچینی قرنفل خولنجان یکدسه توله بهمن سفید بهمن سیاه یکدسه ماشه شراب قندی تند شیر میش شیر
گاو روغن گنجد یکدنیمپا و روغن مالکنگنی روغن جرل یکدسه توله آب قراح دو سیر جمله را بعد هر دو
در دیگچه کلان بسدود الدهن یکپاس بر آتش نرم [illegible] نمایند من بعد دران [illegible] انداخته قضیب

بتدریج بریزند و باهستگی بمالند تا یکپاس قضیب را بغسل نمایند چندانکه محمر گردد آنگاه برگ ارند بر آن به بندند
بلکه هر روز تجدید ادویه سازند تا عشره بعمل آرند حرف الفا منقسم بر دو فالوده اما فالوده
اول بیضوی که جهت تقویت باه و شدت انتشار و رفع سستی مجلوق القضیب غذائی عجیب التاثیر
و شریف العمل از جمله مخترعات و معمولات راقم اثم عفی عنه ص زردی بیضه مرغ پنجعدد و نشاسته یکتوله محلول در
شیر میش یکپاو پخته کرده باشند شیر گاو یکنیم پاو پخته شرب قندی تند یا آب انگور پنجتوله روغن گاو
نیم پاو عنبر خام دارچینی قرنفل جوزبویه ثعلب خولنجان یکیک ماشه ادویه را کوفته بیخته در صلابه با شراب
یا آب انگور مذکوره چندان بسایند که در ان محلول و منحل گردد پس همراه شیر گاو و میش مذکورین در پارچه
سته بر آورده بعد روغن مذکوره در پتیله انداخته بر آتش نرم بقوام فالوده آرند و در حین قوام نبات
نیم پاو پخته انداخته تیار سازند و در ظرف فراخ دهن اندازند تا منجمد گردد برآورده با کارد قطعه قطعه خورد
ساخته همراه شیر و نبات شیرین کرده انداخته با چمچه تمام را وقت عصر با شرب بخورند و غذائی دیگر وقت شب
بخورند اگر اشتها شود و غیر شستند تا عشره بعمل آرند فالوده بیضیه دوم جهت تقویت باه و تولید منی و تغلیظ
آن و رفع سستی مجلوق القضیب شدت انتشار خوبی التاثیر از فوق دارد فاحفظ فانه من المخترعات
والمعمولات و اسرار المخفی راقم اثم عفی عنه ص زردی بیضه مرغ پنج عدد بیضه طاؤس چهار عدد جمق
و قیماق و شیر میش یکد نیم پاو و شیر گاو یکپاو و نشاسته آرد حمص مقشر یکد یکتوله ثعلب شقاقل دار چینی
خولنجان عنبر قرنفل زعفران یکد نیم ماشه جمله ادویه را کوفته بیخته باقی مذکوره بعد قدری از مائیات
مذکوره باد تا چوبی مالیده و از پارچه کنده اینده با نیم پاو پخته روغن مغز پنبه دانه در پتیله انداخته اولا
زردی بیضه مرغ و طاؤس انداخته با چمچه چندان با هم بکنند که یکذات شوند آنگاه بر آتش نرم نهاده
بقوام حریره آرند و در ظرف چینی پهن انداخته بمقام سرد بگذارند تا منجمد گردد با کارد تراشیده
مانند نخود خورد خورد ساخته همراه شربت نبات یا شیر شیرین کرده با چمچه بخورند نهایت لذیذ و فوائد کثیر
رو نماید اگر در وقت انداختن در ظرف چینی در غربال برنجی یا آهنی مصفی اندازند و در زیر ظرف پر از شربت
نبات سرد بنهند تا در آن مانند اطریه شده درآیند بخورند از آن الذ خواهد بود و مسمی با طریه بیضیه می گردد
گاهی بعد قوام ادویه ممزوجه را در غربال سرکشاده ریخته با دست بمالند و زیر آن شربت نبات مغلظ در
ظرف فراخ دهن انداخته بر آتش متصل نمایند تا اطریه شده مانند زلالی در ان خواهند افتاد و پخته خواهند
شد نهایت لذیذ و دلپذیر خواهند گردید فاحفظ حرف القاف منضبط بر یک قرص و یک
قطور اما قرص قضیبه که جهت تقویت باه و شدت انتشار و امساک شدید التاثیر دارد و برای رفع

سستی قضیب مجلوق عجیب الخواص از مجربات و اسرار خفیه است ص فصیح مکلس یا زرنیخ که طریقش در عطر
مجموعه و مخزن الاکسیر تحریر است جدوار بنفسجی زنجبیل بیش بلدیه قرنفل عود یکدسه ماشه جوزبویه تخم بالنگو تخم بابونه دو ماشه
عقرقرحه بیش سفید مصطکی دارفلفل مروارید ناسفته یکدیکماشه زعفران چهار ماشه افیون شش ماشه جمله
ادویه را کوفته بیخته همراه نبات القوام مخلوط بقدری گلاب باهم آمیخته اقراص از جمله چهل و چهار سازند یک قرص
ازان وقت عصر با شیر گاو بخورند و نیز قدری ازان همراه شراب براندی یا قندی تند سائیده بر قضیب
بمالند و برگ پان یا ارنڈ بر بندند تا چند روز بعمل آرند قطور اسرار که هرگاه زن را وقت خواب قدری ازان در
فرجش رسانند از شدت شبق و شهوت شوق برخاسته همچون مستانه پیش مرد بیاید طوعاً و کرهاً از مرد وقاع نماید
ص از نیفش [illegible] و رعود ترکی کوفته بیخته با آب لیمون صلایه نموده شیافها و بنادقها سازند و عند الحاجت قدری ازان
همراه آب لیمون سائیده در فرج قطورش رسانند بینید آنچه بینید حرف الکاف منقبض سر دو کماد رطب
اما کماد رطب اول که جهت سستی قضیب مجلوق مخصوص و برائی کجی و سطبری و طولی فوائد روانده دارد
واز معمولات و مخترعات راقم اثم عفی عنه است ص گوشت ورل صحرائی خراطین تازه مصفی عروق
الارض یکدسه توله تخم اسد تخم ورل مغز ساق گاو روغن مالکنگنی یکدو توله عقرقرحا دارچینی قرنفل
کنجد سیاه جوزبویه یکدیکتوله بیش تیلیه بیش هو دیه یکدیک ماشه شراب براندی یا قندی تند [illegible]
روغن پنبه دانه یکدسه توله از جمله ادویه آنچه کوفتنی اند بکوبند و حیوانات را قیمه سازند پس باهم کرده باز بکوبند
و در کرغان انداخته بر آتش نرم بگدازند و با کفچه گردانیده باشند چندانکه بعد چند جوش مانند حلوای غلیظ
القوام گردد فرود آرند و در پارچه پوٹلی بسته اولاً تکمید بر قضیب [illegible] نمایند تا یک ساعت من بعده
نیم گرم شده را حوالی ذکر مانند حلقه مدور نموده ببندند و بالائیش برگ ارنڈ یا برگ توز [illegible] پارچه مستحکم ببندند که تا
هفته یا عشره همچنین بعمل آرند و هر روز گرم کرده اولاً تکماد کرده باشند من بعده بدستور موصوف ببندند
کماد رطب دوم که جهت رفع سستی و کجی مجلوق مالوس از جمله مخترعات راقم اثم عفی عنه است ص
برادهٔ عاج مالکنگنی کنجد سیاه یکدسه توله عقرقرحا دارچینی قسط [illegible] جوز ماثل مغز پنبه دانه [illegible] یکدو
توله دود [illegible] المطر خراطین شحم اسد تخم ورل مغز ساق گاو یکدیک توله ادویه را کوفته و باهم کرده در کرغان
بر آتش نرم نهاده با کفچه گردانند چندانکه مانند حلوای غلیظ القوام گردد فرود آرند و در پارچه پوٹلی بسته
و در همان کرغان بگدازند و عصاره ازان گرفته از عورت خود تکماد بر قضیب [illegible]
گهری بعمل آرند بعد سرد شدن عصره جدید تجدید پوٹلی گرفته باشند [illegible] بر قضیب بندند [illegible]
که مذکور شد هکذا عشره بعمل آرند حرف اللام [illegible] لعوق [illegible]

اما لبان اول که جهت سرعت انزال و تقویت باه و شدت انتشار و امساک بحدیست که
حاجت باطفای آن میگردد صص بلادر مقشر یک اوقیه کندر پنجدرم جاوشیر دو درم سندروس یکدرم
سقمونیا مشوی نیمدرم ادویه را کوفته بیخته و در روغن حب الخروع یکهفته بخیسانند پس بچشانند چندانکه
لایق بستن حبوب گردد و بمقدار نیم درم ازان بنادق سازند و عند الوقاع یک بندق ازان در دهن
داشته مشغول شوند مهیج الباه شدید الانتشار القوی و مخصوصا للمرطوبین **لبان دوم** که چون
مضغ کنند انعاظ قوی آرد حتی که از دهان بر نیارند فرو نشود از اسرار خفی و مخصوص بطوبالست صص
قشر بلادر مقرض خرد خورد بمقدار گنجد نموده یک اوقیه از وی در دیگ سفالین یا گلین انداخته و بالائی او روغن خروع القدر
ریزند که او را بپوشاند پس بپالایند لبان ذکر یعنی کندر نیز بیست درم باریک بسایند و بران اندازند و بر آتش
نرم نهند تا که منعقد گردد پس محموده زرد یعنی سقمونیا نیمدرم سائیده از دو ادویه مذکوره آمیزند و چون انعقاد
تمام پذیرد از آتش فرود آرند و در ظرف آبگینه بدارند و بقدر یکدرم ازان در دهن بگذارند و بجماع مشغول
شوند شدت انتشار بحدی آرد که تا از دهن فرو نیارند فرو نشود این قطعه سه بار بکار آید پس تجدید
قطعه در دهن دارند و باشد که نعوظ آرد القدریکه بعد آوردن هم فرو نشود و حاجت به تسکین بلبان المسکن افتد
آید صص لبان سفید مسحوق ده درم روغن گنجد تازه سی درم قند سفید مصفا ده درم کافور او قیه از دو ازده
دانگ جمله را بر آتش نرم انعقاد نموده بکار برند **لعوق اول** آن لعوق الفصل نیز نامند جهت تقویت باه
و تولید منی و انعاظ قضیب مفید تمام صص آب پیاز سفید کوفته نیم رطل بگیرند و یکرطل عسل مصفی داخل
کرده بپزند تا آب پیاز برود و عسل بماند و در ظرف چینی نگهدارند و یک ملعقه ازان وقت خواب طعام لیسیده باشند
لعوق دوم که جهت تقویت باه و شدت انتشار قضیب مجلوق مخصوص من مخترعات الراقم الآثم
عفی عنه صص آب معصوره پیاز یکرطل آب برگ آب گذر شراب قند یکدم نیم رطل [illegible] بیضه مرغ [illegible]
عدد روغن پنبه دانه یکپاو پخته عسل مصفی سه پاو پخته جمله را باهم کرده در پتیله انداخته بر آتش نرم
غلیظ القوام نمایند و در ظرف چینی یا قلعی نگهدارند و عند الحاجت بقدر پنج شش تولا ازان وقت خواب
لیسیده باشند **اما لبوب اول مختصر** که جهت تقویت باه و تولید منی و تغلیظ آن و شدت انتشار
و امساک بوره منی و مذی و سستی اعصاب قضیب زا شریف التاثیر دارد صص مغز بادام مقشر مغز پسته مغز
جوز نارجیل گنجد مقشر خشخاش سفید مغز چلغوزه یکدرم چند ثعلب مصری شقاقل تودریین تودری ان
کباب چینی دار فلفل یکدرم سه درم [illegible] تخم [illegible] چهار درم [illegible]
عصفر [illegible] زعفران یکدرم دو درم ورق نقره عنبر اشهب یک مثقال عسل [illegible]

بدستور معجون سازند خوراک از نه ماشه تا یکنیم توله مدام صباح و شام همراه شیر گاو بعمل آرند لبوب دوم
عجیب و غریب جهت تقویت باه عجیب الفعل و سریع العمل است و ضعف دماغ و امراض بارده بلغمیه و اوجاع
عصبانیه و اقسام جریان و تولید منی و تغلیظ و امساک و شدت انتشار فواید بیشمار دارد صص بگیرند
زنجفر یکتوله را در هفت آثار پخته شیر گاو و یکعدد جوز بویه کلان در کرغان انداخته بر آتش غلیظ القوام
کهویه نمایند آنگاه یکسیر نبات انداخته بقوام لبوب آرند یکتوله از آن نهار صباح و شام مدام بعمل آرند

حرف المیم منتظم بر دو ماء اللحم و یک باه و یک سعوح و یازده معاجین است اما ماء اللحم اول

که جهت تقویت باه و رفع سستی اعصاب و قضیب و شدت انتشار تمام مفید است صص گوشت بزغاله فربه
دو رطل مرغی فربه دو عدد تیهوج هفت عدد دراج فربه چهار عدد کنجشک پنجاه عدد گوشت از جمله حیوانات
سوای استخوان و چربی گرفته همراه ادویه ذیل عرق برآرند صص بهمن سرخ صندل سفید دارچینی سازج هندی سه مثقال
گلسرخ کشنیز خشک مکد سه مثقال گل گاوزبان هفت مثقال همه ادویه را کوفته بر آن بپاشند یکشب بگذارند
و روز دیگر با بیست تا گلاب و عرق مشک بید و آب زردک و آب نیشکر و آب سیب شیرین و آب امرود
مکد یکرطل داخل کرده عرق کشند و صره از زعفران و مشک و عنبر مکد یکمثقال در پارچه بسته در دهان بخچه
یا در بهبکه اندازند و بر آتش نرم مقطر نمایند خوراک دو فنجان وقت شام بعمل آرند ماء اللحم دوم که جهت
تقویت باه و تصلب قضیب و انتشار حکم اکسیر دارد صص پوست ترپهله زنجبیل زرجیل سنا مکد نیم پاو اسگند
ناگوری مکد بابری فلفلمویه موصلی سفید موصلی سیاه سنبل الطیب ستاور تخم گزر بالا مغز چلغوزه مغز بادام
مکد یکپاو و نانخواه بذر البنج و اجوائن مکد چهار درم فوفل فلفل سیاه سفید لین بوزیجان بدهارا بهوکر موسلی پیپلی
کاکڑا سنگی بهمنین شونیز مغز پسته تربد سفید اقراقی مکد سه درم گندبک آمله ساره دانه هیل قرنفل تخم انجبره
مکد سه توله میتهی هوده یکتوله جمله را کوفته پخته سه شبانه روز در آب خیسانیده من بعد عرق کش بعد بریان مرغ
هفت عدد گوشت مرغ جوان و رطل روغن زرد بعده دو آثار شیر میش و ده آثار بچکانند و سه ماشه زعفران
در صره بسته بمعه یکتوله عقد سیماب و سه توله نبات کوزه در بهبکه اندازند خوراک از سه درم تا پنجدرم مدام
بنوشند **اما مربه عنبر** که جهت تقویت باه و تولید منی و شدت انتشار و تصلب قضیب لا عدیل و جای
امساک منی و جریان مردان و النسوان خاصه منی و مذی که بعد حلق جاری شده باشد رفع گرداند صص
گند بزرگ آنرا خته پاک کرده تراشیده در شوربا انداخته در تنور بگذارند و عسل مصفی سه چندان بر آن ریخته
معلی نمایند پس زنجبیل و قاقله و جوز بویه و قرنفل و دارچینی و خولنجان مکد یکدرم زعفران سه درم عنبر
شب یکدرم خوب سائیده بعد فرو آوردن اندازند و باهم کرده بر آورده در ظرف چینی یا مرتبان چینی نگهدارند

سی درم مدام وقت صباح و شام خورانیده باشند اما مسوح که چون بر قضیب مالند رفع سستی و کجی
ذکر مخلوق نماید و ملذذ طرفین بکمال و منزل الشاء بافراط ست ص زهره گاو زهره خرگوش آب پیاز آب
نرگس شیر بیخ دفلی سفید عاقرقرحا دارچینی قرنفل یکدو توله روغن جمل روغن بالنگنی روغن مغز بنبه دانه یکدو توله
شراب دو آتشه تندیم پاو پخته همه را کوفته بیخته باهم کرده یکپاس درصلایه لیابند و در شیشه نگهدارند و
عند الحاجت قدری ازان بر قضیب مالیده برگ ارنده بندند یکهفته یا عشره بعمل آرند اما معجون
اول که آنرا معجون بیضه نیز نامند جهت تقویت باه و شدت انتشار قضیب چندان نماید که حاجت
بالطفائی ان میگردد از معمولات و اسرار خفیه ست ص زرده بیضه مرغ بیست عدد عسل مصفی یکصد بیست درم
عاقرقرحا قرنفل دارچینی زنجبیل خولنجان یکدیک اوقیه کوفته بیخته بدستور معجون سازند خوراک سه درم صباح و شام
بهروز ترکیب اوزان ادویه نصف اوقیه واله بعمل آورده فایده کثیر یافته لیکن بحسب مزاج مرطوبی بعمل آرند
معجون دوم که مسمی بمعجون مسیحی ست جهت تقویت باه و امساک بغایت موثر و برای شدت انتشار
و تصلب قضیب مخلوق اثری عجیب و غریب دارد و از معمولات خفیه خواجه نقشبندی رحمة الله علیه است
ص جوزبویه قرنفل دارچینی زعفران بسباسه یکدیک ماشه کهیرج دونیم ماشه زنجبیل خولنجان تغلب
هریک پنج توله خصیه دیک هشت عدد زردی بیضه مرغ ده عدد مغز کنجشک بیست عدد کهوپره نارجیل دو عدد
یا سه عدد عسل پنج سیر نبات یکسیر تخم انجره تخم جوزماثل سفید گل ابونه یکدو توله شیر گاو دو آثار اول
هر سه اجزا را در شیر اندکی جوش داده قدری سمائن دادو صباح غلو پیده مسکه بر آرند و
از حبه دیگر را سوای زنجبیل و خولنجان باریک کوفته و از مغز عصفور و صفرالبیض و خصیة الدیک یاد آن
حلکرده در نارجیلها اندکی سوراخ کرده پر کنند و با آرد ماش ملفوف کرده در روغن زرد بریان نمایند و بر
آتش ملائم نهاد و سرخ شود بر آورده لفافه آرد دور کرده تمام باریک بکوبند و شهد و نبات قوام ساخته
اول مسکه مذکور داخل سازند بعده نارجیل مسحوقه انگاه زنجبیل و خولنجان مدقوقه باهم آمیخته بدستور معجون
سازند و اگر قدری مشک و عنبر داخل کنند بسیار موافق ست و شربتی از یکتوله تا دو توله صباح و شام
بعمل آرند معجون سیوم عین الدیک که جهت تقویت باه و انعاظ و امساک عظیم النفع و برای
رفع احتلام مفید تمام ص عین الدیک مقشر بریان بیست و چهار توله نشاسته بریان دوازده توله
کشنیز چهار توله قرنفل یک توله زعفران دو درم نبات یا شکرتری ده چند بدستور معجون سازند خوراک
از یکدرم تا سه درم همراه شیر گاو معجون چهارم اسرار الخفی جهت تقویت باه و انتشار و تصلب

قضیب و تولید منی و رفع احتشام فوائد عجائب نماید فاحفظ هذا النظیر مثله فی کتاب کما قال الانطاکی طو بار
فی فوائده و کرات بتجربه راقم آثم درآمده ص شیر میش صد درهم عسل مصفی شش صد درهم ترنجبین پنجاه
رطل بر آتش بقوام آرند و ادویه ذیله کوفته بیخته آمیزند ص حمص حمص آرد لو یا فندق مکدده درم
دار فلفل دارچینی شیطرج زنجبیل انجره تخم ترب کنجد سفید خبث الحدید مدبر مغز چلغوزه زراوند مدحرج مکدهاده درم
مثقال حبة الخضراء تخم گزر مکد پنج درم عود هندی چهار درم بعد سحیق آمیخته باز بر آتش قدری گرم نمایند و بیست
درهم گلاب که در آن سه درم زعفران و هشت قیراط جدوار و فادزهر و عنبر و مشک محلول کرده آمیزند و در
ظرف چینی نگهدارند خوراک یک مثقال فقط **معجون تخم سلطانی** برای جلالیه خواص یسمی بجهت تقویت
باه و امساک عدیم المثال ست ص موصلی سیاه زنجبیل جوزبویه قرنفل قاقله تخم زردک دارچینی خشخاش
تخم خیار تخم بادرنگ تخم پیاز تخم ترب تخم ملیه کوکنار آمله بالسویه کوفته بیخته بعسل سه چندان معجون سازند
خوراک از یکدرم تا سه درم وقت عصر همراه شیر گاو **معجون ششم ذخائر الملکوت و عظیم النفع ست**
برای تقویت باه و شدت انتشار قضیب بحدیست که لطیفه آن نتوان کرد ص تخم جرجیر کوبیده مکد
سه توله عود وج که عقرقرحا شامی است و آن در حرارت کمتر از عقرقرحا و طعم او شبیه بطعم بادیان ست بدیان
زنجبیل دارچینی مکد یک توله قرنفل سنبل برگ تنبول دانه هیل بذر الورد خولنجان کبابه مصطگی صمغ عربی تخم
حلبه مکدده ماشه حلبه را در شیر گاو دوازده یوم بخیسانند پس خشک نموده علیحده علیحده بکوبند و سه وزن عسل
مصفی معجون سازند خوراک ده ماشه مدام صباح و شام اگر وقت خواب در دهان نگهدارند بهتر است اگر
مرغ فربه را بخته تا لائی آن گوشت و شوربائی آن مرغ بدون نان بخورند و عند تشنگی شیر گاو بنوشند در آن
شب الغاظ قضیب بحدی آرد که شرح آن موجب تحیر ست **معجون هفتم اکسیر البدن** جهت تقویت
باه و امساک و احتشام و شدت انتشار و تصلب قضیب عجیب التاثیر دارد و برائی رفع طحال هم مفید
ص اصل البارد هفت جزو اصل الحار یازده جزو افیون مدبر شش جزو بیخ طرخون کوهی تنکار مشک مکد
چهار جزو بعد سحق بلیغ اصلین را علیحده علیحده جمله ادویه کوفته بیخته با سه چندان عسل مصفی معجون سازند
و چهل روز بگذارند سن بعده یکبار برند از یک ماشه تا یک دام آن همراه شیر گاو مدام بخورانند **معجون هشتم**
مشبق النساء اگر زنی بخورد چندان شبق و شهوت در آن غلبه کند که جز و قاع مرد آرام نیابد و
جهت باه و تصلب قضیب و شدت انتشار بحدی است که حاجت بکافور و گلاب دادن میشود موافق
بحرورین ص عقرقرحا تخم پیاز مکد چهار توله تخم شلغم شش توله افیون مطول از بیض در سفید
تار هل مکدده توله ده ماشه جدول دو توله تخم گندنا چهار توله سیاه دانه چهارده شش حبة الخضراء چهار دو

باشد کوفته بیخته با عسل مصفی سه چندان معجون سازند خوراک یک توله مدام صباح و شام بخورند **معجون فهم**
الغالی که جهت تقویت باه و امساک و هاضمه و نفخ و جوشش و احتلام تام مفید و برای رفع احتلام مخصوص است
و از معمولات خفیه است حص ثعلب مصری شقاقل مصری خار خسک موصلی سیاه موصلی سفید اسگند
ناگوری فوفل [illegible] تخم ترب تخم گزر شلغم تخم تره تیزک مغز کدو مغز نارجیل چلغوزه مغز پسته مغز بادام
مغز فندق [illegible] تخم جوز ماثل نیم توله آرد نخود سیاه نخص مقشر مغز پنبه دانه [illegible] توله عسل مصفی
سه چند اجزا ادویه بدستور معجون سازند شربتی از یک ماشه تا یک درم همراه شیر گاو بخورند **معجون [illegible] هم معجون**
اسقنقوری که جهت تقویت باه و امساک و تصلب قضیب شدید التاثیر دارد حص اسفند سوختنی لسان العصافیر بسباسه جوز بوا قرنفل
دار چینی [illegible] گنجد سیاه مقشر هشت درم جمله را کوفته بیخته با سه چندان عسل مصفی معجون سازند شربتی
سه درم **معجون یا ریزه هم معجون سقنقور که آنرا معجون مرغ سقنقوری می نامند**
از مخترعات و معمولات حضرت جد امجدم شیخ احمد حکیم رحمة الله علیه که برای دیوان الصاحب شیخ
سعید البیجان سجاده نشین حضرت قطب الاقطاب غوث غیاث الاغواثین خواجه فرید الدین شکرگنج قدس سره
دام فیضه علینا توجه تجویز فرموده بودند که جهت تقویت باه و شدت انتشار و امساک و تصلب قضیب
بحدیست که شرح آن موجب سخن است راقم آثم یعنی عند چهار بار تیار کرده باستعمال آوردم یکبار که فقیر [illegible]
حکیم پسر فقیر عزیز الدین حکیم لاهوری تیار کرده داده بودم مشار الیه گفت که هر چند مرا فواید زین دوا هم رسید
در اکسیر اگر باشند همین قدر خواهند بود بلکه بهتر از اکسیر اعظم است و راقم آثم در سفر لاهور روزی که خوراک خود را
[illegible] بودم که این قدر فواید در کدام دوای مرکب تر یافته خواهد بود از بیانش سر از استحیای میگردد
تا [illegible] فانه من الاسرار [illegible] و کنوز الصمدیه حص مرغ جوان بیست عدد در مکان محفوظ داشته باشند
[illegible] صحرائی را ذبح نموده قیمه ساخته هر قدر [illegible] بخورانند و دیگر [illegible] بخورانند و همین طور سقنقور
[illegible] مرغان [illegible] چندانکه شش عدد سقنقور به مرغان بخورانند من بعد یک مرغ را ذبح نموده به مرغان
بخورانند [illegible] یک مرغ باقی ماند پس [illegible] مقشر روغن زرد و قند سیاه و آرد گندم [illegible]
[illegible] هم مخلوط کرده این مرغ را بخورانند آنگاه ذبح نموده در شکم او جوز بوا و قرنفل بسباسه و دار چینی
[illegible] باشد انداخته [illegible] دیگچه انداخته همراه [illegible] دوا [illegible] ادویه [illegible] نموده
[illegible] النار [illegible]
[illegible] گردد [illegible] بسازند
[illegible] ادویه [illegible] معجون سازند [illegible]

مصطگی کبابه شقاقل ابریشم گاؤزبان بالشتر اعز اورق نقره هر یک دو تولہ قرنفل جوز بوا دارچینی
بسباسه هر یک شصت ماشه ثعلب ابراده قضیب گاؤ حار کرک ماهی بهمنین تودریین عود لسان العصافیر
زعفران هر یک یکدام تخم گندنا زرنباد مشک عنبر هر یک هفت ماشه مغز فندق مغز نارجیل مغز بادام مغز چلغوزه منقه
هر یک چهار درام مروارید ناسفته کهربا هر یک پنج ماشه مغز سر گنجشک نر بیضه عدد دو ورق طلا سه ماشه گلاب عرق بید مشک
هر یک یکپاؤ خام شهد و نبات هر یک یکسیر گرفته از زیره که در قرنفل تیار میشود نسخه اش در مخزن الاکسیر نوشته ام
چهار تولہ بدستور معاجین معجون سازند خوراک از نه ماشه تا یک تولہ همراه شیر یا رحیق معجون فلاسفه
بیضوی که جهت تقویت اعضاء رئیسه گرده و پشت و تولید منی و تغلیظ آن مشهور و مخصوص شد بعد از کمال
مجربات آثم است ص ثعلب شقاقل زرنباد بهمن درونج دارچینی دار فلفل فلفل سیاه قشر بلیله آمله بیخ بابونه گل بابونه
شیطرج هندی هر یک یک تولہ مغز نارجیل مقشر چلغوزه مغز پسته هر یک دو تولہ مغز بادام مغز جوز بویا منقی هر یک سه تولہ زرده
بیضه مرغ پنجاه عدد کهویه شیر یکپاؤ پخته قند و شهد بالمناصفه سه چند بدستور معجون سازند خوراک یک تولہ تا
دو تولہ مدام صباح و شام بعمل آرند **حرف النون مرتسم و مفتون بر دو نطول است نطول اول**
جهت زده و سست شده و کجی قضیب و سطبری و طولی آن شریف التاثیر دارد و از مخترعات و معمولات راقم
آثم عفی عنه است ص پوست بیخ کبر سفید پوست بیخ سهانجنه پوست بیخ اذخر هر یک سه تولہ بیخ بابونه گل بابونه
تخم شبت کنجد سیاه مالکنگنی تخم حرمل یک تولہ روغن آب کتائی بمعه بیخ و ثمر و برگ کشیده باشند
و روغن کنجد هر یک پنج تولہ شیر میش هر یک یکپاؤ و آب دو آثار بعد بدقوق جمله را جوشانیده صاف کرده
در آفتابه لوکدار انداخته شیر گرم بر قضیب بستند بیخ بریزند و زیرش ظرف کلان داشته باشند تا
جمع گردد و باز شیر گرم کرده بدستور نطول نمایند همچنین تا سه بار کمپاس بعمل آرند من بعد بیخ از قرار
روغن نطول روغن نرگس نحلی مالیده بران سنجک عقرقرحاء دارچینی بعد تحقیق بلیغ و زور کرده بر آن
برگ بید انجیر بر بندند همچنین تا هفته یا عشره بعمل آرند نطول دوم که از جمله مخترعات راقم الاثم عفی عنه
جهت سستی اعصاب قضیب مخلوق و کجی آن و سطبری و طولی را فواید از حد فوق دارد فاحفظ ص
پوست بیخ دفلی سفید بیخ جوز ماثل پوست بیخ اونٹ کٹاره پوست بیخ کتائی خورد مالکنگنی تخم حرمل هر یک
پنج تولہ تخم بابونه گل بابونه بیخ بابونه تخم شبت کنجد سیاه قرنفل جوزبویه دارچینی عقرقرحا هر یک یک تولہ میش
سفید پشم سیاه کافشته شده روغن کنجد روغن زیتون روغن نرگس و روغن خروع شیر میش شیر بز قند
قند هر یک نیم پاؤ پخته آب چاه یا دریا آثار پخته بعد بدقوق جمله ادویه را استعمال نموده چهارم آن بپختگی بماند صاف
کرده در آفتابه لوکدار انداخته بر قضیب شیر گرم ریخته باشند و زیرش ظرف گذاشته دارند بعده باز اعاده عمل تا هفته یا

یکهفته بعمل آرند و هر روز شیر گرم کرده نطول ساخته باشند من بعده تجدید عمل نمایند لیکن بعد تغسیل و نطول فرکر
ضماد دویه مذاکرده بر آن برگ ارند لبسته باشند مرسلون بنج طارخون قرنفل دو دو المطر تکد شتماشه بهمن سفید
بهمن سیاه یکدسه ماشه باشراب بیماندی یا قندی تند یکپاس سحیق بلیغ نموده در شیشه داشته باشند عند
الضرور بعمل آرند **نوشدارو ی عضوی** جهت تقویت باه و اعضائی رئیسه و معده و حبس اسهال معدی
و معوی و بواسیر وی و بواسیر بدون حرارت خصوص برائی تقویت باه و انتشار کمال مفید و از مجربات
و معمولات **ص گلسرخ** منقی شش درم سعد کوفی پنج درم قرنفل مصطکے اسارون سنبل یکدسه درم زرنب لسان
قاقلین جوزبویه قرفه زعفران یکدو درم شیرهٔ آمله مقشر یک رطل رزوی بیضه مرغ نیم عدد شهد و قند
بالمناصفه دو رطل بدستور نوش تیار نموده بدارند خوراک از یک توله تا یکنیم توله مدام بعمل آرند **حرف**
الیاء الکتفی بر یک **یاقوتی ست یاقوتی** که جهت تقویت باه و اعضائی رئیسه و انعاش حرارت
غریزی و رفع توحش قلبی و خفقان و احتشام را مفید تام و برائی تقویت قضیب و تصلب آن که در ضعف
رئیسه شده باشد موثر کمال **ص** یاقوت رمانی لعل شاف یکدو نیم مثقال بسد حجرق مروارید ناسفته
کهربا گاوزبان گیلانی مصطکے رومی تخم خرفه تخم فرنجمشک تخم خیار کاهو مغز تخم کدو یکدسه و نیم مثقال صندل
سفید تخم کاسنی یکد پنجمثقال لاجورد مغسول تخم بادرنجبویه قرفه طباشیر عود غرقی بازمشک قاقله سنبل ساذج
از هر یک یکمثقال ریوند چینی دو مثقال ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب مشک یکد یکمثقال و ربع شربت سیب
یک سیر آب انار نیم سیر عرق بید مشک و گلاب یک شیشه نبات سفید یکسیر عسل مصفی پنجسیر بدستور معجون بسازند
مراد آثار آثار رخام ست فافهم فهم المتین ثم الذکر الذکر اما در ذکر **بعضی اعمال عجیبه غریبه** که از استعمال
آنها موجب . و عدو و عقود مردان و نسوان و مانند آن رو نماید اگرچه وجوب حب و عدو کامل آن مانند کیمیا
نادر الوقوع ست الا در بعضی اعمال و افعال که بعلم سیمیا مخصوص و موصوفست اغلب در آن تاثیر خواص
ذو الخاصیت کثیر یافته میشود بنابر آن هرچند اعمال و افعال مخصوصه آنها که بتجربه رسیده بودند تحریر
بتسطیر بر چهار تدابیر نموده آمد **تدبیر اول** در بعضی اعمال و افعال که مخصوص حب اند و این برنه تجربه است
تجربهٔ اول که جهت حب کرات مرات بتجربه رسانیده و گاهی تخلف واقع نشده بفضله و کرمه
ص بگیرند کاهو از کار رفته و نصف آخر قرنفل که بحسب ترکیب ساخته باشند یکعدد و وران وقتی
بگیرند که کسوف آفتاب شود در میان آب که حوض یا تالاب یا دریا باشد آنجا رود فرو برد همچنان متوجه
با آفتاب استاده ماند چون کسوف بر طرف شود بیرون آید و محافظت بدارد که وقت بستر زخم مذکور را
تلاش کرده همچنان محفوظ و نگهدارد هر سیاهک بقدرے ازان همراه سیر بجوشند محکوم و بی کردد

وهمچنین اگر همین عمل وقت خسوف ماهتاب بعمل آرند هم موثر میباشد اگر عورتی وقت خسوف یا کسوف
تمر مذکوره را در محل مخصوص خود داشته متوجه بکسوف یا خسوف استاده ماند از ابتدائی تا الغایت بر طرف
شدن بیرون آورده نگهدارد و بهر مردیکه قدری ازان در شیرینی بخوراند محکوم ادمی گردد و این سخت مجربات
که کرات بتجربه رسیده و بصورت بشرط ایستادن در آب نیست تجربهٔ دوم که جهت حب شدید التاثیر دارد
از مجربات کامله است ص بروز زحل ساعت شمس بدرست چپ از آسیای معکوس چندی از
دانهای طبخ معکوس سا ئیده و بیک دست از چاه آب برآرد و خمیر کند و بر تمام بدن مالیده برآرد و
بیکدست ازان آرد نانی بپزد و بوقت خفتن نان را زیر بغل راست تمام شب بدارند چون صبح شود
از بغل برآورده نگهدارند پس از نانی اندکی هر کرا در شیرینی بخوراند محکوم وی گردد تجربهٔ سیوم
که جهت حب شدید الفعل دارد از مجربات ص بروز شمس در ساعت مذکور مادت الزاع خود را در قشر
بیض دجاج کند و چند عدد اثمار که چون مقابل کردن قفل خال از روی زن دور کرده نهاده باشند پیدا
شود گرفته در آن بیض اندازند دهن بیض را مسدود والدهن نموده درجائی محفوظ دارند که سایهٔ
کسی بر آن نیفتد چون روز شمس ثانی آید آن اثمار را ازان کشیده ضبط و نگهدارد پس بهر نسائیکه یک
تره ازان در شیرینی بخوراند محکوم وی گردد تجربهٔ چهارم که معمول زنان هند است که شوهر را
یا بهر مردی که از وی یاد محبت خواهند بخورانند بگیرند مادة الزراع که بعد فراغ از وقاع از جهاز بیرون آید
گرفته در قند اسود آمیخته یا در شیر آمیز کرده بنوشانند محبت فسق پیدا گرداند وکذا خورانیدن مادة الزراع
مرد مخصوص روز یکشنبه با قند سیاه بهر نسائیکه خواهند موجب حب شدید میگرداند تجربهٔ پنجم
که جهت حب از مجربات روز یکشنبه شیر سگ ماده بعد دو پیاله گرفته در وی چند دانه برنج سنتهی اندازند چنانکه
شیر مذکور در آن جذب می گردد پس دانها را برآورده بالای یک گوشه جامهٔ حیض نهاده دیگر گوشه پارچه
حیض مذکوره بالای آن برنج اندازند تا آنکه دانهای خشک شوند و نگهدارند و یکدانه از وی همراه شیرینی
خورانیدن در حال محکوم عاشق گرداند تجربهٔ ششم که جهت حب عجیب التاثیر دارد و هرگاه زن با مرد
بر مکان مخصوصه خود مالیده وقاع نماید از شدت التذاذ طرفین گرفتار یکدیگر شوند از اسرار مجربات خفیه
عجوبه است بگیرند سحیقه ابو الفضل با قدری سحقد آمیخته بر قضیب یا فرج زن ضماد نمایند و جماع کنند
تجربهٔ هفتم که جهت شیفته نمودن و تسخیر نمودن محبوب مرغوب از اعجاز مسیحائی و رموز
اختفائی است ص سنبل از شور نار جهاز کنده تر نموده یا عطر گل آغشته بر شاخ غنچه دوز آلوده بوقاع
نسیم بهار غنچه را گل سازند بجز و فراغ وصال شدید الاتصال طرفین گرداند خصوصاً مفعوله بر فاعل

تجربهٔ هشتم که جهت حب بلند التاثیر دارد از مجربات کاملین برسیده بگیرند خاک چار سبیل
خاک قبر که بر آن باران نباریده باشد و خاک سرو که هنوز تازه بود و گل نچیده باشد و معه از نقاط ما قبر یا کشت
یک یک مشت از هر سه اشیائی مذکوره گرفته در کوزه گلی نو آب ندیده اندازند و هر روز سه شنبه منتر ذیله
شش صد و شصت بار خوانده بدمند تا هفت سه شنبه بعمل آرند و در روز آخر از سه شنبه از شش صد و شصت
بار زیاده بخوانند بلکه بلا حساب خوانده دمیده باشند و هر بار که منتر تمام کنند بدمند و وقتی که هفت سه شنبه
تمام شوند تیار کرده محفوظ دارند و عند الحاجت قدری از آن خاک مذکور باسم او خوانده بر سرش
اندازند فی الحال عاشق و شیفته او شده بیاید منتر مذکور این است گورا ند گورچند گورشنیگر گورشاعر گورین
گورن پیران گورو ہمارا بالکا بدل پاوے فلانی کا نام بازو بدہتہ بدیدی اتنی بیران دہائی باگنا
پکڑ لیاوے ہمارا سپاٹی ہاتی واہنا ہاتھ گئے پکڑ لیاوے پاس بیٹھے تو لشان کے چاہئے ہمارے
پگٹ پراشیرا ہنان ویو تراباچا فکر کام سوئی جوا تقد اور محراب کرے تجربهٔ نهم
که جهت حب شریف العمل بلکه علم کهانه بکشاید و هر چیزی که غیب باشد در گوش با خفای گوید که احدی
را از آن اطلاع نباشد و بهر کس که خاطر خواهد او را حاضر گرداند از جمله اعمال سیمیا کهانو به عجیبه است
روز شنبه کوتاه زنی ضعیفه و دانا از اقوام هنود اگر فوت شود در آن مقام که سبوح شکسته نموده چانه گندم
یا غیر از قسم غله مخمره اندازند از آنجا چانه مذکور را گرفته سفال از همان سبوی شکسته گرفته در صحرا یا و پله صحرا
بر آن سفال چهار عدد نان پزانیده در مکان بیارد و در زمین مدفون سازد و وقت شب همان زن
ضعیفه آمده التجاء و الحاح کند که مرا بچه انداخته نان پخته بده و بعد چند التجا و الحاح او نصف از خبز
پخته مذکوره از زمین بر آورده شکسته باو بدهد و نیمه دیگر را باز در زمین مدفون سازد و الا از وحشت
غش نیده خواهد برد و هرچند خوف خواهد داد هرگز نترسد در روز دوم باز وقت شب خواهد آمد همان الحاج
التجاح نماید آن نیمه نان کشیده باو باز دهد بالجمله بروز چهارم او را بگوید که اگر در هر کار که شما را یاد کنم
شما حاضر شوید و بر زمین اقرار از و بگیر و دو نان او را بدهد هر وقت که او را یاد کند همان وقت حاضر شده
کار پیش لیسر انجام رساند و هرچه پرسد در گوش او در بگوید لیکن خبر ماضی بگوید نه استقبال هیچکس را از آن
اطلاع نباشد اما تدبیر دوم آن که مخصوص حب و عداوت و بجز دو شمول خود این نیز بر دو نحو است
اما نحو اول آنکه جهت حب عدو عظیم النفع و سریع التاثیر دارد و از مجربات قویه لا عدیله است
حس آنچه مردمان هنود سوا کها کرده بر کنار های دریا میگذارند آن سوا کها را جمع کنند و بر روز ش در
جائیکه محرق مونامائی هنود باشد رفته ریزد و رخت از نعش عریان شده بنشیند و آنجا را با سرگین گاو مطلو نموده و از

دیگدان سازد و قدری صمغ افلاطون بخور کند و رشته سرخ و برگ تنبول و قدری برنج و گلهای
سفید پیش خود نهاده دارد و کاسه استخوان قحف انسان بر دیگدان بعد مطلای زیر آتش نهاده
مقداری شیر از حیوان که متصل از زحل بدرجه دوم هست در آن انداز و قدری دانها از غله که چون مقابل
کردن از گنج بی سر و بی رنگ بی الف پیدا می گردد داخل کند طعامی بپزند چون قدری تیار شود آن کاسه
برداشته بر زمین همان درخت معکوس بزنند آنچه دانهای مذکور بر زمین در تخت مذکور چسپیده باشند جدا
گیرند و آنچه بر زمین افتاده باشد علیحده محفوظ دارد و پیش وقت حاجت اگر دو سه دانه از ملتصقه آن بهر
کسیکه بدهد محکوم وی گردد و از متفرقه آن بهر که بدهد متنفر گردد و بهر دو کار حب و عداوت تیر هدف اند
لیکن وقت نمودن این عمل حصار آیة الکرسی وغیره محافظت خویش خوانده باشد و الا از شیاطین
مزاحم شوند عجیبه دوم که جهت حب و عداوت بهر دو کار از مجربات عظیم و اسرار خفیه و رموز صدریه است
و کرات بتجربه راقم آثم در آمده و گاهی تخلف واقع نشده الا آواز اذان باکی نرسد که سطل فعل عمل آن
بعد طیار شدن او را دور از شهر که آواز موذن بآن نرسد بگذارند یا مدفون سازند و عند الحاجت
وی بیارند که وقت بانگ نباشد و هما وقت همراه شیرینی بخورانند فوراً مفتون او گردانند یا مقهور
عدو آید بنا تا حسن چون رب معکوس که از قسم غله شریفه هست از اظفار الکبار نا بالغه از قشر بالائی پاک و
صاف کنانیده بروز خسوف ماهتاب زیر درخت مرتعش بچوب همان درخت در قحف بشر شیر حیوان
اسود اللون که از زحل متصل بدرجه دوم هست غزالی پخته بر زمین همین درخت معکوس بزنند هر چند از آن
دانها فی الحال که بر تنه آن چسپیده علیحده بگیرند و منفصله را جدا بدارند اگر از متصله او دو سه دانه همراه
ماء و عینی از اشعار بنا ر و هر بیت اظفار و چرک بدن خویش در شیرینی بخورانند در تسخیر و غلبات محبت
عدیم المثل است و منفصله او در تاثیر کشیر در تفریق طرفین هست و اگر همچنان در کسوف آفتاب زیر درخت
مغیل بعد چوب آن درخت بدستور مسطور پخته تیار نمایند همان فعل حب عدو و نماید اما بدین ملحوظ
انگه خاص بعد مخصوص اند و آن هم بر سه تفرقه است اما التفرقة اول که مخصوص بعد و است
اگر خواهی که عضوی از اعضای دشمن ضرری رسد ناقص گردد پس از گل مزار صورت آن شخص را
سازند و این حروف بتعداد بر آن نقش کنند و از آن بدم کارد بر هر عضوی که مضرت او خواهند
بزنند یا پس بسیار نمایند همان عضو آن شخص ناقص و افتد لیکن عامل از خدا بترسد که نکند مگر برای کسی که مستحق
باشد بشرطها حروف نقش اینست ... کتف راست کتف چپ پهلوی راست پهلوی چپ ران
ران راست تا قدم ران چپ تا عورت التفرقة دوم در عدو اگر خواهی که کسی را بمرض صعب

گرفتار کند روز شنبه بساعت زحل صورت آنکس را از موم سیاه بسازد و در ساعت اول روز شنبه
این طلسم را بآب نیل بر کاغذ بنویسد و آنرا در میان صورت گذاشته در لتهٔ حیض بپیچیده در شیشه
صافی بدارند آن شیشه را نزدیک آتش دفن کنند مدعی بمرض صعب مایوس العلاج گرفتار شود طلسم
اینست س ه ه ه ه روه آو ح و ۹۴ ه حاصل و + لسح ص لا سح ص
سح عسا ما علو احدا هه نه به واما تفرقه سیوم در عدو اگر خواهی که دشمن را
هلاک کنی بیار د بیضه مرغ که گندیده شده باشد و تبت و آن گونه را بر آن بنویسد و در گور کهنه دفن کند
خود در میان هر دو گور نشسته هر روز دو صد و هشتاد بار همان سوره بخواند انشاء الله تعالی دشمن را در
سه هفته بهیچوجه نگذارد تفرقهٔ چهارم که جهت عدو موثر تمام است روز سه شنبه آخر ماه کهچه
برنج و دال بالمناصفه پخته و جغرات بران انداخته در گورستان برود و بر هر قبر یک یک لقمه
نهاده باشد و یکیک سنگریزه گرفته بود تا بیست سه سنگریزه بگیرند جمله را جمع کرده در خریطه نهاده پیچیده در
صحن خانه عدو مدفون سازند در اندک روز خراب گرداند اگر تاخیر شود بتکرار عمل نمایند ضرر دو دشمن را هلاک
سازد تفرقهٔ پنجم که جهت عدو موثر است اگر خواهی که خانهٔ دشمن را ویران کنی و ویران و خراب گرداند
وقتیکه ماه در منزل ششم باشد استخوان آدمی مرده را در آستانهٔ خانهٔ دشمن پنهان کند و بگوید که الهی این خانه را
ویران کن در عرصهٔ عنقریب ویران گرداند اگر درین تاریخ مذکور سم اسپ مرده آورده درون خانه دفن کند
و دندان سگ مرده و سر مار در وے انداخته زیر آستانه که دفن کنند بسرعت خراب گرداند تفرقهٔ
ششم که جهت تفریق طرفین از اسرار معمولات خفیه است در ظرف گلی نو آب دیده موی سر تازه
بمعه اشعار طرفین بخور نموده بالتعیل آب انداخته بطرفین از آب بنوشانند تفریق و عدوت شدید
گرداند تفرقهٔ هفتم که مخصوص لعدو المناهست جهت جاری کردن خون حیض از اعمال عجیبه و
افعال نجیبه است طص بگیرند یک عدد لیمون کاغذی و یک شوق دلدل صحرائی هر دو را دو دست گرفته
وقت شب بقصور مایه البغض نموده متوجه بآسمان نشینند وقتیکه رجم شیاطین ظاهر شود در حین رجم
قل اعوذ برب الفلق خوانده قاف را بشدت از حلق بر آرد و شوک موصوف را در لیمون بزند چندانکه تا نصف
لیمون برسد و گوید شخصے فلان را خون استحاضه جاری کردم بامر الله تعالی از همان لحظه عورت را
خون استحاضه جارے خواهد شد و این لیمون را بجائے محفوظ دارد و وقتیکه اراده شفا او باشد شوک
را از لیمون بر آورند اگر ان شوک و لیمون ضائع شود ابدا الاباد استحاضه او باقی خواهد ماند و از
هیچ علاج شفا نخواهد شد عامل را خوف خدا لازم است تفرقهٔ هشتم جهت عدو اگر خواهی که

کسے را از کسب و کار روزگار دشمن بند کند و رواج دکان نماند باید که قدری گل معکوس از مکان شق
گرفته در چندے بخط بر عکس آلوده غلوله بسته درمیان جائیکه هنود سوزان باشند اندازد و بعد سوختن
مرده همان مقدار خاکستر آمیزد گرفته در جائے مبغوض نهد بندش عظیم شود و این مجرب است و برای افتتاح
آن چوب نیلوفر قدری آورده بران چوب سورهٔ فاتحه بنویسد یک لوٹه آب جاری از ندی آورده آن چوب را
درمیان آن لوٹه انداخته گرداینده باشند فاتحه خوانده باشند چون الفاظ فاتحه تمام در آب محو شوند آن
آب را در تمام خانه او بپاشند که بندش کشاده گردد تفرقهٔ تخم جهت عدو عظیم الخواص دارد اگر خواهے که
جمله از خاندان دشمنان پریشان شوند و رفع گردند وقتے که آفتاب در برج عقرب آید در ساعت اول
ساعت مریخ این اسم ذیله بر تخته آهنی نقش کند و نامهائے ایشان نیز بر تخته بنویسد و درمیان آب
حوض فرو برد رفع شوند اسم بزرگوار اینست یا شطفشیشا اگر از اعدا او آن نقش بر کند و با قلم فولاد
بر تخته آهنی منقش کند احسن هر وقتے که از آب بر آرند بکشاید اما تدبیر چهارم در عقد بستن زن
بدکاره که احدی بر آن قادر نگردد الا بعد کشادن آن و این بر نه عقود است اما عقد اول در عقود
مردان و نسوان که مخصوص نبات شجر الحیاست چونکه نبات موصوف در علم سیمیا از جمله اشجارهای اصل الاصول
کبیر المعمول در التنت لهذا چهار اعمال عقود که بتجربه راقم آثم عفے عنه در آمده بودند تحریر نموده ام از انجمله
جهت بستن زن بدکاره که احدی بر جماع آن قادر نشود از اسرار مجربات شدیده است ص بروز شنبه یا هر روزے
که باشد اول چند دانه برنج یا زرد چوب رنگین کرده گرفته نزدیک نبات شجر الحیا برود و آن برنجها را بسے ارد
اندازد و بگوید که فلان کار من بالتت خواهم آمد ترا خبر باشد پس از ساعتے توقف کرده نزدیک او برود و دانه
از برگهایش گرفته بیارد و با هر زنی که اراده بستن باشد وقت مجامعت آن برگها را در دست مالیده در بن ران
او از طرف چپ بمالد و بگوید که من ترا از غیر خود بستم ان شاء الله تعالے احدی بر جماع آن زن قادر نخواهد شد
و اگر عورت اراده بستن مرد دارد به دستور مذکور برگهائے او آورده بر بن ران مرد بمالد و همان الفاظ بگوید آن مرد
بجز وقاع آن عورت بر دیگرے قادر نخواهد شد عقد دوم آنکه اگر عورتے چند برگ از نبات شجر الحیا گرفته
زیر بستر خود پنهان نماید مرد هر چند ملاوبود بر جماع او قدرت نیابد عقد سیوم که جهت عقد زن بدکاره
و مرد فاحشه فاسقه وغیره آمده از تشدید المجربات از اسرار خفیه است ص تار موی کسی یا تار خرقهٔ آن بحال
باین ا گرفته بیش آن نبات شجر الحیا بوقت شب رفته منتظر باشد تا که رجم شیاطین ظاهر شود بمجرد بروز آن
اندکے از شاخ او برا تار مذکور به بندد و بگوید که مرد فلان کس را بسته ام بقدرت حق سبحانه آن مرد یا زن
بسته گردد لیکن عامل را شرط است که از خوف خدا آن شجر زیر ظرف محفوظ دارد تا وقتیکه اراده کشادن منظور باشد آن

تار را از آن شاخ بگشائید و اگر کسی انسان یا حیوان آن شاخ بسته را بشکست تا دم حیات کشادن
متصور نباشد عقد چهارم که جهت عقد و بند کردن شرم و حیا مرد باشد خواه زن خواه نسوان فاحشه
را از مجربات خفیه است حس وقت کسوف یا خسوف آفتاب بیخ شجر الحیا را گرفته تعویذ کرده پیش خود محفوظ
دارد موجب حیا و شرم و مقبول و منظور دلها گردد و اگر بزور شمس در ساعت مذکور بیخ او گرفته بهر زنی که چند روز
بخوراند بعد روزی نهایت شرم و حیا پیدا میشود بالخواص عقد پنجم برای زن بدکاره فاحشه که احدی بجز آن
قادر نگردد موئی سر زنی که شبانه دو ور بزد سوخته و احلیل را بآن رماد آلوده جماع نماید بسته گردد عقد ششم
که مرد بیگانه بر آن زن قادر نگردد حس حلیل خود را بازهره گرگ آلوده مباشرت کند عقد گرداند و گذار زهره
گفتار و زهره بستور قضیب را لیده جماع کردن همین حکم دارد عقد هفتم آنکه ازین ادویه شهوت مرد و زن
منعقد سود حس پهٹکری بریان یکماشه یا دو ماشه با شربت نبات چند یوم صباح بخورند تو عدد یکه سپاری
چهالیه درون درخت کیله تا هفته بدارند بدین طریق که کیله را کاواک سازند و سپاری مذکور در آن بچها
گذارند بعد دو هفته بیرون آرند بزن پر شهوت یا مرد مذکور را بدهند شهوت اعتدال شود تو عدد یکه
ده برگه که قسمی است از صد برگ تخم وی بگیرند و کوفته بیخته نیم درم بدهند نقل از کتاب مجربات اکبری
مطبوعه نولکشور صفحه ۱۰۴ سطر ۱۴ مصنف درین عقد بیانی دیگر نوشته بود بخلاف مصلحت نوشته
شد عقد هشتم جهت بستن مردان شدید التاثیر دارد حس بگیرند منی مرد بعد فراغ انزال در جامه
عصفری سرخ رنگ گره به بندد و در زیر درخت سپستان یا چارپائی و چوکٹ دفن کند تا دامی
که بیرون نیارند کشاده نگردد و اگر اینجا معلوم نشود که کدام جا جامه منی مدفون است پس بر جامه مرد آب
نهاده آب انداخته بر سر او اندازند و بشوئیند کشاده گردد عقد نهم که جهت قطع کردن شهوت بالکل
و متنفر نمودن از مردان بلیغ الاثر دارد حس ذکر الذئب را قبل از طلوع آفتاب یا بعد غروب گرفته
در سایه بخشکانند بحدیکه آفتاب نبیند پس بهر زنی که از آن بخوراند از مردان متنفر باشد و قطع شهوت
او کرده کند قضیب گاو مجفف زیر سائید نیم مثقال با شراب بخورانند شهوتش بسته گردد +

تمت

الحمد لله والمنة که کتاب لاجواب مسمی به تریاق استمنا در علم طب تالیف
جناب حکیم امام دین صاحب مد ظله مصاحب ملازم مهاراجه صاحب والی کپورتهله
به تصحیح مولوی غلام حیدر لاهوری عم فیضه امام مسجد محله سید مٹھا ناصر دین سید الابرار
صلی الله علیه وسلم باتمام رسید +